

گرامر رو قورت بده!



تمامے حقوق مادی و معنوی این کتاب الکترونیکے متعلق بہ سایت **www.گرامر.com** مع باشد و ہر گونه کپی برداری از این کتاب پیگرد قانونی دارد

CONTANTS

فهرست

انگلیسی

ENGLISH

صفحه

PAGE

فارسی

PERSIAN

Introduction	1	مقدمه
Simple present	3	حال ساده
Present continuous	18	حال استمراری
Stative and dynamic verbs	23	افعال حالتی
Simple past	26	گذشته ساده
Past continuous	31	گذشته استمراری
Used to	36	گرامر Used to
Present perfect	39	حال کامل
Simple past and present perfect	44	حال کامل استمراری و حال ساده
Present perfect continuous	48	حال کامل استمراری
Present perfect continuous and present continuous	49	حال کامل استمراری و حال استمراری
Past perfect	54	گذشته کامل
Simple past and past perfect	57	گذشته ساده و گذشته کامل
Present perfect and past perfect	58	حال کامل و گذشته کامل
Past perfect continuous	59	گذشته کامل استمراری
Past perfect continuous and present perfect continuous	61	گذشته کامل استمراری و حال کامل استمراری
Past continuous and past perfect continuous	62	گذشته استمراری و گذشته کامل استمراری
Future	64	زمان آینده
Present tense for future	64	به کار بردن زمان های حال برای آینده
Simple present	65	حال ساده
be about to	66	ساختار
Will	67	ساختار
be going to	72	ساختار
Future continuous	76	آینده استمراری
Future perfect simple	79	آینده کامل ساده
Future perfect continuous	81	آینده کامل استمراری
Modals	83	Modals افعال
ability ; possibility ; alternatives to Modals	84	توانایی ، احتمال انجام کار اجبار و الزام
obligation and necessity ; suggestions and advice	95	عدم وجود اجبار بیان پیشنهاد و توصیه

Passive	98	جملات مجهول
It is said that... He is said to...		
He is supposed to...		
Have something done		
Conditional sentences	113	جملات شرطی
Zero conditional	115	نوع صفر
First conditional	116	نوع اول
Second conditional	118	نوع دوم
Thied conditional	121	نوع سوم
Unless in case	122	
Reported Speech	123	نقل قول غیرمستقیم
Reported Questions	128	گزارش جملات سوالی
Reporting verbs	128	افعال برای نقل قول
Tag Questions	132	سوالات ضمیمه
Verb + verb patterns	137	فعل + الگوهای فعلی
Verb + to - infinitive		
Verb + ...ing		
Verb + prepositin + ...ing		
Verb + infinitive without to		
Countable and uncountable nouns	143	اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش
Noun + verb + adj + ...	157	اجزای جملات
Noun	158	اسم
Verbs	159	فعل
Adjectives	159	صفات
Adverb	160	قید
Pronouns	160	ضمایر
Preposition	161	حروف اضافه
One / ones	162	
Articles : a/an/the	163	حروف تعریف
Plural nouns	167	اسامی جمع
Adjective	169	صفت
Comparative adjective	172	صفات تفضیلی
Superlative adjective	173	صفات برتر
Adverbs	175	قیود
Adverbs + Adjective	181	قید + صفت
Too and enough	185	استفاده از Too and enough
So and such	187	استفاده از So and such

Comparing things	189	مقایسه کردن
Comparing adjectives	189	صفات مقایسه ای
Superlative adjective	191	صفات عالی
Comparing adverbs	192	قید های مقایسه ای
Demonstrative : this, that, these, those	197	ضمایر اشاره
Possessive adjective	199	صفات ملکی
Possessive pronouns	201	ضمایر ملکی
Reflexive pronouns	203	ضمایر انعکاسی
I and me (subject and object pronouns)	207	فاعل و ضمایر مفعولی
There or it/they	209	
both ,neither ,either ,none	211	
The noun phrases	213	عبارات اسمی
prepositions	214	حروف اضافه
Verb + preposition	214	
Adjective + preposition	216	
Noun + preposition	218	
prepositional phrase : by , in , at, an , of	220	کاربرد های (by)
Relative clauses	222	جمله واره های موصولی
Relative pronouns	222	ضمایر موصولی
Defining Relative clauses	225	جمله واره های تعریف کننده
Non-Defining Relative clauses	226	جمله واره های غیر تعریف کننده
Questions	231	سوالات
Yes/No Questions	231	سوالات بله و خیر
Wh Questions	232	سوالات wh
How long/far/ofthen ...?	235	
What ... like?	237	
who and what	238	
(object and subject)		
Short answers	242	جواب های کوتاه
So am I , I am too , Neither , am I etc.	244	
Direct and Indirect objects	245	مفعول مستقیم و غیر مستقیم
Cardinal and ordinal numbers	246	اعداد شمارشی و ترتیبی

CONTANTS

فهرست

انگلیسی

ENGLISH

صفحه

PAGE

فارسی

PERSIAN

Building sentences

248

جمله سازی

And, but , so , both ... and
either etc

Because , in case , so ,so that

Since , as , for

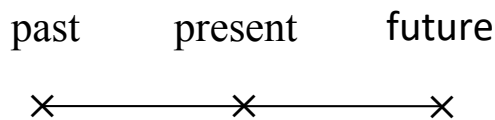


Englis Grammar

Introduction

مقدمه

در زبان انگلیسی 3 بازه‌ی زمانی وجود دارد [حال، آینده و گذشته]



past ← گذشته‌ای که گذشت و تمام شده است.

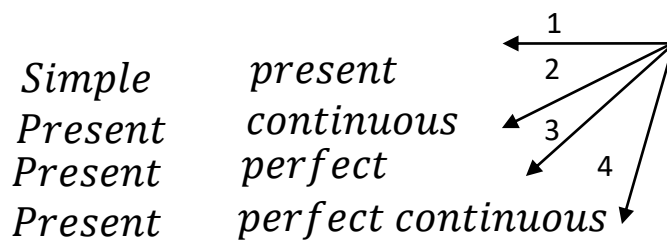
present ← حال، اکنون

future ← آینده‌ای که برای آن برنامه داریم.

هر کدام از این زمان‌های اصلی به 4 دسته‌ی فرعی تقسیم می‌شوند.

1. <i>Simple</i>	ساده
2. <i>Continuous</i>	استمراری
3. <i>Perfect</i>	کامل
4. <i>Perfect Continuous</i>	کامل استمراری

به‌طور مثال در مورد زمان (*present*):





و به همین ترتیب:

<i>Simple</i>	<i>past</i>
<i>past</i>	<i>continuous</i>
<i>past</i>	<i>perfect</i>
<i>past</i>	<i>perfect continuous</i>

پس در مجموع 12 نقطه زمانی در زبان انگلیسی وجود دارد.

در مورد *Simple* می‌توان گفت که این بخش ساده‌ترین بخش از هر زمان است و معمولاً جزء پرکاربردترین زمان‌ها در زبان انگلیسی است. برای مثال:

Simple past , Simple present و...

همان‌طوری که از معنای کلمه *continuous* مشخص است. (استمراری)، این زمان به علمی که استمرار دارد و به‌طور مداوم انجام می‌شود اشاره دارد. به‌طور

مثال: *past continuous , present continuous* و...

در طی این مقاله به بیان تمامی نکات و جزئیات نقاط زمانی معرفی شده خواهیم پرداخت.



حال ساده *Simple present*

- این زمان جزء یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین نقاط زمانی (حالت زمانی) در زبان انگلیسی است.

- ما در چه زمان هایی از Simple present استفاده می کنیم ؟
- هنگامی که می خواهیم در مورد تکرار های منظم و کار هایی که صورت تکراری دارند صحبت کنیم. مثلاً کار خاصی که هرروز ، هرماه یا هرسال یا... انجام می دهیم.

I use the internet every day.

زمانی که در مورد عادت منظم و اعمال روتین خود صحبت می کنیم نیز از همین زمان بهره می جوییم.

I take shower twice a week.

- در هنگام صحبت در مورد حقایق علمی پذیرفته شده یا زمانی که سخن درباره موارد کلی و پذیرفته شده است از زمان Simple present استفاده خواهیم کرد.

-The water boils at 100°C



به طور کلی زمانی که در مورد اعمالی بلند مدت صحبت می کنیم از زمان Simple present استفاده خواهیم کرد. (تمام موارد و افعالی که ماهیت بلند مدت دارند)

- I live in Tehran.
- I awe this house.

✓ به طور کلی با پیروی از 2 فرمول زیر می توانیم جملاتی با زمان Simple present بسازیم:

① *Subject + main verb + ... + Time Adverb*

فاعل فعل اصلی قید زمان (T.A)

✓ دومین فرمول ساختن Simple present :

② *Subject + to be verb + ...*

فاعل فعل کمکی

در ابتدای می خواهیم تفاوت فعل اصلی (main verb) و فعل کمکی (to be verb) را متوجه شویم:



فعل = عملی که انجام می‌شود (خواهید ، بازی کردن و ...)
 فاعل = کننده‌ی کار (علی خواهید)
 subject
 فاعل

با دو مثال تفاوت بین افعال اصلی و کمکی را درک خواهیم کرد.

– I play ——— من بازی می‌کنم

– I am ——— من هستم ؟

درمورد فعل اول (فعل اصلی) معنای جمله تا 90% معین است ولی در مورد فعل

دوم (فعل کمکی to be) معنای جمله ناقص خواهد بود پس می‌توان گفت فعل کمکی به

تنهایی کامل کننده‌ی جمله نیست.

I am ——— a student
 ——— a girl
 ——— 25 years old
 ——— Smart
 ——— Maryam



Subject = فاعل = کننده‌ی کار

- 1- اسامی خاص علی به مدرسه رفت.
 2- نوع فاعل (subject) وجود دارد
- 2- ضمائر ← اسامی که به جای اسم‌های خاص می‌نشینند. او به مدرسه رفت.

ضمایر

(Singular)	مفردها	جمع‌ها	(plural)
من	I	We	ما
تو	You	You	شما
او (پسر)	He	They	آنها
او (اختر)	She		
او (اشیاء)	It		

* نکته‌ی مهم:

وقتی فردی را می‌شناسیم، برای بار اول، هیچ‌گاه نمی‌توان از ضمائر استفاده

کنیم.



* فقط در صورتی که با اشاره‌ی دست به فاعل مدنظرمان اشاره کنیم می‌توان

از ضمیر استفاده نمود.

قیده‌ها = *Adverbs*

قیده‌های زمان حال ساده:

every بیان کننده‌ی اعمالی است که به صورت روتین انجام می‌شوند. (هر روز، هر سال و ...)

① *every* { *every day*
every week
every month
every season
every year

② وقتی به اسامی روزهای هفته *on* جمع اضافه و قبل آن *on* بیاوریم

به عنوان قیود زمان حال ساده استفاده خواهند شد.

و نشان دهنده‌ی تکرارهای منظم خواهند بود.

{ *on* *Sunday s*
on weekday s هر روز هفته
on even day s روزهای زوج
on odd day s روزهای فرد



* نکته

عبارت (*every other day*) به معنای (یک روز در میان) هم به عنوان قیدی برای زمان حال ساده استفاده می شود.

③ *Adverbs of frequency*

قیدهای تکراری :

<i>always</i>	100%	همیشه
<i>almost always</i>		
<i>often</i>		
<i>usually</i>		
<i>some times</i>		
:		
<i>Never</i>	0%	هیچگاه

④ یکبار در هفته	{	<i>Once a week (year – month)</i>
دو بار در هفته		<i>twice a week</i>
سه بار در هفته		<i>three times a week</i>
		:

حالا با کمک مواردی که یاد گرفتیم به ساختن جمله ای پردازیم:



مدل اول 1 *Simple present type* برای بیان کارهایی که انجام می‌دهیم استفاده می‌شود.

مثال 1:

مثلاً جمله‌ی $\left(\frac{\text{من}}{\text{فاعل}} \frac{\text{هر روز فوتبال بازی می‌کنم.}}{\text{فعل اصلی}} \right)$ $T.A$...

زمان جمله به دلیل وجود (*Simple present* هر روز) خواهد بود.

حالا با تشخیص تمام جزئیات جمله مانند پازل جمله را به انگلیسی تبدیل می‌کنیم.

– $\frac{I}{\text{sub}} \frac{\text{play}}{\text{main verb}} \text{soccer} \frac{\text{every day}}{T.A}$

نکته

* همیشه در ساختن جملات $T.A$ یا قیود زمان در آخر جمله قرار خواهند گرفت.

$\frac{\text{علی روزهای زوج}}{\text{فاعل}} \frac{\text{به مدرسه می‌رود.}}{T.A}$
 قید مکان فعل اصلی قید زمان

مثال 2:

Ali goes to school on even days.

نکته ①: در زبان انگلیسی همیشه قید مکان قبل از قید زمان می‌آید.



نکته ②: هنگامی که فاعل سوم شخص مفرد است (*It , She , He*) فعل با $\begin{pmatrix} S \\ \text{یا} \\ es \end{pmatrix}$

خواهد آمد.

$\begin{matrix} He \\ She \\ it \end{matrix} \Rightarrow V + S(es)$

؟ چه زمانی (S) و چه زمانی (es) استفاده می شود؟

هنگامی که فعل به حروفی مانند *O , X , Ch , Sh* ختم شود. به جای (*S*) در حالت

سوم شخص (*es*) می گیرد مثال (*do → does*) (*go → goes*)

مثال : – *The earth goes round the sun*

– *It takes me an hour to get to work.*

مدل دوم Simple Present :

این مدل معمولاً برای بیان مشخصات فردی و معرفی استفاده می شود.

بودن $\begin{cases} am \rightarrow I \\ is \begin{cases} HE \\ She \\ it \end{cases} \\ are \begin{cases} we \\ you \\ they \end{cases} \end{cases}$

2) Sub + to beverb + ...



به جای نقطه چین می توان از سن، جنسیت، شغل، مکان، اسم و... استفاده نمود.

– *I am a teacher.*

مثال:

– *He is an engineer*

– *I am 18 years old.*

– *I am a girl.*

منفی کردن و سؤالی کردن جملات *Simple present*:

همواره باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که در ساخت جملات منفی و سؤالی در

حالت *Simple present* فعل کمکی و فعل اصلی در کنار هم می آیند.

– منفی کردن:

* هرگاه بخواهیم جمله ای را منفی کنیم باید از فعل کمکی زمان خودش استفاده

کنیم. برای منفی کردن اگر جمله فعل کمکی نداشت که به آن می افزاییم اگر هم

فعل کمکی داشت که دیگر نیازی نیست اقدامی کنیم.

* نکته ی مهم



فعل کمکی همیشه بین فاعل و فعل اصلی می آید.

- دو نوع فعل کمکی زمان *Simple present*:

Do

- I
- You
- We
- they

Does

- he
- she
- it

* نکته:

هرگاه فعل کمکی *Does* را به کار ببریم S یا es آخر فعل حذف می شود.

* برای منفی کردن از آوردن کلمه (*not*) قبل فعل کمکی استفاده می کنیم.

منفی کردن نوع اول جملات *Simple present*:

⊖ *I play soccer everyday.*
I don't play soccer everyday.
 (do not)



⊖ *–Ali goes to school everyday.*
 ⊖ *Ali doesn't go to school everyday.*
 (does not)

نکته:

Do not → don't

Does not → doesn't

– منفی کردن نوع دوم جملات *Simple present*:

مثال: ① *I am a teacher*
 ⊖ *I am not a teacher*

در این جا فعل کمکی داریم پس نیازی به فعل کمکی *Do* و *Does* نیست و فقط با

آوردن *not* جمله منفی خواهد شد.

مثال: ②

⊖ *He is a student.*
 ⊖ *He is not a student*
 یا به صورت اختصاری *He isn't a student.*



- سؤالی کردن:

به دو صورت می توان جملات را سؤالی نمود.

1) *Yes/No Questions* جواب کوتاه بله یا خیر دارد.

2) *wh Questions (in formation Q_s)*

این نوع سؤالات با کلمه‌ی پرسشی شروع می‌شوند که حروف اول آن‌ها (*wh*) است و در جواب اطلاعاتی به دست می‌آید.

و پاسخ کوتاه ندارند. به همین دلیل به آن‌ها *information questions* گویند.

در این جا هم مانند حالت منفی کردن

در صورتی که فعل کمکی نداشته باشیم به آن نیازمندیم.

1) *Yes/No Q_s*

Type 1)

نوع اول جملات حال ساده:

? $\left\{ \begin{array}{l} -I \text{ play soccer everyday.} \\ - \text{ Do you play soccer everyday?} \\ \quad \left[\begin{array}{l} \text{Yes, I do.} \\ \text{No, I don't.} \end{array} \right. \end{array} \right.$

در هنگام پاسخ دادن نیز از فعل کمکی استفاده می‌کنیم.

* نکته:



جواب کوتاه باید حداقل از 3 کلمه تشکیل شده باشد.

Type 2)

نوع دوم:

He is a teacher.
 ?
Is he a teacher? [*Yes, he is.*
 No, he isn't.

* در آنجا از فرمول جابه‌جایی فعل کمکی و فاعل برای سؤالی کردن جمله

استفاده شد.

* نکته:

به علت این که جواب کوتاه باید حتماً دارای حداقل 3 کلمه باشد. (قبلاً بیان شد)

× *Yes, he's.* غلط

✓ *Yes, he is.* صحیح است



2) $wh - Q_s$

کلمات پرسشی:

$where ?$	کجا
$when ?$	چه زمان
$who ?$	چه کسی
$which ?$	کدام یک
$why ?$	چرا
\vdots	\vdots
\vdots	\vdots
$How ?$	چگونه / چطور

* استثنا

* نکته:

* بسته به این که کدام قسمت از جمله را می‌خواهیم مورد سؤال قرار دهیم کلمه‌ی پرسشی متناسب را انتخاب می‌کنیم.

فرمول ساختن سؤال wh :



فعل اصلی / فاعل / فعل کمکی / Wh word

مثال: ① – *I go to school on weekday.*

مثلاً می‌خواهیم زمان جمله (*On weekdays*) را مورد سؤال قرار دهیم. پس کلمه‌ی پرسشی مناسب (*when*) است.

طبق فرمول: ← – *When do you go to school?*

مثال: ② مورد سوال قرار می‌گیرد.

– *He goes to library on even days?*

– *where does he go on even days?*

* نکته تکمیلی:

برخی افعال فقط با *Simple present* می‌آیند:

promise/apologise / advise / agree / refuse / suggest /

برای مثال:

I promise *I won't be late.*

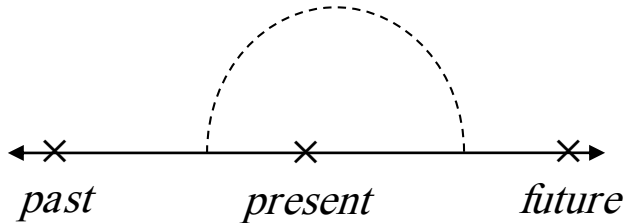
(~~*I am promising*~~)

I suggest *that you can go out with Ali.*



Present Continuous:

حال استمراری



چه زمانی از *present Continuous* استفاده می‌کنیم؟

هنگامی که در حال انجام کاری هستید که هنوز تمام نشده است از زمان حال استمراری استفاده خواهیم کرد.

فرمول *present Continuous*:

Subj + to be verb + verb + ing + ...
↙
(am / is / are)

مثال‌ها:

- He is living in Shiraz.
- I am waiting for you.
- You are speaking in now



Negative form:

حالت منفی:

to be verb

(am/is/are) + not + verb + ing

با آوردن *not* قبل از فعل اصلی و بعد از *to be verb* جمله منفی خواهد شد.

– *He is not living in Shiraz*

مثال:

– *I am not waiting for you*

– *You are not speaking now.*

فرم سؤالی:

to be verb

(am/is/are) + subject + verb + ing + ... ?

– *Is he living in Shiraz?*

مثال:

– *Are you waiting for me?*

– *Are you speaking now?*

* نکته:

هنگامی که در روزهای اخیر در حال انجام عملی هستیم که هنوز تمام نشده و

درگیر آن هستیم از زمان حال استمراری استفاده خواهیم کرد. لزوماً در لحظه‌ی

صحبت در حال انجام آن کار نیستیم.

– *I'm reading a book at the moment.*

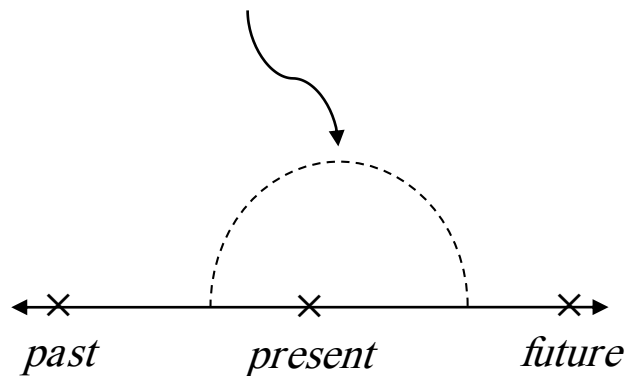
مثال:



- قیدهایی که معمولاً در این زمان استفاده می‌شوند:

*Today/This year/This week/at the moment
now/currently*

منظور بازه‌های زمانی است که اطراف زمان حال (*present*) هستند.



- *I'm working hard today*

مثال:

* نکته:

ما معمولاً هنگامی که در مورد تغییراتی و تحولاتی که در زمان حال رخ داده

سخن می‌گوییم با استفاده از افعالی که در زیر آمده و زمان حال استمراری

جمله‌سازی می‌کنیم:

*get/change/become/increase/
rise/fall/grow/improve/ begin/start*



* نکته:

اشکال کوتاه شده افعال در این زمان:

I am → *I'm*
He is → *He's*
You are → *You're*

I am not → *I'm not*
He is not → *He isn't*
You are not → *You aren't*

✓ نکاتی در مورد قواعد، *verb + ing*

- افعالی که به *e* ختم می‌شوند در هنگام اضافه شدن *ing* با حذف *e* همراه

هستند:

make + ing → *making*

* استثنا: *b + ing* → *being*

- افعالی که به *ie* ختم می‌شوند وقتی با *ing* می‌آیند *ie* تبدیل به *y* می‌شود:

lie → *lying*

با تمرین و بررسی مثال‌ها و نمونه سؤالات بیشتر تر رفته‌رفته در مورد شکل

نوشتاری افعال مختلف در هنگام استمراری شدن اطلاعات بیشتری را کسب

خواهید کرد. (مراجعه شود به لیست افعال پایانی)



* نکته‌ی طلایی:

تفاوت استفاده از *always* در زمان حال ساده و حال استمراری:

I always do / I'm always doing

I always do something برای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عمل

مورد نظر را همیشه انجام می‌دهیم.

(*I always go to school by taxi.*)

I'm always doing (sth) زمانی استفاده می‌شود که ما کاری را بیش از حد

انجام دادیم. این جمله بار منفی و حالت شکایتی دارد.

– *Ali is never Satisfied. He is always Complaining.*

– *I've lost my phone again. I'm always losing things.*

– افعالی حالتی و کُنشی

Stative and dynamic verbs:*

در زبان انگلیسی افعال به 2 دسته تقسیم می‌شوند:

افعال حالتی

1. *stative verbs*

افعالی هستند که حالت را بیان می‌کنند و نشان دهنده یک عمل نیستند.

(action) *



افعال حالتی

2. dynamic / Action verbs

افعالی هستند که نشان‌دهنده‌ی عمل هستند.

افعالی کنشی را می‌توان با زمان استمراری استفاده نمود اما افعال حالتی با زمان استمراری استفاده نمی‌شوند.

البته موارد استثنایی در رابطه با برخی افعال وجود دارد که در ادامه با جزئیات به بیان تمامی آن‌ها خواهیم پرداخت.

افعال حالت:

State verbs:

این دسته از افعال در مورد افکار، احساسات، حواس، مالکیت و توصیف صحبت می‌کنند.

– افکار (*thoughts*): *agree, assume – believe – disagree*
hope – forget – know – regret – remember – think
suppose – understand

مثال: *I assume you are too busy to play Computer games.*

– احساس (*feeling*): *adore, despise, dislike, enjoy, Feel, hate, like,*
love, mind, prefer, want

مثال: *I love music.*



– حواس (sences): *feel- hear-see-smell-taste*

مثال : *This pizza smells delicious.*

– مالکیت (possession): *have, own , belong*

مثال : *My uncle Owns a resturant.*

– توصیف (description): *apear, contain, look, look like , mean, resemble, seem, smell, sound, taste, weigh*

مثال : *You look like your dad.*

در این مثال ما در مورد یک موقعیت دائمی (شبیه بودن به فردی) صحبت می‌کنیم

پس \Leftarrow (Simple present) زمان مورد استفاده ما خواهد بود.

و اما موارد استثنایی:

1. فعل (*think*):

هنگامی که از فعل *think* برای بیان یک باور و عقیده و یا یک نظر استفاده می‌شود

هیچ‌گاه *ing* نمی‌گیرد:

– *I think mary is Canadichn, but I'm not sure.*

اما هنگامی که فعل *think* برای بیان برای امری در ذهن بیان می‌شود می‌تواند

با *ing* بیاید:

– *Ali is thinking of giving up her job.*



- *I'm thinking about what happened. I often think about it.*

2. (see- hear- smell- taste)

این دسته افعال همیشه با *Simple present* می آیند و هیچ گاه با *ing* نمی آیند.

3. (feel / look).

هم با *Simple present* می آیند و هم با *Present Continuous*.

مثال : *You look well today or You are looking well today.*

یک استثنا

- *I usually feel tired in the morning.*

به دلیل استفاده از قید *usually* نمی توان *feeling* استفاده کرد.

4- هنگام صحبت در مورد ویژگی های اخلاقی

- *I can't understand why he is being so selfish. He isn't usually like that.*

فرد مورد نظر همیشه این اخلاق را ندارد و فقط در یک زمان خاص

پس *present continuous* ←

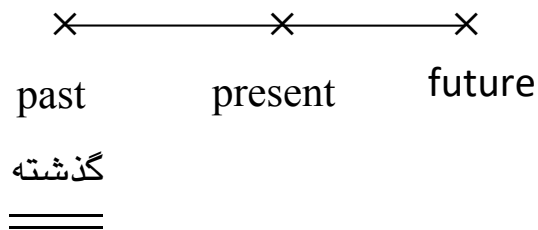
- *He never thinks about other people. He is very selfish.*

پس *Simple present*. ← این ویژگی واقعی فرد است.



Simple past:

گذشته‌ی ساده:



چه زمان از *Simple past* استفاده می‌کنیم؟

هنگامی که می‌خواهیم در مورد یک اتفاق یا عادت که در گذشته انجام شده و تمام

شده سخن بگوییم از این زمان بهره می‌بریم.

هم‌چنین هنگام بیان اتفاقاتی که در گذشته تکرار شدند هم از همین زمان بهره

خواهیم گرفت.

فرمول *Simple past*:

Subject + verb + (ed – or – d) + (T.A)

قید زمان

- He played soccer.



Negative form:

حالت منفی:

- He didn't play soccer

- Did he play soccer?

حالت سؤالی:

همان طوری که در بالا دیدید فعل کمکی این زمان کلمه Did است.

برای تبدیل فعل به گذشته به دو صورت عمل خواهیم کرد:

Regular verbs:

1- افعال قاعده‌مند

افعالی که با اضافه کردن *ed* به آخرشان به شکل گذشته درمی‌آیند.

* توجه * لیست کامل افعال در ضمیمه آورده شده است. *

(مثال) play → played
work → worked
call → called
pick up → picked up

* چون فعل *live* به *e* ختم می‌شود فقط d می‌گیرد live → lived *

irregular verbs:

2- افعال بدون قاعده

این دسته از فعل‌ها برای گذشته شدن تغییر شکل می‌دهند و باید با مرور زمان و

تمرین بیشتر به اشکال مختلف آن‌ها مسلط شد.

* توجه * (لیست کامل این نوع افعال ضمیمه شده‌اند)



مثال) *write* → *wrote*
go → *went*
take → *took*
see → *saw*
come → *came*

* نکته:

برخی افعال حالت گذشته نیز به همان شکل اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مثال) <i>let</i> → <i>let</i>	<i>cost</i> → <i>cost</i>
<i>shut</i> → <i>shut</i>	<i>bet</i> → <i>bet</i>
<i>cut</i> → <i>cut</i>	<i>put</i> → <i>put</i>
<i>hit</i> → <i>hit</i>	<i>set</i> → <i>set</i>

قیده‌های مورد استفاده در زمان Simple past :

yesterday, ago, last year (day, month)

مثال‌های بیشتر:

- She finished her university at the age of 22.

⊖ - She didn't (did not) finished her university at the age of 22.

? - Did she finish her university at the age of 22?

? - When did she finish her university?

همان‌طوری که در بالا مشاهده می‌کنیم آخرین مورد (wh Q) می‌باشد. همان‌طور

که زمان Simple present بیان شد، طبق فرمول ساخته شده است :

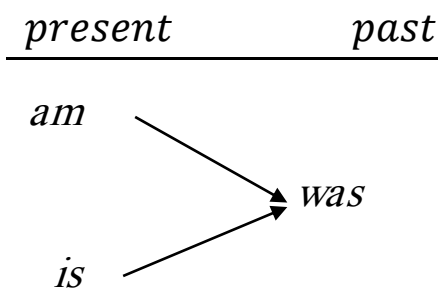
× یادآوری ? فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + wh Q

* نکته: Did not → didn't : فرم اختصاری

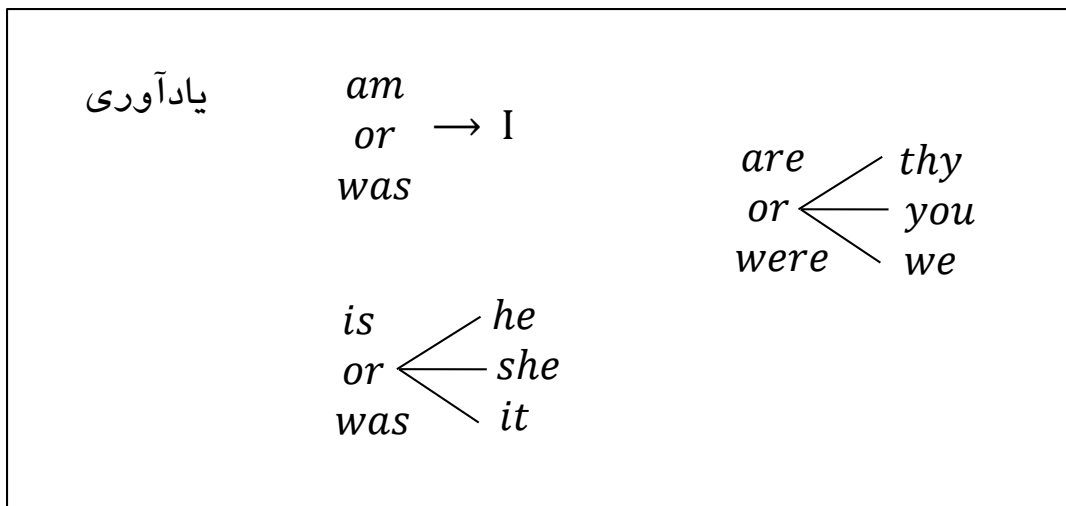


-Past tense of be :

-گذشته be :



are → *were*



مثال:



$\left\{ \begin{array}{l} I \text{ was busy.} \\ I \text{ was not (wasn't) busy.} \\ \text{were you busy?} \end{array} \right.$

فرم منفی :

فرم سؤالی :

$\left\{ \begin{array}{l} She \text{ was present.} \\ She \text{ was not present.} \\ \text{Was she present?} \end{array} \right.$

فرم منفی :

فرم سؤالی :

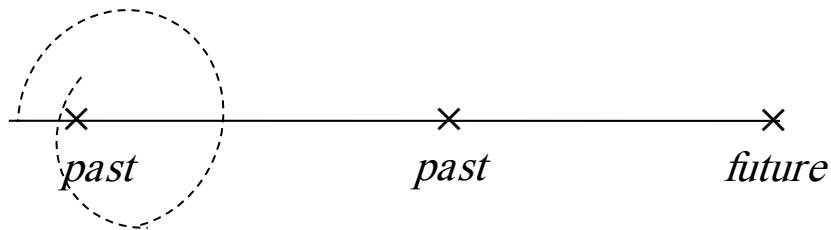
* نکته:

برای افعال to be در شکل گذشته از فعل کمکی Did استفاده نمی شود.



Past Continuous

گذشته‌ی استمراری:



چه زمانی از past Continuous استفاده می‌شود؟

زمانی که عملی در بازدهی زمانی خاصی در گذشته استمرار داشته است اما در

مقایسه با زمان حال پایان یافته است.

(اکنون)

در واقع با استفاده از این زمان نشان می‌دهیم در گذشته در میانه انجام کار و

در بین

فعالیتی بودیم.

فرمول past Continuous:

فاعل +
 $\frac{was}{were}$ + verb + ing
 + ...
 Subject



- He was doing his homework.
- I was walking to school.
- They were watching TV when we arrived.

Negative form:

حالت منفی :

were/was + not + verb + ing

- He was not doing his homework.
- I wasn't walking to school.
- They were not watching TV when we arrived.

* همانطور که مشاهده کردید برای منفی کردن این زمان از was not/were not

استفاده می کنیم.

حالت اختصاری

was not → wasn't
were not → weren't

* نکته:

was/were + subject + verb + ing + ...?

حالت سوالی:

Was he doing his homework?

- Were you walking to school?
- Were they watching TV when we arrived?



* نکته‌ی مهم:

همان‌طور که در برخی ساختارها مشاهده می‌کنید از کاربردهای دیگر زمان *past continuous* استفاده به هنگامی است که عملی که در گذشته در حال انجام بوده، توسط عمل دیگری قطع شود. معمولاً عمل کوتاه‌تر را با *Simple past* می‌آورند.

– when my friend called, I was reading a book.

– while we were playing soccer, it started to rain.

– I was walking home when I met Ali.

با دقت در مثال‌های بالا متوجه این نکته خواهید شد که ما از *when* و *while* به چه صورت در زمان گذشته استفاده می‌کنیم.

* نکته:

فعل مورد استفاده با when معمولاً گذشته‌ی ساده اما فعل مورد استفاده با while گذشته‌ی استمراری است.

قیود مورد استفاده در زمان *past continuous*:

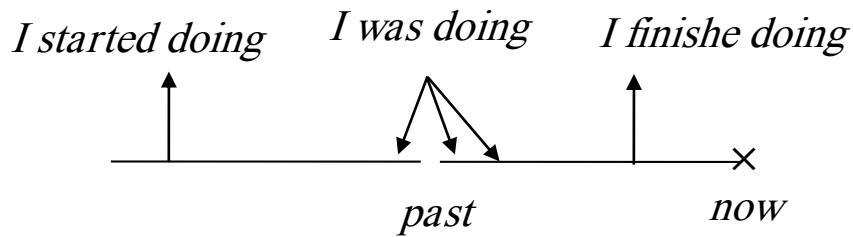
While , when , yesterday (afternoon, evening, ...)

yesterday (at this time , at 7 ...)



Past Continuous time line:

* نکته:



* نکته

مقایسه زمان گذشته‌ی ساده (Simple past) و

گذشته‌ی استمراری (past continuous):

هنگامی که از گذشته‌ی ساده سخن می‌گوییم همان‌طوری که قبلاً بیان شد عمل مورد نظر ما در گذشته کاملاً تمام شده است اما در مورد گذشته‌ی استمراری می‌توان گفت ما در بینابین انجام عملی در زمان گذشته‌ایم.

(Simple past) ←

- I walked home after the party last night.
- I was walking home when I met Ali.

(past continous) ←



* نکته‌ی تکمیلی: مقایسه:

1- when Ali arrived, we were having lunch.

2- when Ali arrived, we had lunch.

در جمله شماره‌ی 1 منظور این است که ما قبل از آمدن علی شروع به خوردن

ناهار کرده بودیم و آمدن علی در هنگام خوردن ناهار رخ داد.

اما در مورد جمله‌ی شماره‌ی 2 می‌توان گفت بعد از آمدن علی ناهار را خوردیم.

* نکته: افعال حالتی معمولاً با *ing* نمی‌آیند. (مراجعه به درس stative verb)

مانند know , want و...

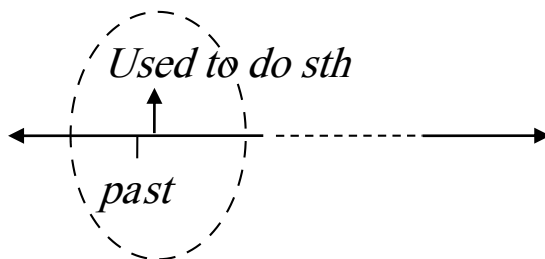


Used to

گرامر:

Subject

Used to + Simple form of the verb + فاعل



* نکته:

توجه داشته باشید که بعد از ساختار *Used to* به علت وجود *to* فرم ساده فعل استفاده می شود. (بدون *ed* یا *ing* یا *s* سوم شخص)

- مثال:
- *I used to travel a lot.*
 - *She used to spend a lot of money on clothes.*
 - *We used to play temis a lot.*



* توجه:

این ساختار برای تمامی فاعل‌ها $\begin{pmatrix} it, he, she \\ you, we, they \\ I \end{pmatrix}$ به‌طور یکسان به‌کار

می‌رود.

$\begin{matrix} she/he/it \\ I \\ you/we/you/they \end{matrix} \begin{matrix} + \\ \\ \end{matrix} \rightarrow Used\ to$

Did + subject + use to + ... ?

حالت سؤالی:

- *Did you use to travel a lot ?*
- *Did she use to spend a lot of money on clothes ?*
- *Did you use to play tennis ?*

didn't use to / used not to

فرم منفی:

- *I didn't use to travel a lot.*
- *She used not to spend a lot of money on clothes*
- *We used not to (didn't use to) play tennis*

چه زمانی از این ساختار استفاده می‌کنیم؟

همان‌طور که از ساختار *used to* مشخص است از این ساختار برای بیان عادات

و اعمالی که در گذشته صورت گرفتند استفاده می‌کنیم. اما باید به این نکته توجه



داشت که اعمالی که با *used to* بیان می‌شوند در زمان کنونی (حال) دیگر رخ نمی‌دهد.

Used to → بیان عادت در گذشته
past

کاربرد *used to* برای موارد و حقایقی است که در گذشته صحیح بودند اما امروز نقض شده‌اند:

مثال: – Sara used to have very long hair when she was a child.
 – This building is now a shop. It used to be a coffee shop.

* نکته:

همان‌طور که در مثال (2) بالا مشاهده می‌نمایید حالت ساده فعل بودن به صورت

be می‌آید.

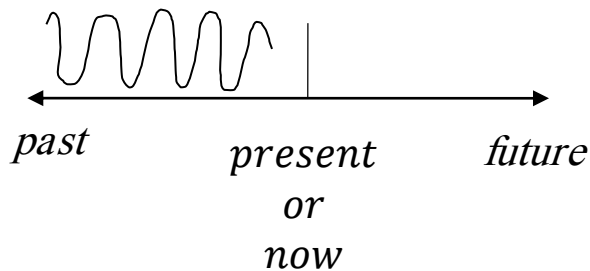
* نکته‌ی طلایی:

هیچ‌گاه نمی‌توان از فرم "*use to do sth*" به صورت *present* استفاده نمود
 برای بیان *present* از قواعدی که قبلاً بیان شد استفاده می‌کنیم.



Present perfect

حال کامل:

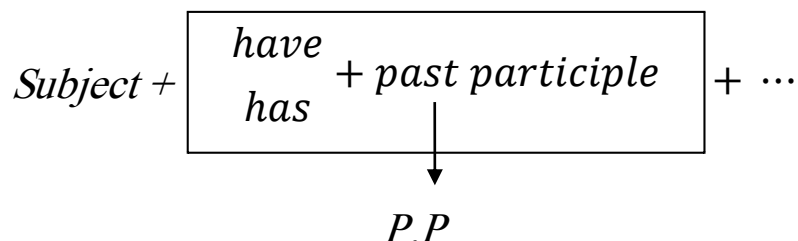


چه زمانی از present perfect استفاده می‌کنیم؟

هنگامی که در مورد اتفاق یا عملی که اخیراً رخ داده و هنوز تمام نشده صحبت می‌کنیم.

زمانی که در مورد اتفاقی یا عملی که در گذشته رخ داده ولی اثرات و نتایج آن را در زمان حال (اکنون) قابل مشاهده است صحبت می‌کنیم.

فرمول present perfect:





* نکته:

she
he
it

+

has + P.P

they
you
we
I

+

have + P.P

* past participle چیست؟

اسم مفعول را در زبان انگلیسی past participle گویند.

در مورد افعال قاعده‌مند اسم مفعول با اضافه کردن -ed و -d به آخر فعل درست می‌شود.

مانند: Started- lived و ...

اما در مورد دسته‌ی بی‌قاعده افعال، اسم مفعول یا شکل سوم فعل باید با تکرار و

مرور بیش‌تر ملکه‌ی ذهن شود. مانند: Spoken – written و ...



مثال جملات present perfect:

- we have finished our home work.
- she has gone out.

فرم منفی present perfect:

Subj + $\begin{array}{c} \text{have} \\ \hline \text{has} \end{array} + \underline{\underline{\text{not}}} + P.P$

- we have not finished our homework.
- she was not gone out.

* نکته: حالت اختصاری

have not → haven't

has not → hasn't

حالت سؤالی

$\begin{array}{c} \text{have} \\ \hline \text{has} \end{array} + \text{فاعل} + \text{subject} + P.P + \dots ?$

- Have you finished your homework?
- Has she gone out?



* نکته: از زمان present perfect برای دادن اطلاعات جدید نیز استفاده می‌شود:

مثلاً

– *The road is closed. There has been an accident.*

* نکته: معمولاً در زمان بیان اخبار، این زمان کاربرد زیادی خواهد داشت:

(*from the news*)

– *Police have arrested two man in connection with the robbery.*

همان‌طور که گفته شد این زمان برای بیان اعمالی که در گذشته رخ داده و اثرات و نتایج آن هنوز وجود دارد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

– "Is sara here?" "No, she has gone out

یعنی سارا هم اکنون هم بیرون است.

از زمان present perfect برای بیان بازه‌های زمانی که از گذشته تاکنون ادامه دارد استفاده می‌شود.

(برای بیان مواردی که در یک زمان نامعین اتفاق افتاده‌اند و شروع شدند)

– *Ali really loves this Music . He has (he's) seen it four times!*

- Have you ever eaten Caviar?

– قیدهای زمان رایج در زمان present perfect:

Just, already, yet , etc.

– *Just :*

اخيراً اتفاق افتاده (تازه است)



به نحوی به کار بردن Just در جملات زیر دقت کنید:

- I have just finished my essay.
- "Are you hungry?" "No, I've just had dinner'.

مورد و اتفاقی قبل از تصور ما رخ داده است: -already:

- I've already written the note.
- "what time is Ali leaving?" 'He's already left'.

تاکنون، هنوز yet:

یعنی گوینده هنوز انتظار دارد اتفاقی بیافتند.

* نکته‌ی طلایی: از yet فقط در جملات سؤالی و منفی استفاده می‌شود.

- Has he stopped crying yet?
- I've written the note, but I haven't sent it yet.

مقایسه‌ی زمان simple past (گذشته‌ی ساده) و present perfect

(حال کامل):

– زمان حال کامل در واقع متمرکز به حال است. این بدان معناست که در جملات حال کامل می‌توانیم متوجه ارتباط جمله با زمان حال بشویم اما زمان گذشته ساده فقط در مورد گذشته صحبت می‌کند.



– زمان حال کامل در مورد یک بازه زمانی مشخص در گذشته صحبت نمی‌کند
=====

اما در زمان گذشته‌ی ساده عکس این موضوع صادق است.

مثال: - 'Is Ali here'?

– 'No, he went out' (Simple past)

– "No, he's gone out" → هنوز هم علی بیرون است.

↙ (present perfect)

* توجه:

قبلاً بیان شد که از زمان حال کامل برای بیان یک بازه‌ی زمانی که تاکنون (now)

ادامه داشته صحبت می‌کنیم.

باتوجه به مثال‌های زیر قیده‌ای *recently, so far* و... نیز در این‌جا مورد

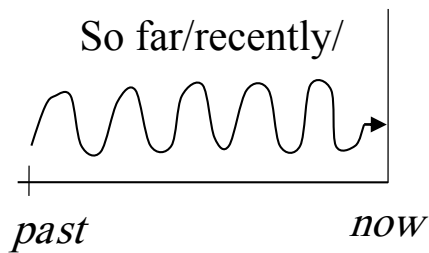
استفاده‌اند.

– *Everything is going well. We haven't had any problems so far.*

– *I'm hangry. I haven't eaten anything Since breakfast.*



Since breakfast ,...



* نکته: از کلمات for و Since نیز در زمان حال کامل استفاده خواهد شد.

– *we have been friends Since 1999.*

از زمان خاصی دوست بودند.

– *He has worked in Tehran for five years.*

برای 5 سال در تهران کار می کرده.

* نکته ی تکمیلی: برای بیان (ordinal time) یعنی زمان های ترتیبی نیز از زمان

حال کامل استفاده می شود.

– *ordinal time:*

[*first time*

[*second time , ...*

– *Sara has lost her keys again. This is the*



second time this has happened.

حال کامل

present perfect

– *It's the first time I have forgotten my book.*

– تفاوت بین present perfect و past:

present perfect:

× یادآوری: $Subject + have/has + P.P$

زمان حال کامل معمولاً اطلاعات را تا اکنون (زمان حال) به ما می‌دهد.

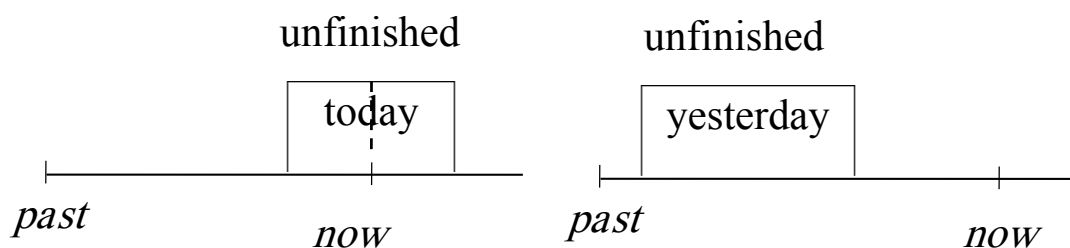
اما زمان گذشته فقط در مورد گذشته است و اطلاعاتی در مورد زمان حال در

اختیار ما نمی‌گذارد.

در واقع زمان حال کامل برای یک بازه‌ی زمانی است که تاکنون ادامه دارد.

Present Perfect :

past:



باتوجه به خطوط زمانی بالا زمان past کاملاً در گذشته صورت گرفته است و

در گذشته ناتمام است اما زمان present perfect نسبت به زمان حال عمل مورد



نظر ناتمام است. این بدان معناست که عمل مورد نظر تاکنون (زمان حال) ادامه دارد.

[*It hasn't trained this week.*

[*It didn't train last week.*

[*I have never played golf. (in my life)*

[*I didn't play golf last summer*

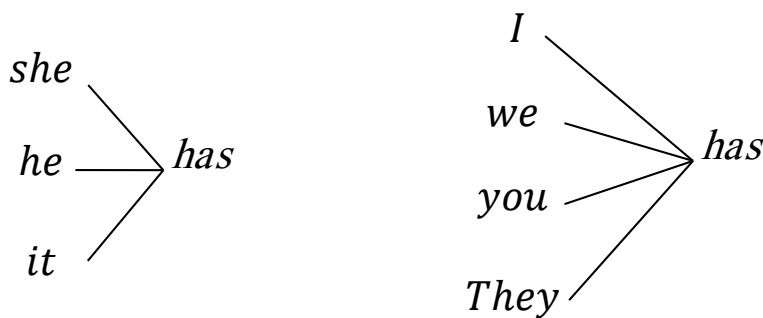


Present perfect Continuous:

حال کامل استمراری:

فرمول Present perfect Continuous

Subj + *have/has been + verb + ing* + ...



- *It has been raining.*
- she has been talking on the phone for the last 40 minutes.
- They have been working at the company for 20 years.

حالتی منفی:

have/has + not + been + V + ing

- It has not been raining
- she has not been talking on the phone.
- They have not been working at the company.



* نکته: فرم اختصاری:

has not → hasn't
have not → haven't

حالت سؤالی:

Have/Has + subject + been + V + ing ... ?

- *Has it been raining?*
- *Has she been talking on the phone?*
- *Have they been working at the company?*

چه زمانی از present perfect continuous استفاده می‌کنیم؟

برای بیان عمل و یا اتفاقی که اخیراً یا لحظاتی پیش به پایان رسیده است. در واقع

نشان‌دهنده‌ی عمل یا حالتی است که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه

داشته (استمراری) و همین چند لحظه‌ی اخیر تمام شده است.

در کاربرد این زمان تأکید بر انجام کار است نه نتیجه‌ی آن.

نکته: مورد توجه در مورد این زمان ارتباط آن با زمان حال است.

- *I have been talking to Sara about the problem and she agrees with me.*
- *He has been looking for a job Since May.*
- *She has been teaching math for ten years*
- *Ali has been writing a book Since October.*



* نکته:

زمانی که بیان می‌کنیم باران از 2 ساعت پیش شروع به باریدن کرده است و هنوز هم باران می‌بارد (ادامه دارد).

– How long has it been raining?

– It has been raining for two hours.

⇐ پس ما کلمات How long , for و Since را با این زمان به کار می‌بریم.

این بدان معناست که عمل هنوز ادامه دارد یا به تازگی به پایان رسیده است.

مثال:

– Ali is still watching TV. He's been watching TV all day.

– Sara hasn't been feeling well recently.

* نکته‌ی تکمیلی:

ما زمان حال کامل استمراری را برای اعمالی که در یک بازه‌ی مشخص تکرار

شده‌اند نیز به کار می‌بریم:

Marry is a very good tennis player. She's been playing Since she was nine.



* توجه * * توجه *

در موقعیت‌های خاص می‌توان از هر دو شکل present یا present perfect continuous استفاده نمود. (زمانی که می‌خواهیم بگوییم یک

موقعیت یا فعالیت تا زمان خاصی ادامه داشته)
 لہ این مورد معمولاً با *for* و *Since* همراه است.

مثال:

She's felt tired for weeks
She's been feeling tired Since she started
This course
They have exercised/have been exercising for two weeks.

* نکته: تفاوت (حال استمراری) و (حال کامل استمراری)

present perfect continuous/present continuous

am

Subject + is + V + ing حال استمراری

are

زمانی که حال استمراری استفاده می‌شود نشان‌دهنده‌ی رخ دادن عمل مورد نظر

همین اکنون است.

we need an umbrella. It's raining.

Subject + ^{have}/_{has} + been + V + ing حال کامل استمراری



این زمان وقتی استفاده می‌شود که عمل مورد نظر اکنون پایان یافته است.

– *The ground is wet. It's been raining.*

نکته: تفاوت حال کامل و حال کامل استمراری

Present perfect:

× یادآوری:

$\left[\text{Subject} + \text{have/has} + \text{P.P} \right]$

present perfect continuous:

$\left[\text{Subject} + \text{have/has} + \text{been} + \text{V} + \text{ing} \right]$

هنگامی که از زمان حال کامل استمراری استفاده می‌کنیم در میانه ی انجام کار و

فعالیت مورد نظر هستیم در واقع فعالیت برایمان اهمیت دارد و نه زمان اتمام یا

نتیجه ی نهایی آن اما هنگام استفاده از حال کامل نتیجه برای ما اهمیت دارد.

1. *I've been painting my room.*

2. *I've painted my room.*

در جمله ی 2 اکنون اتاق کاملاً رنگ شده است و نتیجه قابل مشاهده است اما در

جمله ی 1 اکنون در حال رنگ کردن هستیم و کار تمام نشده است و نتیجه کامل

قابل مشاهده نیست.

مثال: - My hands are very dirty. I've been repairing my car.

– *My car is ok again now. I've repaired it.*



* نکته‌ی مهم:

همان‌طور که در بحث State verb بیان شد برخی افعال ing نمی‌گیرند پس در مورد زمان حال کامل استمراری نیز نمی‌توان به این شکل از این افعال خاص استفاده نمود. (مراجعه به بحث State verb)

* یک استثنا:

فعل want و mean می‌توانند در زمان حال کامل استمراری ing بگیرند.
-I've been meaning to phone Jane, but I keep forgetting.



Past perfect

گذشته‌ی کامل (ماضی بعید)

فرمول Past perfect:

Subject + $\boxed{\text{had} + \frac{\text{past participle}}{P.P}}$

مثال: – I had listened to Music
P.P

– She had gone home.

حالت منفی:

Subject + $\boxed{\text{had} + \underline{\underline{\text{not}}} + P.P}$

حالت سؤالی:

$\boxed{\text{Had} + \text{subject} + P.P + \dots ?}$

– Had you listened to music ?

– Had she gone home ?

* نکته فرم اختصاری:

$I \text{ had} \rightarrow I'd$

$She \text{ had} \rightarrow She'd$



had not → *hadn't*

له فرم اختصاری حالت منفی

× یادآوری:

past participle چیست؟

(P.P)

Past participle را اسم مفعول گویند. در زبان انگلیسی اگر فعل جزء افعال باقاعده باشد با اضافه کردن *d* یا *ed* به آخر فعل تبدیل به اسم مفعول خواهد شد اما اگر فعل جزء افعال بی قاعده باشد برای تبدیل شدن به اسم مفعول قاعده‌ی خاصی ندارد و می‌توان با تمرین و تکرار بیشتر فرم سوم این چنین افعال را حفظ نمود.

(مثال)

live → *lived* (باقاعده)

lose → *lost* (بی قاعده)

چه زمانی از *past perfect* استفاده می‌کنیم؟

به زبان ساده می‌توان گفت *past perfect* زمانی به کار می‌رود که ما در مورد

عملی که در گذشته‌ی گذشته رخ داده است صحبت می‌کنیم. به عبارت دیگر

=====

هنگامی که عملی در گذشته قبل از عمل دیگر به پایان برسد از این زمان استفاده

می‌کنیم.



– when Ali ^{past} arrived at the party, Sara ^{past perfect} had already gone home.
P.P

– She hadn't learned persian before she came here.

-Her mather was a composer and her grandmother had also been a musician

* نکته:

هنگام استفاده از قیدهایی مانند just یا already و دقت کنید که این قیود را قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی استفاده نمایید.

مثال:

Ali had already gone
فعل کمکی فعل اصلی

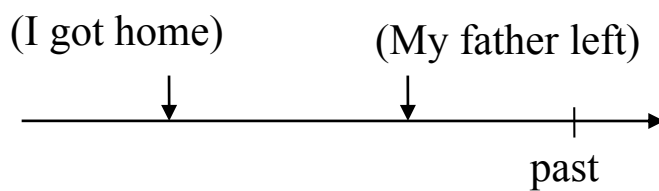


– مقایسه‌ی زمان *Simple past* و *past perfect* :

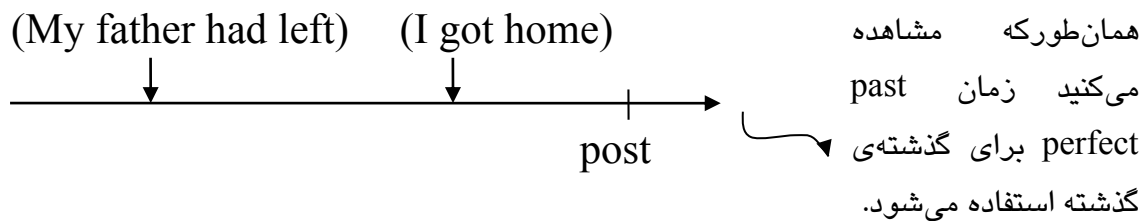
گذشته ساده گذشته کامل

به جملات زیر دقت کنید:

– *when I got home , My father left.*



– *when I got home , My father had left..*



* نکته:

کاربرد دیگر زمان *past perfect* هنگام گزارش کردن حوادثی که در گذشته رخ

داده است با استفاده از افعال مخصوص گزارش دادن می‌باشد.

(reporting verbs)

× در آینده بیش‌تر در مورد این افعال صحبت خواهیم کرد.



- مقایسه‌ی زمان *past perfect* با *present perfect*
(*have + P.P*) (*had + P.P*)

present (present perfect)
Your house is dirty. You haven't cleaned it

past past perfect
Your house was dirty. You hadn't cleaned it for weeks.

در مورد **past perfect** وجود ارتباط با گذشته مشهور است.



- past perfect continuous:

گذشته ی کامل استمراری:

فرمول past perfect continuous

Subject + *had + been + V + ing*

* نکته:

I , we , they
She , he , It \searrow *had*

نکته: فرم اختصاری:

I had → I 'd

he had → he 'd

مثال:
– *It had been raining.*
– *She'd been studying.*
– *I'd been waiting for 1 hour.*

– حالت منفی:

Subject + *had + not + been + V + ing*

– *It had not been raining.*
– *She had not been studying.*
– *I had not been waiting.*

* نکته: فرم اختصاری:



had not → *hadn't*

مثال: *It hadn't been raining.*

- فرم سؤالی:

- *Had + subject + been + V + ing (?)*

- *Had it been raining ?*

- *Had she been studying ?*

- *Had you been waiting ?*

- چه زمانی از *past perfect continuous* استفاده می‌کنیم؟

هنگامی که عمل و یا اتفاقی به صورت استمراری در گذشته‌ی گذشته رخ داده باشد

از این زمان استفاده می‌کنیم.

به بیان دیگر هنگامی که عملی در گذشته قبل عمل دیگری (آن هم در گذشته رخ

داده) به پایان رسیده باشد.

مثال:

- *Before I learned English, I had been teaching Spanish for 5 years.*

* نکته‌ی طلایی:

برخی افعال مانند (*..., know, like*) به صورت *ing* نمی‌آیند: همان‌طور که

می‌دانید این افعال در دسته‌ی *stative verbs* قرار دارند که در درس

(*Stative and dynamic verbs*) به‌طور مفصل در مورد آن‌ها توضیح

داده‌ایم.



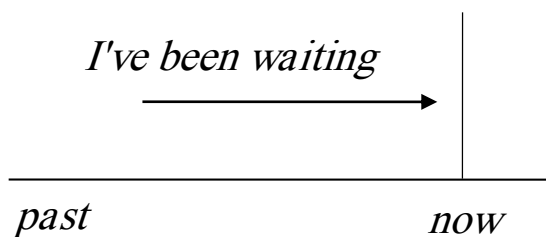
مثال: *we were good friends, we had known each other for years.*

مقایسه‌ی زمان *past perfect continuous* با *present perfect continuous*
گذشته‌ی کامل استمراری حال کامل استمراری

همان‌طور که در مثال زیر می‌بینید:

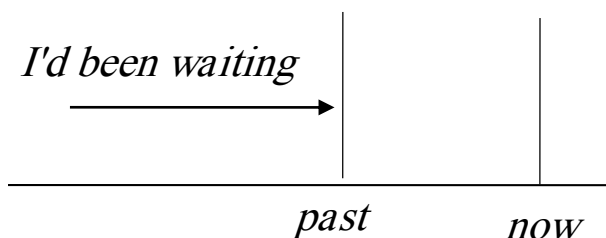
زمان *present perfect continuous* با زمان حال ارتباط دارد.
=====

present
I hope the bus comes Soon. I've been waiting for 30 minutes.



اما *perfect continuous* با گذشته ارتباط دارد.
=====

past
At last the bus came. I'd been waiting for 30 minutes.





مقایسه‌ی زمان *past continuous* با *past perfect continuous* :

گذشته‌ی استمراری گذشته‌ی کامل استمراری

زمان *past perfect continuous* مربوط به اعمالی هست که در گذشته‌ی گذشته

به صورت استمراری رخ داده‌اند.

به مثال زیر توجه نمایید:

It wasn't training when we go out.

The sun was shining. But it had been raining, So The ground was wet.

* نکته:

ما نمی‌توانیم برای بیان این‌که عملی چندین بار در گذشته رخ داده است زمان *past perfect continuous* را استفاده نماییم.

مثال: *I knew the way as I had visited her*

Several times before.

not ~~*I had been visiting her several times ...*~~



یادآوری:

Simple Present
 1. Subj + main verb + ...
 2. Subj + to be verb + ...

[past : she used to play tennis.

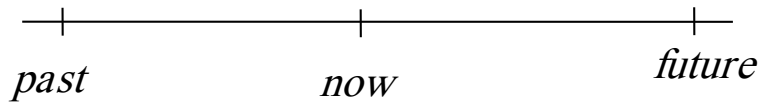
[present : she plays tennis.

مثال:

past
 ↑
 We used to live in a small village, but
 now we live in Shiraz.
 ↓
 present



Future: **- ساختارهایی برای بیان زمان آینده:**



(1) به کار بردن زمان‌های حال (present tense) برای آینده:

- اگر از قبل برای انجام کاری تصمیم گرفتیم و برنامه‌ریزی کرده‌ایم باید از زمان *present continuous* استفاده نماییم. در این حالت زمان حال استمراری معنای آینده می‌دهد.

مثال - *What are you doing on Monday morning ?*

I'm going to the park.

- *Ali isn't playing tennis tomorrow , He is hurt his hand.*



future نشانه

* نکته:

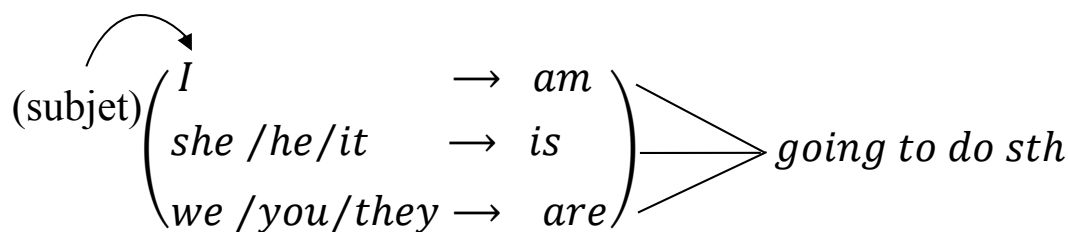
در به کارگیری زمان حال استمراری به جای آینده، محتوا و مضمون جملات نشان‌دهنده‌ی زمان آینده هستند به عبارت دیگر با قیود یا علائم خاص تفاوت بین حال استمراری و آینده مشخص می‌شود و برای خواننده یا شنونده قابل تشخیص خواهد بود.

-The manager is having a party just after we get back.



* نکته:

برای تمام موقعیت‌ها و زمان‌هایی که برای انجام کاری در آینده برنامه‌ریزی کرده‌ایم می‌توان به جای *present continous* از ساختار زیر استفاده نمود.



اما باید توجه داشت که ساختار *present continous* بهتر و طبیعی‌تر است.

* نکته:

از *present continous* برای بیان انجام کاری قبل از شروع آن استفاده می‌کنیم. که در این حالت بیش‌تر افعال حرکتی استفاده می‌شود.
به مثال‌های زیر توجه نمایید:

– *I'm tired. I'm going to bed now. Good night.*

– *"Ali, are you ready yet ? "Yes, I'm coming".*

(2) به‌کارگیری حال ساده (*present Simple*) با معنای آینده:

× یادآوری: (*Simple present*)

Subject + main verb + ...



* نکته:

$V + S(es) \leftarrow He/she/it$

هنگامی که در باره مواردی صحبت می‌کنیم که دارای برنامه‌ی زمانی ثابت و از قبل برنامه‌ریزی شده‌ای هستند (مانند حرکت هواپیما، قطار و سینما و...) می‌توان

از زمان حال ساده برای بیان برنامه‌ی آینده استفاده نمود.

– *The bus leave at 10, So I need to be at the bus station by 9:30.*

– *What time does the film start this morning?*

* نکته‌ی طلایی:

مقایسه به کار رفتن زمان به حال ساده و حال استمراری در شکل آینده

✓ *present continuous*

– *I'm going to cinema this evening.*

✓ *present Simple*

– *The film starts at 9. (this evening)*

(3) ساختار *be about to* برای آینده:

فرمول:

$subject + am/is/are + about to + verb$

– *I'm about to go to Tehran.*



فرم منفی:

$subject + am/is/are + not about to + verb$

– I'm not about to go to Tehran.

فرم سؤالی:

$am/is/are + subject + about to + verb ?$

– Are you about to go to Tehran?

چه زمانی از be about to استفاده کنیم ؟

برای بیان رخداد موضوعی به صورت فوری در زمانی در آینده استفاده می شود.

I'm about to go Tehran for a conference.

یعنی خیلی زود باید محل را برای رفتن به تهران ترک کند.

(4) ساختار will برای آینده (Future): (will)

حالت کلی:

– $subject + will + verb + \dots$

* نکته: فرم اختصاری

مثال – You will enjoy it.

$I will \rightarrow I'll$

$we will \rightarrow we'll$



حالت منفی:

— subj + will + not + V + ...
(won't)

— You will not (won't) enjoy it.

* نکته‌ی طلایی:

در نوشتن به صورت رسمی از (will not) استفاده می‌کنیم نه won't.

حالت سؤالی:

— will + subject + verb ?

— will you enjoy it ?

— چه زمانی برای بیان زمان future از (will) استفاده می‌کنیم؟

— یکی از موارد استفاده از will تصمیمات لحظه‌ای می‌باشد. یعنی درست در

زمانی که تصمیم به شروع کاری می‌کنیم آن را با ساختار will به اطلاع دیگران

می‌رسانیم.

" Did you phone Sara ?" "Oh, no, I forgot. I'll phone her now."

* توجه:

در این ساختار نمی‌توان به جای will از Simple present استفاده کرد.

— کاربرد دیگر will به صورت زیر است: (I don't think I'll or I think I'll)

— I think I'll go out tonight.

— I think it'll be extremely hot there.



- کاربرد دیگر *will* برای بیان پیشنهادهات یا وعده و قول می‌باشد.

(offer – promise)

مثال 1 – *Don't worry, I'll let everyone know.* (قول)

2 – *That bag looks heavy. I'll help you with it* (پیشنهادهات)

3 – *I won't tell anyone what happend. I promise.* (قول ، وعده)

همچنین برای پرسش از فردی برای انجام کاری (در همان لحظه) می‌توان از *will* استفاده کرد.

– *will you please turn the lamp on? It's really dark here.*

* توجه توجه

هرگز *will* را برای بیان عملی که برای آن برنامه‌ریزی داریم (در آینده) نمی‌توان استفاده کرد. *will* برای بیان مواردی که بدون برنامه و ناگهانی است کاربرد دارد. (اطمینان نداریم و احتمال می‌دهیم).

مثال: *I'm going to holiday next week.*

– *Sara won't pass the exam. she hasn't studied hard enough.*

* نکته‌ی جانبی:

[<i>shall we ...?</i>	کاربرد
[<i>shall I?</i>	



این ساختار معمولاً به صورت سؤالی مورد استفاده قرار می‌گیرد و فقط با فاعل *we* و *I* می‌آید.

(offer or suggestions)

suggetions

این ساختار مانند یکی از کاربردهای *will* برای بیان وعده و پیشنهادات و قول‌ها

می‌آید. در واقع هنگامی که می‌خواهیم در مورد عقیده‌ی یک نفر سؤال کنیم از این ساختار بهره می‌بریم.

– *Shall I open the window ?*

– "*Shall we go? "* "*just a minute. I'm not ready yet.*"

می‌توان به جای *shall* از *will* استفاده نمود. توجه کنید که مکالمات موازنه بیشتر از *will* استفاده می‌شود.

مثال: (*I shall* be late this evening = *I will* be late this evening.)

فرم منفی *shall* :

Shall not → *shan't*



مقایسه:

$\left\{ \begin{array}{l} \text{shall I?} \\ \text{will I ...?} \end{array} \right.$ و

به مثال‌های زیر دقت کنید.

1 – *shall I shut the door ?*2 – *will you shut the door ?*

در ساختار 1 منظور این است که (می‌خواهی در را باز کنم؟) ولی در ساختار 2

(من از تو می‌خواهم که در را باز کنی)

* نکته:

will معمولاً با ساختارهای زیر استفاده می‌شود.

(sure/wonder, probably)

– *I'll probably be home late tonight.*– *Don't worry. I'm sure you'll pass.*– *I wonder what will happen.** نکته‌ی طلایی: کاربرد *will* برای زمان حال:(use will to talk about now)مثال: *Don't phone Ali now. He'll be busy.*(در مورد زمان حال صحبت شده و *will* به کار رفته است)



(5) ساختار ... going to

فرم کلی:

Subject + ^{am}/is/are + going to + verb

- we're going to hire a bus.
- I'm going to buy a new car.
- she is going to eat dinner.

فرم منفی:

Subject + ^{am}/is/are + not + going to + verb

- we are not going to hire a bus.
- I'm not going to buy a new car.
- she is not going to eat dinner.

فرم اختصاری (she isn't)

حالت سؤالی

Are/Am/Is + sub + going to + verb ?

- Are you going to hire a bus ?
- Are you going to buy a new car ?
- Is she going to eat dinner?

- چه زمانی از ساختار *be going to do* استفاده می‌کنیم؟



هنگامی که برای انجام کاری برنامه داریم یا بر انجام کاری تصمیم گرفتیم ولی هنوز اقدامی انجام ندادیم.

- *she is going to buy a new car.*
- *I'm just going to make a quick call. Can you wait for me ?*
- *I'm going to look for Somewhere else to stay.*

در مثال‌های بالا می‌بینیم که تا به حال اقدامی جهت انجام کار مورد نظر صورت نگرفته است. در حالی که هنگام استفاده از زمان حال استمراری در شکل آینده دیدیم که برنامه‌ریزی کاملاً صورت گرفته است.

- *I'm leaving tommorow. I've got my plane ticket.*

کاملاً برنامه‌ریزی صورت گرفته است. ←

* نکته‌ی تکمیلی:

ساختار گذشته (Subject + (were/was) going to ...)

زمانی به کار می‌رود که کسی تمایل به انجام کاری دارد (قصد انجام آن کار را

داشته) اما آن فعالیت را انجام نداده است.

- *we were going to travel by train, but then we decided to go*

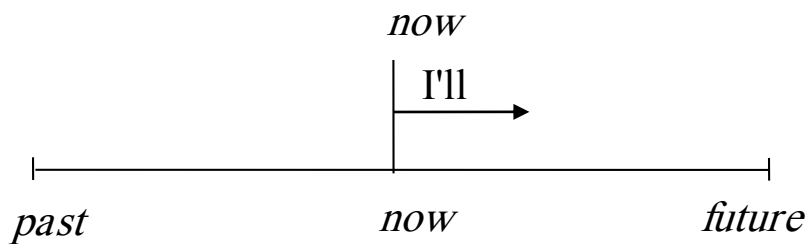


by car instead.

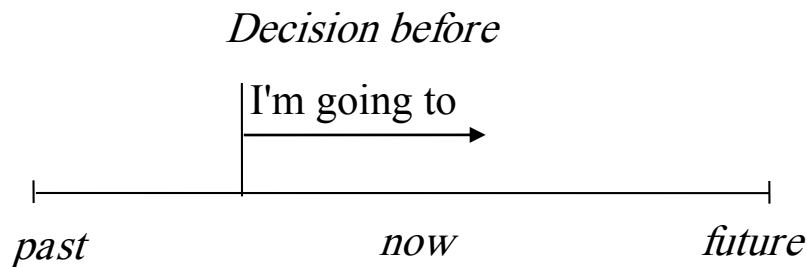
– I thought it was going to rain, but it didn't.

– تفاوت *will* و *be going to* :

will: *decision*



be going to :





همان طور که در بالا می بینید در بیان زمان آینده با *will* تصمیم گیری همان لحظه صورت گرفته است اما در مورد *be going to* از قبل تصمیم گیری صورت گرفت و برنامه ریزی انجام شده است. هم چنین در مورد *will* یک خبر جدید بیان شده و در واقع *New information* داریم:

مثال:

– 'Marry is in hospital' 'oh really? I didn't know.

I'll go and visit her



خبر جدید و تصمیم آنی

– 'Marry is in hospital' 'Yes, I know. I'm going to visit her this evening.

← خبر جدید نیست و قبلاً برنامه ریزی صورت گرفته شده.

– شباهت *will* و *be going to* :

می توانیم از هر دو برای پیش بینی در آینده استفاده کنیم و تفاوتی وجود ندارد.

– I think the weather will be nice later.

or =

– I think the weather is going to be nice later.



future continuous :

زمان آینده‌ی استمراری:

فرمول *future continuous* :

Subject + will + be + V + ing

– *I'll be Swimming in the sea.*

فرم منفی :

Subject + will not / won't be + verb + ing

I won't be swimming in the sea.

فرم سوالی :

will + sub + be + verb + ing ?

will you be swimming in the sea?

– چه زمانی از زمان آینده‌ی استمراری (*future continuous*) استفاده

می‌شود؟

به کار بردن این زمان یعنی در میانه‌ای انجام کاری هستیم.

– *This time next week I'll be on holiday. I'll be swimming in the sea.*



تصمیم مشخص ←

همچنین از *will be — ing* برای صحبت در مورد یک اتفاق کامل در آینده صحبت می‌کنیم.

– *The goverment will be making a statement about the crisis later today.*

دراین ساختار به کار بردن *will be — ing* با *(be)going to* یکسان است.

– *will you be going away this summer?* مثالی دیگر:

* نکته:

تفاوت *will (do)* و *will be (do)ing*:

– *Don't phone between 8 and 10. we'll be having dinner.*

– *Let's wait for liz to arrive and then we'll have dinner.*

– مقایسه‌ی زمان *will be (do)ing* و دیگر زمان‌های استمراری:

حال استمراری در مورد عملی که به‌صورت مداوم و استمراری در زمان حال

(*now*) صورت می‌گیرد است.



گذشته استمراری نیز در مورد استمرار عملی در گذشته می‌باشد.

(yesterday) اما زمان *will be (do)ing* در مورد عملی استمراری که در

آینده و مثلاً فردا صورت خواهد گرفت می‌باشد. (tomorrow)

– Yesterday, Sara was in the office. she was working (past).

– Today, Sara is in the office. She is working. (present)

– Tomorrow, Sara will be in her office. she will be working.



future perfect simple:

زمان آینده‌ی کامل ساده:

فرمول *future perfect* :

Subject + will have + P.P. + ...

–I'll have done it by then.

فرم منفی:

Subject + will not (won't) have + P.P

- we won't have done it by then.

فرم سوالی:

Will + subject + have + P.P ?

- will you have done it by now ?

چه زمانی از آینده کامل استفاده می‌شود؟

هنگامی که عملی قبل از عمل دیگر در آینده انجام شود از زمان

future perfect استفاده می‌کنیم.

*– We are late. the film will already have started
by the time we get to Cinema.*

– مقایسه‌ی زمان *will have + (P.P)* و زمان‌های کامل دیگر:



- Ali and Sara have been married for 24 years.
(present perfect)
- Next year they will have been married for 25 year.
(future perfect)
- When their son was born, they had been married for three years. (past perfect)

* نکته: این زمان معمولاً به همراه *before* و *by + fixed time* و

یا $in + \frac{\text{amount}}{\text{of time}}$ می آید.

– I'll have finished it by next monday



زمان آینده‌ی کامل استمراری: *future perfect Continuous*:

فرمول *future perfect Continuous*:

Subject + will + have been + verb + ing

– *I'll have been Studying here for two mounths.*

فرم منفی:

Subject + will + not (won't) have been + V + ing

– *I won't have been Studying here for long.*

فرم سؤالی:

will + subject + have been + verb + ing ... ?

– *How long will you have studying here ?*

– چه زمانی از *future perfect continuous* استفاده می‌کنیم؟

برای بیان این‌که یک فعالیت یا موقعیت چه مدت زمانی قبل از یک زمان مشخص

در آینده رخ داده است استفاده می‌کنیم.

معمولاً طول زمان در این مورد بیان می‌شود.

– *By the end of the month, I'll have been working here for two years.*

* نکته‌ی تکمیلی:

برای بیان موردی که برای انجام آن در آینده برنامه‌ریزی کردیم اما به هر دلیلی

صورت نگرفته است از ساختارهای زیر استفاده می‌شود:



- *Subject + was/were + going to + ...*
- *Subject + was/were + planning to + ...*
- *Subject + was/were about to + verb*

مثال:

- *We were about to leave when the phone rang.*
- *I was going to leave this evening but they cancelled my flight.*



Modals:

افعال *Modals* شامل افعال

(*will, must, might, may, could, can, need, ought to, should, shall, would*)

هستند.

این افعال به ما اطلاعاتی در مورد	توانایی	امکان و احتمال انجام کار	یا ضرورت
	↓	↓	↓
	(ability)	(possibility)	(necessity)

انجام فعالیتی می دهد .

* نکته:

فعل بعد از افعال *Modal* همیشه به صورت ساده و بدون *to* می آید. و همچنین

شکل این افعال غیرقابل تغییرند.

مصدر بدون <i>to</i>	[<i>can walk</i>
بعد از <i>Modol</i>		<i>should stop</i>

[<i>I can</i>
	<i>He can</i> ✗
	<i>She should</i> ✗



Ability

① توانایی

برای صحبت درمورد توانایی انجام کار :

present

— در زمان حال : *manage to – be able to – can't – can* : استفاده
==

می‌شود.

— *I can't climb.*

(past)

— گذشته : *manage to – be able to – couldn't – could* :
=====

— *I wasn't able to find out your name.*

کامل - *manage to , be able to : (perfect)*

— *Have you managed to finish the report yet ?*

(future)

— آینده : *manage to, be able to*

— *I won't be able to meet you tommorow.*

* نکته:

برای بیان توانایی‌های عمودی در زمان حال یا گذشته به‌کار بردن *can* و *could*
متداول‌تر از *be able to* است.



* نکته:

برای بیان توانایی که در یک موقعیت مشخص در زمان گذشته صورت گرفته از
couldn't .weren't / wasn't be able to استفاده می‌شود.

- The police were able to find out that he could
 Speak french. ✓ صحیح
- The police could find out × غلط

* نکته در مورد (manage to):

گاهی برای بیان این‌که دستیابی به موردی دشوار است از *manage to* استفاده
 می‌کنیم.

– I've finally managed to give up smoking after
 all these years.

* یادآوری

همان‌طور که مشاهده کردید *be able to* و *manage* هر دو برای زمان
perfect و *future* استفاده می‌شوند.

* نکته:

ما برای اجازه گرفتن از *can* استفاده می‌کنیم.

– Can I borrow your pen ?
 Yes, but I need it later.



Possibility

② امکان یا احتمال انجام کاری

برای این که بیان کنیم براساس اطلاعات و مدرک یا باور ما احتمال وقوع موردی یا امکان وقوع چیزی وجود دارد یا نه از کلمات *could, might, may, must, can't, couldn't* استفاده می کنیم.

انتخاب کلمه‌ی مناسب بسته به میزان اطمینان ما از احتمال و امکان وقوع علل مورد نظر دارد.

- هنگامی که می دانیم با <u>احتمال</u> بالا صورت می گیرد ← <i>Must</i> - هنگامی که می خواهیم بیان کنیم امکان وقوع وجود دارد و یا ندارد. ← <i>could, may, might</i> - هنگامی که احتمال پایین است ← <i>couldn't, can't</i>	}
---	---

* نکته:

- کلمات *may, could* و *might* همان طور که در بالا می بینید به یک درجه از امکان اشاره دارند.

- *couldn't* هم مانند *Can't* یک میزان از احتمال را می رساند اما باید توجه داشت که *Couldn't* بیشتر برای زمان گذشته (*past*) استفاده می شود.

مثال: *The police realised he couldn't be Iranian.*

پلیس متوجه شده بود که آن فرد نمی تواند ایرانی باشد .
گذشته (*past*)



* توجه:

کلمات *may not* و *might not* با کلمه *Couldn't* یک درجه از احتمال را نشان نمی‌دهند و نمی‌توانند جایگزین خوبی برای هم باشند. و اینک در این بخش در مورد به‌کارگیری هر کدام از کلمات بالا در بازه‌ی زمان مناسب خود می‌پردازیم.

زمان حال – *Present:*

برای بیان امکان و یا احتمال وقوع در زمان حال از کلمات زیر استفاده می‌کنیم:
may (not) – might (not) – could (n't) – must – can't

* نکته:

همان‌طور که قبلاً بیان شد همه‌ی افعال *Modal*

+ (مصدر بدون *to*) (*infinitive without to*) ← (شکل ساده فعل) می‌شوند. (برای

همه‌ی فاعل‌ها به یک صورت به‌کار می‌روند).

مثال: *she may remember Some things already.*

در مورد یادآوری مواردی در زمان حال (*now*) صحبت می‌کند.



- ساختار جدید:

may (not)

might (not)

could (n't) + be + verb + ing

must

can't

کاربرد:

از این ساختار برای بیان این که موردی به صورت استمراری و یا در بازه زمانی صحبت ما امکان وقوع دارد استفاده می شود.

مثال : *The phone is engaged. She might be talking to her mother on the phone.*

- Past:

زمان گذشته

برای بیان امکان و احتمال وقوع در زمان گذشته از ساختار زیر استفاده می کنیم.

$$\left. \begin{array}{l} may (not) \\ might (not) \\ could (n't) \\ must \\ Can't \end{array} \right\} + have + P.P \rightarrow (\underline{Past} \underline{Participle})$$

مثال: *She can't have been married.*

یعنی مدرک قوی وجود دارد که آن فرد ازدواج نکرده است.



– He could have had a wife and children.

یک موقعیت محتمل ←

– ساختار جدید:

$$\left. \begin{array}{l} \text{may (not)} \\ \text{might (not)} \\ \text{could (not)} \\ \text{must} \\ \text{cant} \end{array} \right\} + \text{have been} + \text{verb} + \text{ing}$$

کاربرد:

از این ساختار برای بیان این که موردی (عملی) به صورت استمراری و یا در طی روندی در گذشته صورت گرفته است استفاده می کنیم.

مثال: she might have been trying to run away from
her past.

– futare: زمان آینده

برای صحبت در مورد امکان یا عدم اطمینان از رخداد موردی در زمان آینده از ساختار زیر کمک می گیریم.

$$\left. \begin{array}{l} \text{may (not)} \\ \text{might (not)} \\ \text{could (not)} \\ \text{must} \\ \text{cant't} \end{array} \right\} + \text{been} + \text{verb} + \text{ing}$$



مثال: *He might be meeting Sara later.*

* نکته *writing*:

در *writing* به کار بردن *modal* بسیار اهمیت دارند. (پر کار بردند) به دلیل

این که نشان دهنده بیان و شرح عقیده‌ی خود نویسنده هستند.

کلمه‌ی (*May*) در نوشتار بسیار رایج است و می‌تواند در معنای

(*Sometimes*) مورد استفاده قرار بگیرد.

مثال: *Banning cars with high fuel consumption may
be a good idea, as it could result in a
less pollution.*

در حقیقت با این طرز بیان احساس بهتری در خواننده ایجاد کردیم و عقیده

خود را بهتر بیان کردیم.

* نکته:

قیدهایی مانند: *Maybe* و *perhabs* , *possibly* , *probably* , *certainly*

می‌توانند برای بیان نظرات و عقاید به جای *Modals* به کار روند.

مثال: *He had probably been attacked.*

= (*He must have been attacked*)



* نکته تکمیلی:

به ساختار زیر توجه نمایید:

(*It + be + certain/probable/possible/impossible*)

این ساختار برای شرح توانایی یا امکان و احتمال وقوع موردی خاص به کار

می‌رود.

مثال: *It is possible that the train will be late.*

= (*the train might be late*).



Obligation and necessity

③ اجبار و الزام

افعالی مانند *need to* و *have got to, have to, mustn't, must* برای

بیان اجبار و الزام به کار می‌روند.

× یادآوری

حتماً بعد از افعال *modal* از شکل ساده فعل استفاده می‌شود.

مثال: *You mustn't dress too casually for work.*

* نکاتی ضروری و مهم:

1- فرم *Must* به هیچ عنوان تغییر نمی‌کند (همان‌طور که گفته شد جزء افعال

Modal است).

I must ... ✓

He must ... ✓ → he ~~musts~~ ×

2- هنگامی که اجبار و ضرورت انجام کار از طرف فرد صحبت‌کننده باشد از

must استفاده می‌کنیم:



You must invite me to visit you.

در این جا گوینده چنین درخواستی را دارد.

3- کلمات *have to* و *need to* نسبت به *must* رایج تر هستند.

مخصوصاً در صحبت کردن به انگلیسی کلمه‌ی *have to* بسیار مورد استفاده

قرار می‌گیرد و کلمه‌ای متداول است.

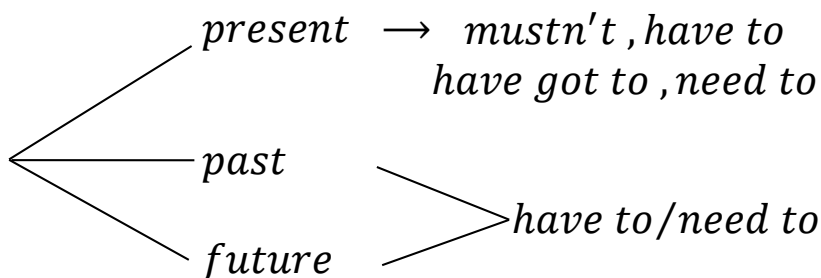
اما در انگلیسی به فرم نوشتاری (*writing*) از فرم *have got to* بیشتر

استفاده خواهد شد.

– I've got to find somewhere to live.

– برای بیان *obligation* و *necessity* در زمان‌های مختلف به نمودار زیر

توجه نمایید.





مثال: *He had to get up really eaarly to catch Ali
to work. (He ~~must~~ got up)*

× توجه:

ما معمولاً must و ought to را در ساختار سؤالی استفاده نمی‌کنیم.



No obligation

④ عدم وجود اجبار:

برای بیان این‌که ضرورت یا اجباری در انجام عملی خاص نیست از ساختار زیر استفاده می‌کنیم.

$$\left. \begin{array}{l} \text{not have to} \\ \text{not need to} \\ \text{needn't} \end{array} \right\} + \text{Simple form of the verbs}$$

مثال: *You don't have to buy lots of guide books before you go.*

ضرورتی برای تهیه کتاب‌های راهنما قبل رفتن وجود ندارد

* نکته:

در معنا یکسان نیستند.

$$\text{mustn't} \neq \left[\begin{array}{l} \text{don't have to} \\ \text{don't need to} \\ \text{needn't} \end{array} \right]$$



برای بیان عدم وجود اجبار در گذشته ساختارهای زیر استفاده می‌شود:

$\left[\begin{array}{l} \text{didn't have to} \\ \text{or} \\ \text{needn't have + P.P} \\ \text{or} \\ \text{didn't need to} \end{array} \right.$

مثال: You didn't have to worry about your work when I was there.

برای صحبت در مورد آینده (future) ← (نبود اجبار در رخداد عملی در

آینده) از *not have to* و *not need to* استفاده می‌کنیم.

مثال: — I hope I won't have to work late tonight.



⑤ بیان پیشنهاد و توصیه:

– *Suggestions and advice:*

برای بیان یک پیشنهاد یا توصیه کردن می‌توانیم از افعال *modal* زیر استفاده کنیم:

[*Should/Should (n't)*
ought to/ought not to]

- You should try and study more this term.
- You ought to pay attention to your parents
- You must phone your dad when you get there.

برای بیان یک توصیه اکید و قوی می‌توانیم از (*must*) استفاده کنیم:

- You must phone your dad when you get there.

* نکته: قیودی مانند *Sometimes, always, also* و *just* و *only* همیشه

بعد از افعال *modal* می‌آیند:

- You must never do that again.

* در واقع قبل از فعل اصلی جمله و بعد از افعال *modal* می‌آیند:

برای بیان تأکید بیشتر می‌توانیم از *really* قبل از این افعال استفاده کنیم:

- You really have to see it to believe it.

**-Passive:****حالت مجهول :**

در زمان انگلیسی افعال به دو دسته تقسیم می‌شوند:

افعال معلوم	active verbs – 1
افعال مجهول	passive verbs – 2

هنگامی که از *active verbs* استفاده می‌کنیم در واقع می‌خواهیم بیان کنیم که فاعل، (کننده‌ی کار (*subject*)) کاری را انجام داده است. یعنی در جملاتی با فعل *active* فاعل جمله مشخص است. اما هنگام استفاده از *passive verbs* در واقع می‌خواهیم در مورد مفعول صحبت کنیم.

به عبارت دیگر در این ساختار فرد یا عامل آن نامشخص و یا کم اهمیت است.
(فاعل)

در ادامه توضیح می‌دهیم که اگر در ساختار *passive* بخواهیم فردی که از آن کار سرزده را معرفی کنیم از (*by*) استفاده خواهیم کرد.
نحوه‌ی ساختن جملات *passive*:

be (is/were etc.) + past participle
(P. P)



حال به بررسی *passive* تکتک ساختارهایی که تا به حال مورد مطالعه قرار

گرفتند می پردازیم:

Simple present (1)

حالت مجهول حال ساده:

Passive : is/am/are + P.P etc.

مثال: *active: Ali cleans this object every day.*
passive: this room is cleaned every day.

همان طور که در بالا می بینید در جمله *active* (علی) کننده ی کار (Subject) *Ali*

است که در جمله *passive* حذف شده است و فاعل (*the room*) در ابتدای

جمله قرار می گیرد و طبق قاعده بیان شده ساختار کلی ساخته می شود.

در جمله ی اول (*active*) کننده ی کار مهم است اما همان طور که می بینید در

جمله ی دوم (*passive*) عمل تمیز شدن روزانه اتاق اهمیت بیشتر دارد.

– *Two hundred people are employed by the company*

– *This house is built by Ali.*

– *How is this word pronounced?*

* نکته:



همان طور که قبلاً گفته شد برای بیان کننده‌ی کار (اطلاع دادن در مورد فاعل) در جملات *passive* از *by* استفاده می‌شود. (در آخر جمله)

Simple past (2)

حالت مجهول گذشته‌ی ساده

Passive: *was/were* + P.P etc

active: Ali cleaned This room yesterday.
 Passive : This room was cleaned yesterday.

- A lot of money was stolen in the robbery.
- This house was built in 1390
- How much money was stolen in the robbery ?

infinitive (3)

حالت مجهولی ساختاری‌های مصدری

Passive: (to)be + P.P etc

active: – Ali will clean this room later.
 passive: This room will be cleaned later.



- The music was very loud and could be heard from a long way away.
- Please go away. I want to be left alone.
- A new store is going to be built next week.
- Something must be done before it's too late.
- A mystery is something that can't be explained.

present infinitive (4

passive: (to) have been + P.P etc.

active: Ali should have cleaned the room.

 ↙
 passive: The room should have been cleaned.

- I should have received the letter by now. It might have been sent to the wrong address.
- If you had locked the car, it wouldn't have been stolen.



: present perfect (5)

حالت مجهولی حال کامل:

Passive: *have/has been + P.P etc*

[active: The room looks nice. Ali has cleaned it .

 ↓
 [passive: The room looks nice. It has been cleaned.
 -----]

- The trip has been canceled.
- 'Are you going to the party?' 'No, I haven't been invited.

: past perfect (6)

حالت مجهولی گذشته‌ی کامل:

passive : *had been + P.P etc.*

[active: The room looks nice. Ali had cleaned it .

 ↓
 [passive: The room looks nice. It had been cleaned.
 -----]

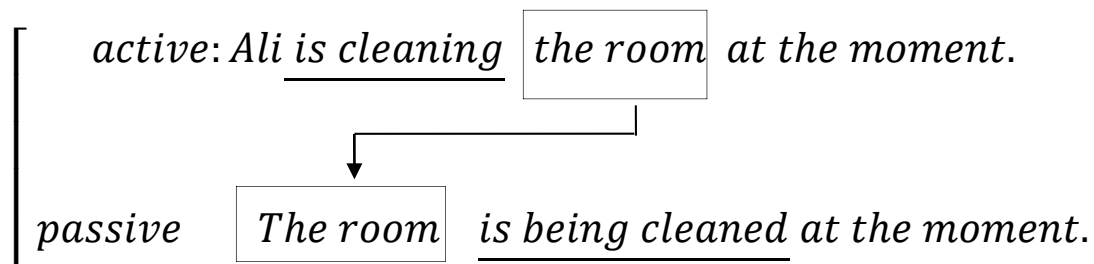


- The vegetables didn't taste good. They had been cooked too long.

present continuous (7)

حالت مجهولی حال استمراری:

passive: $am/is/are$ + being + P.P

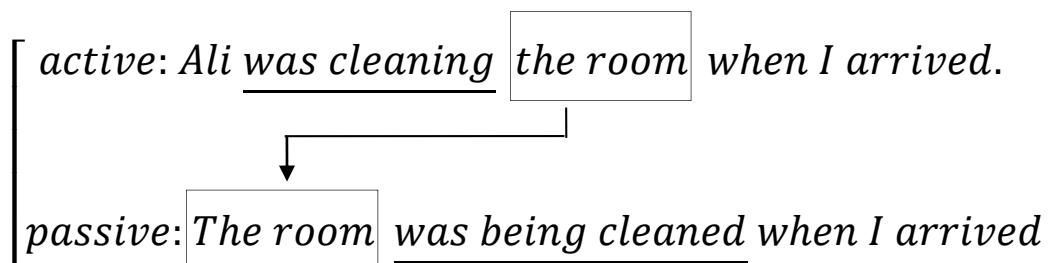


- There's somebody walking behind us. I think we are being followed.

: past continuous (8)

حالت مجهولی گذشته‌ی استمراری:

Passive: $was/were$ + being (P.P)





– *The was somebody behind us. I think we were being followed.*

* نکته‌ی تکمیلی:

برخی افعال و زبان انگلیسی 2 مفعول می‌گیرند مانند:

give – ask – offer – pay – show – teach – tell

برای این افعال می‌توانیم 2 مدل جمله به صورت مجهول بنویسیم:

مثال) *That man gave the police the information.*

مفعول 1

مفعول 2

(آن مرد اطلاعاتی را به پلیس داد).

or $\left[\begin{array}{l} \text{passive 1 : } \underline{\text{The police}} \text{ were given the information.} \\ \text{passive 2 : } \underline{\text{The information}} \text{ was given to the police.} \end{array} \right.$



* ساختار *I don't like being ...*

حالت و فرم مجهولی ساختارهایی مانند *seeing/doing* و ... به صورت *being seen* و *being done* و ... است.

مثال: *active: I don't like people telling me what to do.*

passive: I don't like being told what to do.

– *Ali hates being kept waiting.*

علی دوست ندارد (متنفر است) از این که دیگران آن را منتظر بگذارند.

* نکته‌ی طلایی:

همیشه برای بیان مکان تولد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

(*I was born ...*)

و باید بدانیم که عبارت *I am born* کاملاً غلط است و یک اشتباه رایج در

گرامر زبان انگلیسی است.

× فرم‌های دیگر *passive*:

1. *active: used to*
 passive: used to be + P.P

مثال: *The university used to be run by 7 executive officers.*



2. $\left\{ \begin{array}{l} \text{active: need to/have to} \\ \text{passive: needs to/ has to be + P.P} \end{array} \right.$

مثال: *The university needs to/ has to be run by 7 executive officers.*

3. $\left\{ \begin{array}{l} \text{active: need+ — ing} \\ \text{passive: needs V + ing} \end{array} \right.$

مثال: *The university needs running by 7 executive officer.*

* توجه توجه:

افعالی که نیاز به مفعول ندارند (*intransitive verbs*) هیچ‌گاه به صورت مجهولی در نمی‌آید.

مثال: *He arrived (~~he was arrived~~)*

* نکته:

1- معمولاً از فرم *passive* برای *formal writing* استفاده می‌شود.

2- معمولاً برای توصیف و شرح مراحل انجام یک پروسه از *passive* استفاده می‌شود.



- نکات کاربرد *Get* به جای *be* در ساختار *passive*:

ما می‌توانیم هنگامی که فعل در مورد رخ دادن یک مسئله (*happening*) باشد از

get به جای *be* در جملات *passive* استفاده کنیم:

– *I don't get invited to Sara's party.*

↓ به جای

(I'm not invited)

– *I'm surprised Ali didn't get offered the Job.*

↙ *(wasn't offered)*

* توجه:

در جملات زیر نمی‌توان به جای *be* از *get* استفاده کرد:

– *Marry is liked by everybody.*

چون فعل *liked* در مورد یک اتفاق نیست (~~*happening*~~)

* نکته:

استفاده از *get* در مواقعی که توضیح داده شد برای موقعیت‌های غیررسمی

(*informal*) و صحبت‌های محاوره در زبان انگلیسی است اما *be* را در تمامی

موقعیت‌ها استفاده می‌کنیم.



* نکته‌ی اضافه:

get را جهت عبارت زیر استفاده می‌کنیم: (ساختار مجهول نیستند).

<i>get married/get divorced</i>	(ازدواج کردن/جدا شدن)
<i>get lost</i>	(گم شدن)
<i>get dressed</i>	(لباس پوشیدن)
<i>get changed</i>	(تعویض لباس)



**[It is said that ... He is said to ...
He is supposed to ...**

مثلاً می‌خواهیم در مورد پیرمردی با سنی نامعین صحبت کنیم: (می‌دانیم سن وی بالا است).

– It is said that he is 100 years old.
or
↓
He is said to be 100 years old.

هر دو جمله به یک معنا هستند:

مردم می‌گویند که آن فرد پیرمرد 100 ساله است.

می‌توان ساختار بالا را با تمامی افعال زیر استفاده کرد:

(*alleged/believe/considered/expected/known reported/thought/understood*)

مثال ① – A friend of mine has been arrested. It is alleged that he hit a policeman.

or

– He is alleged to have hit a policeman.



مثال: ② – *The strike started two weeks ago. It is expected that the strike will end soon.*

or

– *The strike is expected to end soon.*

– *(be) supposed to*

گاهی اوقات ... *(it is) said to = be supposed to* (از نظر معنایی یکسان هستند)

مثال: *I really want to see this film. It's supposed to be good.*

گفته شده که این فیلم خوب است.

اما گاهی اوقات این ساختار را در معنای دیگری می‌بینیم که نسبت مورد قبل بسیار متفاوت است:

be suppose to ... = چیزی که به آن نیاز است یا انتظار می‌رود برای آن برنامه‌ریزی شده
expected —————→

– *The plan is supposed to be a secret, but everybody seems to know about it.*

نمی‌خواستند آن plan فاش شود

– *Our guests were supposed to come at 7.30, but they were late.*



انجام این کار توصیه نمی‌شود = *You're not supposed to do sth* و یا
اجازه‌ی انجام این کار وجود ندارد.

– *You're not supposed to park your car here.*

Have something done:

کاربرد ساختار *Have Sth done*:

هنگامی که ما کننده‌ی کار نیستیم و برنامه‌ریزی می‌کنیم تا فرد دیگری کار را
برایمان انجام دهد از این ساختار استفاده می‌کنیم:
خودعلی کننده‌ی کار

Ali repaired the roof. → خود علی کننده‌ی کار

Ali had the roof repaived. → علی فرد دیگری را برگزید
object

علی فرد دیگری را برگزید.

* نکته:

به محل قرار گرفتن object (مفعول) دقت نمایید. (*P.P* بعد از *object* می‌آید).

مثال: *I think you should have your jacket*
cleaned.

↓
object



– We are having the house painted this week.

↓
object

* نکته: به جای (Have sth done) می‌توانیم از object نیز استفاده کنیم.

مثال: I think you should get your hair cut really short.

* توجه:

با توجه به جمله‌ی مورد نظر همیشه ساختار *have sth done* به معنایی که در بالا بیان شد نمی‌باشد.

در این جا این ساختار به معنای این است که خود افراد هم از موردی که رخ داده بی‌خبر بودند. (و معمولاً فرآیند خوبی نیست)

– Ali had his nose broken in a fight.

– Ali and Reza had their bags stolen.



conditional sentences:

جملات شرطی

در واقع در زبان انگلیسی جملات شرطی به 4 صورت بیان می‌شوند.

1- جملات شرطی نوع صفر (Zero conditional)

2- جملات شرطی نوع اول (First conditional)

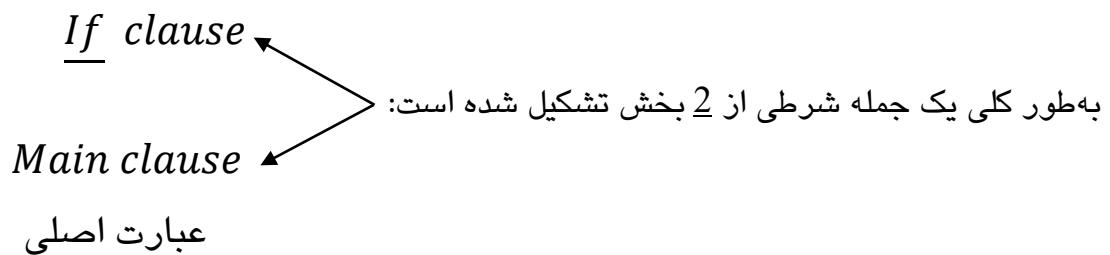
3- جملات شرطی نوع دوم (second conditional)

4- جملات شرطی نوع سوم (Third conditional)

اما به‌طور معمول و در بیشتر کتب درسی و دانشگاهی سطوح 2 و 3 و 4 جملات

شرطی یعنی جملات شرطی نوع اول و دوم و سوم مدنظر قرار دارد.

عبارتی که با (اگر) شروع می‌شود.





نحوه‌ی قرار گرفتن این دو بخش به یکی از دو صورت زیر است:

1. *If clause* (,) + *Main clause*
2. *Main clause* + *If clause* (بدون کاما)

* نکته:

جملات شرطی نوع اول در رابطه با واقعیت و حقایق (*facts*) صحبت می‌کنند.

که به آن‌ها (*real conditinal*) گویند (در مورد موارد ثابت جهان)

جملات شرطی نوع 2 و 3 در رابطه‌ی با موارد غیرواقعی و غیرحقیقی است.

(*unreal conditional*)

* نکته: $If =$ اگر

* توجه توجه:

برای بیان موقعیت و جملات شرطی از موارد دیگر به جز *If* هم استفاده می‌شود

که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.



1 – Zero conditional

1- جملات شرطی نوع صفر

فرمول:

$$\left[\begin{array}{l} \text{If} + \text{present tense} = \text{present tense} \\ \text{present tense} + \text{if} + \text{present tense} \end{array} \right]$$

- کاربرد Zero conditional:

ما معمولاً برای بیان حقایق و واقعیت‌ها (facts) از Zero conditional استفاده می‌کنیم.

مثال :

1. ساختار If you heat water to 100°C, it boils.

2. ساختار Water boils if you heat it to 100°C.



– If you owe a car (,) you also have to pay
for insurance every year.

– If people eat too much food (,)
They get fat.

2. *first conditional*

2- جملات شرطی نوع اول:

فرمول:

-If + present simple + will/won't (might/could/going to) + verb

مثال: If I invest my money, it will grow.

My money will grow if I invest it.

– کاربرد *first conditional* :

هنگامی که می‌خواهیم در مورد مواردی که امکان دارد در آینده رخ دهد سخن

می‌گوییم از *first conditional* استفاده می‌کنیم: (به عبارت دیگر برای بیان

احتمالات و مواقع واقعی حال و آینده استفاده می‌شود)



- He will be late if the trains is delayed.
- If they ask me, I will tell the truth.

* نکته:

در این ساختار می‌توان به جای will از دیگر *modals* ها استفاده کرد.



second conditional

3- جملات شرطی نوع دوم

فرمول:

$$\left[\begin{array}{l} - If + past\ simple \odot would\ (n't)(might/could) + verb \\ - would\ (n't)(might/could) + verb + \underline{if} + past\ Simple \end{array} \right.$$

- کاربرد Second conditional :

برای صحبت در مورد موارد خیالی و تخیلی، غیرممکن و یا غیرواقعی در زمان حال و یا آینده استفاده می‌شود.

همان‌طور که در فرمول می‌بینید زمان جمله به صورت Simple past (گذشته) است اما زمان جمله به گذشته بر نمی‌گردد و در مورد حال و آینده است.

- If I went traveling , I wouldn't have any money left over.
- If I knew his name , I would tell you.
- I would fly on top of towers if I had wings.



* نکته:

درخصوص افعال *be* (*to be verbs*) می‌توان از *were/was* برای *it/she/he/I* استفاده کرد.

اما در موقعیت‌های رسمی و در حالت نوشتاری حتماً از فعل جمع *were* برای *she* و *she* و *I* و *it* استفاده می‌شود.

– *If I were you , I would tell my parents.*
 (or) *If I was you.*
 – *I'd go for a walk if it weren't so cold.*
 (or) *if it wasn't so cold.*

* نکته:

اگر بخواهیم در رابطه با حوادث و موارد غیرمحمّل در آینده صحبت کنیم می‌توان از ساختار زیر بهره بگیریم:

– *was/were + to – infinitive*

مثال: *If you were to spend a year travelling around the world , you'd probably need an awful lot more money than this !*



* نکته‌ی طلایی:

ما به‌طور طبیعی از *would* در *if clause* استفاده نمی‌کنیم. *would* در حالت طبیعی همیشه در *main clause* می‌آید.

I wish I knew
past * نکته‌ی تکمیلی:

از این ساختار هنگامی که از چیزی پشیمانیم یا موردی آن‌طور که انتظار داشتیم پیش نرفته استفاده می‌کنیم.

– *I wish I knew Ali's phone number.*

(منظور این است که من شماره‌ی علی را ندارم و پشیمانم)

– *I wish I didn't have to work tomorrow, but unfortunatly I do.*

– *Third conditional:* 4- جملات شرطی نوع سوم:

فرمول:

– *If + past perfect , would have + P.P*
– *would have + P.P + if + past perfect*

– *If we had taken a taxi () we wouldn't have
missed the train.*



کاربرد Third contitonal:

هنگامی که چیزی که در گذشته روی نداده را تصور می‌کنیم از

Third contitonal استفاده می‌کنیم. (گذشته‌ای غیرقابل تصور)

– If I had found his address , I would have sent him an invitation.

در جملات بالا بیان می‌شود که اگر آدرس وی را پیدا می‌کردم او را دعوت

می‌کردم اما در حقیقت آدرس یافت نشده و آن فرد دعوت نشده است.

– If I had studied economic at the university, I would have found a better job.

طرق دیگر بیان جمله‌ی شرطی بدون استفاده از If:

در این جا می‌توان از کلمات دیگری مانند

if , *unless* , *in case* , *provided that* , *when* , *so* , *as long as* به جای

استفاده کرد.

– *when/as soon as*

برای بیان موقعیتی محتمل با احتمال بالا به جای *if* از *when/as soon as*

استفاده می‌شود

or (if)

– I'll give you a lift into town when/as soon as

I finish my work in time.



– Unless

برای بیان جملات شرطی منفی استفاده می‌شود.

* Unless = ifnot

– You won't earn much interest Unless you invest it properly.

– Provided / Providing That ; So/as loing as

برای تأکید بیشتر به جای if استفاده می‌شود.

و همچنین استفاده از provided/Providing that برای حالت نوشتاری

رایج‌ترند تا حالت گفتاری.

– As long as you get a second – hand car , you
Should still be able to invest Some money.

– You won't lose any money provided that
you think of it as a long – term investment.

– in case

برای پیش‌بینی یک اتفاق و احتیاط در مورد آن استفاده می‌شود.

– You should keep this refrence in case there
are any problems.

ممکن است مشکل پیش آید پس

* نکته:

معمولاً جمله را با in case شروع نمی‌کنیم.



– Reported speech

– نقل قول غیر مستقیم:

ما برای انتقال صحبت‌های فرد دیگر به صورت نوشتاری و یا گفتاری از نقل قول استفاده می‌کنیم.

بیان مستقیم

– direct: Marry said I am feeling ill.

– reported: Marry said that she was feeling ill.

گزارش (نقل قول)

همان‌طور که در جمله‌ی اول می‌بینید در حالت نوشتاری باید عبارت را در علامت

قرار دهیم. تا مشخص شود از زبان فرد دیگری بیان شده است.
[' ']
نشان نقل قول

در هنگام استفاده از *reported speech* زمان فعل اصلی جمله عمدتاً گذشته است

(Marry said ...) (I told Marry that ...) و زمان بقیه‌ی جمله هم

معمولاً گذشته خواهد بود.

– I told Marry that I didn't have any money.



* نکته:

در مثال های بالا (that) قابل حذف است.

–Marry Said ~~that~~ she was feeling ill.

–Marry Said she was feeling ill.

در حالت کلی و عمومی

هنگم نقل قول از فرد دیگری زمان جمله یک زمان به عقب برمی گردد.

reported speech

1. present Simple →

past simple

' I live in Italy.'

she said that she lived in Italy.

2. present continuous →

past continuous

I'm living in Italy.

she said she was living in Italy.

3. past Simple →

past perfect

I lived in Italy.

she said she had lived in Italy.

4. past continuous →

past perfect continuous

I was living in Italy.

she said she had been living in Italy.



5. present perfect → past perfect

I' ve lived in Italy. she said she had lived in Italy.

6. past perfect → past perfect

I' d lived in taly. she said she'd lived in Italy.

7. be goning to → ^{was}/were going to

I' m going to live in Italy. she said she was going to live in Italy.

8. will → would

I' ll live in Italy. she said she would live in Italy.

9. May/might → might

*I may/might live in Italy next year
↳ she said she might live in Italy next year.*



10. *Can* → *could*

I can live in Italy *she said she could live in Italy.*

11. *Must* → *had to*

I must live in Italy *she said she had to live in Italy.*

* نکته‌ی طلایی:

اگر موقعیت که می‌خواهیم آن‌را گزارش کنیم هنوز هم صادق است (موقعیت هنوز همان گونه است که فرد گفته است) زمان جمله به عقب برنمی‌گردد.

direct: Jack said 'My new job is boring'



reported: Jack said that his new Job is boring.

* توجه:

در مورد جمله و موقعیت بالا امکان برگرداندن زمان به عقب هم وجود دارد اما بهتر است این کار را نکنیم. (در این حالت فقط ضمایر جمله عوض می‌شوند).



اما اگر موقعیت عوض شد یا به پایان رسیده ما باید زمان جمله را یک زمان به
 ==

عقب برگردانیم.

– she said' I need to be there at 9.'

– she said that she needed to be there at 9.

* این نکته وجود دارد که جملات Simple past معمولاً به past perfect

تغییر نمی‌کنند و به صورت Simple past گزارش می‌شوند.



Reported Questions:

- گزارش جملات سؤالی:

1. *wh - words* :

1- سؤال به صورت *wh* باشد:

در این حالت هم زمان جمله عوض می شود و هم فرم جمله از حالت سؤالی خارج خواهد شد. (هیچ گاه در حالت *report* علامت سؤال نداریم).

– 'where are you from?' → *He asked me where I was from.*

2. *Yes/No Questions*

2- سؤالات با پاسخ بله یا خیر:

باید فرم سؤالی را از بین ببریم و جای *do* و *does* از *if* استفاده کنیم و زمان را هم به عقب برگرانیم.

– *Do you work for the goverment?* → *He asked me if I wored for the goverment.*

– *Reporting verbs*: افعالی که برای نقل قول استفاده می شوند:

1. *Reporting verbs (+ that)*

*agree – admit – announce – argue – belive – claim
complain – deny – explain – insist – promise – propose
reply – request – say – state – suggest – think – warn*

– *The director clamied that they decided to make the changes two years ago.*

2. *Reporting verb + Someone + that*

assure – in form – persuade – remind – tell.



– He assured the interviewer that the company would continue to operate in the future.

3. Reporting verb + to – infinitive

agree – ask – claim – offer – promise – propose – refuse

– He promised to do his best.

4. verb + preposition + –ing/noun

* *argue about – complain about:*

– He complained about the food.

* *apologise for: the company apologised for causing problems.*

* *insist on: The manager insisted on seeing the staff.*

* *Complain to: He complained to the manager.*

5. Reporting verb + Someone + preposition + ing/noun

* *accuse of: They accused the company of planing bodily.*



* *advise about, remind about*
 – They reminded her about the meeting.

* *advice on, congratulate on:*
 – He advised me on the deal.

* *blame for, thank for: They thank her for coming.*

6. *Reporting verb + ing/noun*

accept – admit – deny – suggest.

– The employees accepted the offer of early redundancy.

7. *Reporting verb + someone (+noun)*

offer – promise – refuse

– He offered her a job.

* نکته:

همان‌طور که دیدید برخی افعال می‌توانند با روش‌های مختلف برای *Report*

استفاده شوند (مانند: *Claim, admit* و...)



Time references

* نکته‌ی طلایی:

گاهی اوقات نیاز می‌شود تا قیود زمان و مکان موجود در جمله اولیه را برای

گزارش دادن تغییر دهیم:

{	Today	→	that day
	yesterday	→	the day before
	now	→	then/straight away
	here	→	there
	tomorrow	→	the following day/the next day
	next week	→	the following week
	this	→	that

1. He said he would see me tomorrow.

2. He said he would see me the next day.

جمله 1 هنگامی که است که ما در همان روز سخن را نقل می‌کنیم.

* توجه:

گاهی اوقات به برگرداندن و تغییر ضمایر نیز نیازمندیم.

'I like you' → He said he liked her.



Tag Questions

سوالات ضمیمه

در زمان انگلیسی به سوالات کوتاهی که معمولاً در آخر جمله به کار می‌بریم در حالت محاوره‌ای (گفتاری) *tag Question* گویند.

(مانند *... , was , have , will*)

در ساختار *tag Qs* ما از افعال کمکی \uparrow (*auxiliary verb*) و

did, does, do برای گذشته و حال ساده استفاده می‌کنیم.

به مثال‌های زیر توجه نمایید:

– *Marry plays the piano (,) doesn't she ? Yes, but not very well.*

– *You did't lock the door (,) did you ? No, I forgot.*

همان‌طور می‌بینید قبل از *tag questions* علامت (,) استفاده خواهد شد.

* نکته:

به‌صورت طبیعی بعد از جملات مثبت از سؤال کوتاه منفی و بعد از جملات منفی از سؤال کوتاه به‌صورت مثبت استفاده می‌کنیم.

(+) (–)
positive sentence + negative tag



– Ali should pass the exam , shouldn't he ?

– You're tired , aren't you ?

negative sentence + positive tag
(–) (+)

– kate won't be late, will she?

– You haven't eaten yet , have you?

* توجه

برای پاسخ دادن به جملات منفی به معنای Yes و No توجه نمایید.

– You're not going out today , are you?

Answers $\begin{cases} \rightarrow \text{– Yes (I am going out)} \\ \rightarrow \text{– No (I am not going out)} \end{cases}$

– باید بدانیم که با توجه به لحن پرسش می‌توان 2 بار معنایی از سؤالات ضمیمه برداشت کرد:

1- وقتی در انتهای صحبت و بیان Q tag لحن کلام (falling) باشد معمولاً

هدف همراه کردن مخاطب یا عقیده خودمان است نه صرفاً پرسش سؤال:



'It's a nice day, isn't it?' 'Yes, beautiful.'

– 'Sara doesn't look well today, does she?' 'No she looks very tired.'

2- هنگامی که لحن بیان *tag Q* به صورت (بالارونده) (*rising*) باشد هدف

پرسش سؤال خواهد بود.

– 'You haven't seen lisa today, have you?'
'No, I haven't.'

* نکته:

به منظور سؤال در مورد چیزی یا به دست آوردن اطلاعات خاصی یا معین کردن

فردی برای انجام کار و مسئولیتی از ساختار زیر استفاده می شود:

* *negative sentence + positive tag* *

اما باید توجه داشت که در این جا لحن پرسش به صورت *rising* است.



– 'You don't know where Sara is, do you?'

– 'Sorry, I have no idea.'

– 'You haven't got a pen, have you?'

– 'Yes, here you are.'

* نکات تکمیلی:

1- بعد از *let's ...* ، *tag Q* به صورت *shall we* می آید.

– *Let's go for a walk, shall we?*

2- بعد از *Don't ...* *tag Q* به صورت *will you* می آید.

– *Don't be late, will you?*

3- بعد از *I'm ...* *tag Q* منفی به صورت *aren't I* می آید:

– *'I'm right, aren't I?' 'Yes, you are'*



همان طور که در تمامی مثال‌های بالا مشخص است در هنگام ساخت *Tag Q* فعل کمکی یا

modal

مدال مورد استفاده باید همان باشد که در جمله قبل از آن استفاده کردیم و اگر در جمله

قبل از *Tag Q* از یک فعل اصلی (فعلی جزء افعالی کمکی یا مدال) استفاده شده باشد از *do*

و *does* و *did* بهره می‌جوییم.

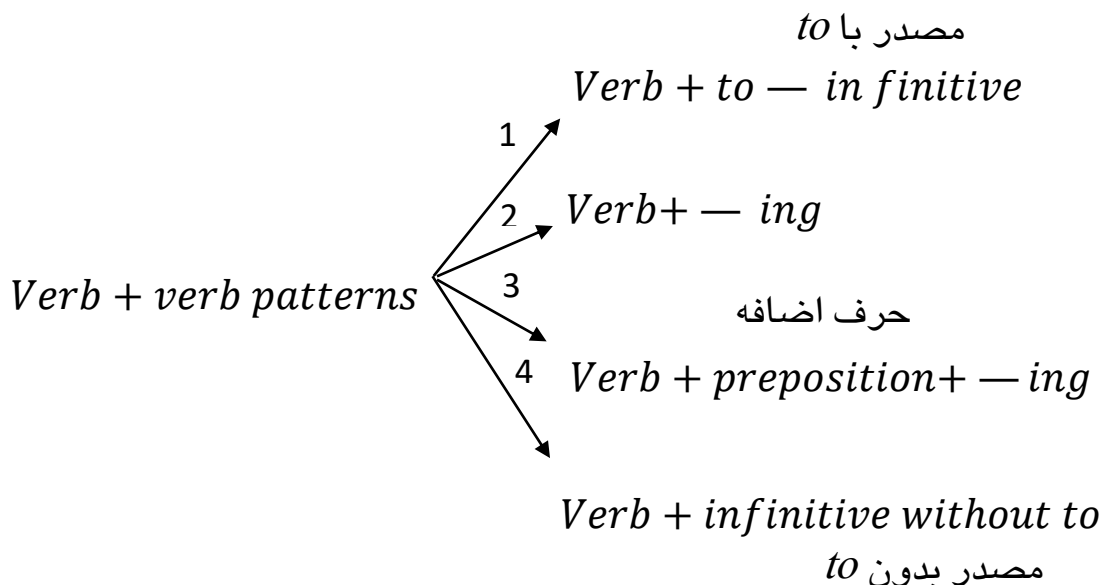
–You didn't like the food, did you ?

–They live in France, don't they ?



Verb + verb patterns

در زبان انگلیسی افعال به یکی از حالات زیر استفاده می‌شوند.



1 – *Verb + to – infinitive*

1- فعل + مصدر با to

این گروه افعال به 3 دسته تقسیم می‌شوند.

الف- دسته‌ی اول فقط با (مصدر با to) می‌آیند. نیازی به مفعول (object) ندارند.

agree – aim – appear – arrange – attempt – be able

be likely – claim – decide – deserve – fail – hope

learn – manage – offer – plan – promise – refuse

– seem – tend – try

– *I decided to do an animal management course during my last year at school.*

ب- دسته‌ی دوم همیشه نیاز به مفعول (object) دارند.

advise – allow – encourage – force – get – persuade – remind

– teach – tell – warn

*** استثنا:**

- If you want to get your teachers to notice your work you should make sure you hand it in on time.



– We've practiced handling animals.

* نکته:

هرگاه فعلی با حرف اضافه به جز to می‌آید حتماً فعل بعدی با ing است.

– I was thinking about doing another course.

3 – verb + to – infinitive or – ing

فعل با مصدر با to یا ing

الف) برخی افعال هم می‌توانند با مصدر to بیایید و هم ing (با تفاوت معنایی اندک)

attempt – begin – bother – continue – hate – like – love
– prefer – start.

– I like feeding the animals.

× توجه توجه

would like

would love

would prefer

+ to – in finitive

I'd really like to work here.

ب) تعدادی از افعال که هم با ing و هم با to می‌آیند در معنا با هم بسیار متفاوت‌اند.



مثال : ✓ *forget*

-I forget to post my application form.

2- اتفاق رُخ داده است: ← معمولاً به فرم منفی است.

– *I'll never forgot meeting you that cold winter's day.* //

+ *to - infinitive* ← *go on* ✓
 : رخداد دیگری را دنبال می‌کند.
 - *ing* ←
 : رخدادی تکرار شده یا ادامه داشته است

remember ✓

← + *to - infinitive* : به یاد می آورید قبل از رُخ دادن موردی

← *-ing* : به یاد می آورید بعد از رخداد موردی



Stop ✓
 ← + to – infinitive : دو اتفاق رخ می‌دهد که اولی متوقف شد.
 =
 پس دیگری می‌تواند آغاز شود.
 ← –ing : یک اتفاق که متوقف شد.
 =

try ✓
 ← + to – infinitive : تلاش برای انجام کاری (همیشه موفقیت‌آمیز نیست)
 ← –ing : تجربه‌ی انجام کاری

need ✓
 ← + to – infinitive : فاعل‌کننده‌ی کار است.
 ← –ing : معنای مجهول دریافت می‌شود.

مصدر بدون to

4 – verb + object + infintive without to

feel – hear – help – let – make – notice – see – watch

* نکته:

افعال let و make همیشه به صورت زیر می‌آیند:



Make
 Let

+ object + *infinitive without to*

مفعول مصدر بدون to

– They let us take it slowly.

* توجه:

اگر فعل make در حالت مجهول استفاده شود با *to – infinitive* می آید.

– I was made to handle all kinds of animals.

* نکته:

فعل Help می توند با *to* یا بدون *to* بیاید.

– This course helped me undrestand my own day
better. (بدون *to*)

or

– This course helped me to undrestand my own
dog better. (با *to*)

Negative

فرم منفی

در اینجا برای منفی کردن فعل دوم از *not* استفاده می شود:

– I enjoy not working late.

– I chose not to stady at this school.



اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش : *Countable and uncountable nouns* –

در زبان انگلیسی تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای اسامی وجود دارد که یکی از آنها به صورت زیر است:

1- اسامی قابل شمارش: *Countable nouns (count nouns)*

همان‌طور که از اسمشان مشخص است شاخصه‌ی بارز اسامی قابل شمارش قابلیت شمارش آنهاست. یعنی می‌توان آنها را شمرد.

در زیر به ویژگی‌های اسامی قابل شمارش توجه نمایید:

1- به صورت کلی و عمومی فرم مفرد و جمع دارند:

a book – lots of books

* توجه:

برخی از اسامی قابل شمارش فقط فرم جمع دارند: (به صورت جمع هستند)

Clothes, trousers, Jeans, scissors

2- افعال مورد استفاده برای اسامی غیرقابل شمارش نیز به صورت مفرد و جمع هستند.

The book is interesting.

The books are interesting.



3- قابلیت جایگزینی با ضمائر مفرد یا جمع:

I'd like that desk. It's better than mine.



It's got shelves as well. They're really handy.



4- قابلیت اندازه‌گیری به صورت وزن یا شمردن را دارند:

– <u>Two kilos of potatoes</u> .	– از نظر وزن :
– It's got <u>three drawers</u> .	– از نظر تعداد :

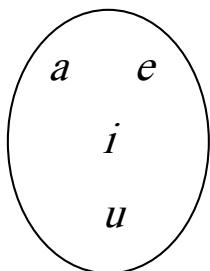
5- می‌توانند با حروف تعریف *a* و *an* بیایند:

a desk / a book

an apple / an ice – cream

* یادآوری:

در صورت وجود حروف صدا دار در اول کلمه از حرف تعریف an استفاده می‌شود.



حروف صدا دار → a e i o u



2- اسامی غیرقابل شمارش: (Uncountable nouns) or (Non – count nouns)

1- به صورت جمع نمی آیند:

$\left[\begin{array}{l} \text{advice} \xrightarrow{\times} \text{advices} \\ \text{data} \\ \text{furniture} \end{array} \right.$

* توجه:

برخی اسامی غیرقابل شمارش در ظاهر شکل جمع دارند (S) اما جمع نیستند:

news – economics – physics

2- فعل مورد نیاز برای اسامی غیرقابل شمارش فقط به صورت مفرد است.

– The natural light is really nice.

3- تنها قابلیت جایگذاری با ضمائر مفرد را دارند.

– what shall we say about the furniture?

– It's very comfortable.

4- قابلیت اندازه گیری وزنی و مقداری را دارند.

– tow kilos of suger

و همچنین با کلماتی مانند *slice of , bit up, cup of, a piece of* و... می آیند:

a piece of information.

5- نمی توان قبل از آن ها از حروف تعریف *a* یا *an* استفاده کرد.



information → an information



tea – weather – trouble – travel – work –
furniture – luggage – accommodation –
garbage – news – traffic – progress – sugar –
equipment – baggage – intelligence – water –
behavior – bread – air – rice – knowledge –



**beauty – anger – love – fear – money –
information – evidence – ice – rain – snow –
heat – noise – cotton – glass – petrol – milk –
butter – cheese – marmalade – toust – meet**



– Some – any:

any و Some قیودی هستند که برای هر دو دسته اسامی (اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش) استفاده می‌شوند.

– Some

Some به‌طور کلی در عباراتی با بار معنایی مثبت استفاده می‌شود.



These are some books above the desk.

– از Some در جملات سؤالی و به‌صورت خاص‌تر در هنگام درخواست و یا پیشنهاد استفاده می‌شود.

would you like some biscuits (۷)

معنای Some = میزانی نامعین (مقدار کم)

It would be great to get some money to help the rent.

* توجه:

(my – the – these – etc)

هنگامی که از Some of همراه با ضمیر یا صفات اشاره دیگر استفاده می‌کنیم به یک

گروه خاص اشاره داریم:

Some of my students have part – time jobs.



Any

از *any* معمولاً در جملاتی به صورت سؤالی و یا جملاتی با بار منفی استفاده می‌کنیم.

⊖
–My desk hasn't got any drawers.

–Has your desk got any drawers (؟)

* توجه:

در صورتی که *Any* در جملاتی مثبت به کار رود به معنای زیر است:

Any = (It doesn't matter who/whitch/where/when)

(یعنی تفاوتی ندارد چه کسی، چه چیزی، کجا و چه زمانی) (اهمیتی ندارد)

–Call me any time if you need further help.

(مهم نیست چه زمانی زنگ بزند تفاوتی ندارد.)

اسم



استفاده از عبارت (*no + noun*) با (*not ... any*) بار معنایی یکسانی دارند:

– My desk has got no drawers. (= my desk hasn't got any drawer)



هنگامی که اسم مورد نظر ما نقش فاعلی دارد می توانیم از no استفاده کنیم:

– No applications had the necessary exprience

for the job. (Any applications)

* توجه توجه

کلماتی مانند *Somebody/Anybody/Anything* و... قواعدی مشابه *some* و *any* دارند.

– برای بیان مقدار و میزان از واژگانه زیر استفاده می کنیم:

How much?
How many?



all (of)

برای اسامی قابل شمارش جمع و اسامی غیر قابل شمارش استفاده می شود

lots of / plenty of / a lot of

many (of)

most (of)

a large / considerable /

substantial number of

برای اسامی قابل شمارش جمع
(مقادیر زیاد)

lots of / plenty of / a lot of

much (of)

most (of)

a large / considerable /

substantial amount of

اسامی غیر قابل شمارش
(مقادیر زیاد)

Some (of) / a certain number of

اسامی قابل شمارش جمع
(مقادیر متوسط)

Some (of) / a ceertain amount of

اسامی غیر قابل شمارش
(مقادیر متوسط)



(a) *few (of)*

a Small / limited / tiny number of

اسامی قابل شمارش جمع
(مقادیر کم)

a little (of)

a Small / limited / tiny amount of

اسامی غیرقابل شمارش
(مقادیر کم)

no / not any / none of

اسامی غیرقابل شمارش

اسامی قابل شمارش جمع
(برای بیان *nothing*)

میزان ناچیز (هیچ)

* تفاوت *a few* و *few*

همان طور که دیدید *few* , *a few* با اسامی قابل شمارش جمع استفاده می شوند.

(تأکید بر وجه منفی دارد - این که تعداد زیادی وجود ندارد)

✓ *few* = محدود ، تعداد اندکی

– *Few* room has such good nataral light.

تعداد کمی اتاق هستند که چنین نور طبیعی داشته باشند.



(تأکید بر وجه مثبت - این که تعداد اندکی وجود دارد)

✓ *a few* = تعدادی ، چند تایی

– we have a few rooms available with a sea view.

چند تایی اتاق با چشم انداز دریا داریم.

* تفاوت *little* و *a little* :

هر دو برای اسامی غیرقابل شمارش استفاده می شوند.

– *little* = نه چندان ، مقدار اندکی ، مقدار کمی

= *not much*

= *not a lot of*

(تأکید بر وجه منفی دارد - این که مقدار زیادی وجود ندارد)

– Little research has been done in this area.

مطالعات اندکی در این ناحیه انجام شده است



✓ *a little* = به مقدار ، مقداری

– *A little* *research has already been carried out in this area.*

(تأکید بر وجه مثبت دارد. این که مقدار کمی وجود دارد)

* نکته:

← *a few of* $\left\{ \begin{array}{l} \text{my ...} \\ \text{the ...} \\ \text{these} \end{array} \right.$ به گروه خاصی اشاره دارد

– *A few of the* *rooms have a sea view.*

* نکته:

a lot of و *lots of* نسبت به *much* و *many* میزان رسمیت کمتری دارند.

* نکته‌ی طلایی

هیچ‌گاه *lots of* را در جملاتی با بار منفی به کار نمی‌بریم.

و همچنین *much* را معمولاً در جملات مثبت استفاده نمی‌کنیم.

– I found *a lot of* *information on the internet.*
~~*much*~~



برخی کلمات با توجه به معنای آن‌ها می‌توانند قابل شمارش یا غیرقابل شمارش باشند.

(*time – cake – room – light*)
(*coffee , paper, glass, etc.*)

غیرقابل شمارش

- *There isn't much room for a desk.*
- = space*
- فضا
- *We have two spare rooms.*

قابل شمارش

- *Do you drink much coffee?*
- U.N*
- *I'd like to order a coffee, please.*
- C.N*



Noun – verbs – adjectives

$\begin{array}{ccccccc} N & & V & & & N & N \\ \text{Steven} & \text{bought} & \text{an} & \text{expensive} & \text{new} & \text{car} & \text{on} & \text{friday.} \\ & & & \diagdown & \diagup & & \text{prepo} \\ & & & & & & \text{Adj} \end{array}$

$\begin{array}{ccccccc} \text{He} & \text{drove} & \text{it} & \text{carefully} & \text{to} & \text{Manchester.} \\ \text{pro} & V & \text{pro} & \text{adv} & \text{prepo} & \end{array}$

Noun	→	N	اسم
Verb	→	V	فعل
Adjective	→	adj	صفت
Pronoun	→	pro	ضمیر
Adverb	→	adv	قید
Preposition	→	prepo	حرف اضافه

**1 – Noun:**

به توصیف اشیاء، انسان‌ها و حیوانات می‌پردازد.

Car – butter – dog – woman – problem

* توجه:

اسامی خاص (مانند اسم افراد یا مکان یا شهر و کشورها و...) با حروف بزرگ نوشته می‌شوند.

Ali – Paris – Hafez Street – Shiraz



2 – Verbs:

فعل موقعیت‌ها و حوادث را توصیف می‌کنند.

work – play – live – See – Stay

* نکته:

ما از افعال کمکی (*auxility verbs*) قبل از دیگر فعل‌ها (*main verb*) استفاده می‌کنیم.

auxilitig verbs = be – have – do – will – can – may – must etc.

– I have seen Ali.
 auxility V
 verb

– They are working hard.

3 – Adjectives:

3- صفات

صفات قبل از اسم برای توصیف اسم می‌آیند.

– We had a wonderful day.
 adj *N*

* نکته:

می‌توانیم بعد از افعالی مانند *Feel , Seem , look , be* از *Adj* استفاده کنیم.

– He is hungry.
 adj

– She looks tired.



- گاهی اوقات قبل از adj کلمه‌ی Very را می‌آوریم.

- He boaght a Very expensive car
adj N

4 - Adverb:

4- قید

به‌طور طبیعی قید را برای توصیف فعل به‌کار می‌بریم.

- She walked quickly. / - He sing well
V adv V adv

* توجه:

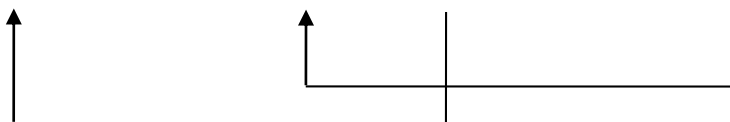
بیشتر قیدها به (-ly) ختم می‌شوند:

Clearly - Slowly etc.

5 - Pronouns:

5- ضمایر جایگزین اسم می‌شوند.

David has a new job. He is ejoying it.





6 – prepositions

6- حرف اضافه:

برای صحبت در مورد زمان و مکان باید از حرف اضافه مناسب استفاده کنیم.

(in , On , at etc.)

– She is at home. مکان

– I'll see you on Monday. زمان



– One / Ones

کاربرد *One* و *Ones* برای جلوگیری از به کار بردن دوباره اسم‌های قابل شمارش است.

– *I have a few rules. the most important one is that I want everyone to feel at home.*



-Articles: a / an / the

-حروف تعریف

در زبان انگلیسی 2 دسته حروف تعریف داریم:

2 – definite articles	(the)	حروف تعریف معین
1 – Indefinite articles	(a , an)	حروف تعریف نامعین

1 – Indefinite articles

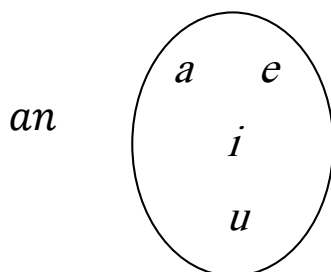
1- حروف تعریف نامعین (a / an)

همان طور که می دانید در زبان انگلیسی حروف به 2 دسته صدادار و بی صدا تقسیم می شوند.

1- حروف صدادار (a , e , o , u , i)

2- حروف بی صدا بقیه حروف زبان En

- (a) : قبل از حروف صدادار از an استفاده می کنیم.



مثال $\left[\begin{array}{l} an \underline{a}pple \\ an \underline{i}ce - cream \end{array} \right.$

*** استثنا : (h)



صدای (our) می‌دهد. → $\begin{cases} \text{an } \underline{h}our \\ a \underline{h}ouse / a \underline{h}orse \end{cases}$

- a : قبل از حروف بی‌صدار a استفاده می‌شود.

$a \underline{b}ook - a \underline{b}ig car$

*** استثنا : (U)

صدای (you) می‌دهد. → $\begin{cases} \underline{a} \underline{u}niversity \\ \underline{an} \underline{u}mbrella \end{cases}$

a / an و The :

ما معمولاً هنگامی که اولین بار درباره‌ی فرد یا چیزی صحبت می‌کنیم از a / an استفاده می‌کنیم.

* نکته a / an برای اسامی قابل شمارش به‌کار می‌روند (مفرد)

و هنگامی که در مورد همان فرد یا چیز برای بار بعدی صحبت می‌کنیم از The استفاده می‌کنیم.

$We \text{ met } \underline{\underline{a}} \text{ new member in the group yesterday.}$

$\underline{\underline{The}} \text{ member is 23 years old.}$

* کاربردهای خاص a / an و The

- برای بیان مقدار، بها و ارزش و سرعت از a / an استفاده می‌کنیم.



– It costs 2\$ a litre.

– I drink about three cups of coffee a day.

– You're driving at ninety miles an hour.

– قبل از *thousand, hundred* و *million* از *a / an* استفاده می‌شود.

– برای صحبت در مورد مشاغل از *a / an* استفاده می‌کنیم.

– I'm a bank manager.

– وقتی فقط یک مورد از چیزی داریم از *The* استفاده می‌کنیم.

– May I Turn on the TV?

* فقط یک *TV* در اتاق است.

– با آلات موسیقی the می‌آید.

I play the guitar.

– هنگام به‌کار بردن اسامی منحصر به‌فرد از *the* استفاده می‌کنیم.

The sun/ the moon / the earth

– استفاده از *The* برای اسم‌هایی که حاوی کلمات *kingdom, states* و *republic*

هستند.

The Islamic Republic of Iran.

جمهوری اسلامی ایران

– برای اسامی کشورهایی که به‌صورت جمع هستند.

The philippines

فیلیپین

The Times

– برای روزنامه‌ها *the* استفاده می‌شود:



- کاربرد رایج دیگر the در مورد صفات عالی است. (در دروس بعد توضیح داده خواهد شد).

He is the best runner in the world.

- *the* با کلمات قابل شمارش و غیرقابل شمارش مفرد و جمع استفاده می‌شود.

The book / The books

The water /

* نکته:

- در اصطلاحات ثابت از حروف تعریف برای اسامی استفاده نمی‌شود.

I go to school by bus.

I met him at college.

- هنگامی که به‌طور کلی صحبت می‌کنیم از حروف تعریف استفاده نمی‌کنیم.

زندگی می‌تواند لذت‌بخش باشد. - *Life can be enjoying.*

(زندگی در معنای کلی)

- برای خاص از حروف تعریف استفاده نمی‌کنیم. *(Reza - Jack / Iran - New York)*



اسامی شهرها - کشورها - غذاها - خیابان - دریاچه‌ها - فرودگاه‌ها و ...

- وقتی کلمه‌ی *(Language)* را به‌همراه اسم زبانی خاص *(Arabic - En و ...)* به‌کار

می‌بریم حتماً باید از حروف تعریف معین استفاده کنیم.

- *The English language*

- از *a / an* برای توصیف افراد و اشیاء استفاده می‌کنیم.

- *They have a beautiful house.*



Plural nouns:

اسامی جمع:

- به صورت عمومی و کلی با اضافه کردن s به آخر اسم‌ها به صورت جمع درمی‌آیند.

مفرد	جمع
a cup	Some <u>cup</u> s
one Student	Four <u>Student</u> s

* نکته:

1- کلماتی که به $-s$, $-ss$, $-sh$, $-ch$ و $-x$ ختم می‌شوند در حالت جمع با -es می‌آیند.

bus → buses box → boxes
 glass → glasses
 wish → wishes
 watch → watches

* 2- هنگامی که کلمه‌ای به حروف بی‌صدا و $-y$ ختم می‌شود در هنگام جمع شدن -es می‌گیرد.

city → cities
 family → families

3- کلماتی که به $-f$ و $-fe$ ختم می‌شود فرم جمع آن‌ها با -ves می‌آید:

leaf → leaves
 life → lives

4- تعداد اندکی از کلمات که به $-o$ ختم می‌شوند در حالت جمع -es می‌گیرند.

potato → potatoes hero → heroes



tomato → tomatoes

kilos – photos – zoos

اما بیشترشان S - می گیرند:

- برخی کلمات در حالت جمع فرم بی قاعده دارند.

tooth → teeth

person → people

man → men child → children woman → women

foot → feet mouse → mice sheep → sheep

fish → fish

- *Adjective*:

همان طور که قبلاً بیان شد از صفت برای توصیف افراد و اشیاء استفاده می‌کنیم.

old – small – rich – cheap – friendly

– My home town is small and friendly.

* توجه:

فرم و حالت نوشتاری *adj* هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند.

[a rich man
a rich woman
two rich men

– از *Adjective* در چه جایگاهی استفاده می‌شود؟

– قبل از اسم:

I saw a beautiful cat.
 adj N

– بعد از *be*:

The are hungry.
 be adj

* توجه:

گاهی اوقات از افعال زیر به جای *be* استفاده می‌کنیم.

look – feel – taste – smell – sound

– she looks happy / – I feel cold
 adj adj



کاما

اگر بخواهیم 2 صفت قبل از اسم استفاده کنیم باید از (،) بهره بگیریم:

He's a nice , old man.

اما اگر صفت را بدون اسم به کار ببریم از and استفاده می‌کنیم:

You look tired and hungry.

* نکته‌ی طلایی (به ترتیب قرار گرفتن صفات) –order

باید بدانید که هنگامی که بیش از یک صفت داریم باید آن‌ها را طبق ترتیب خاصی قرار دهیم:

ارزش (کیفیت) – اندازه – سن یا دما – شکل – رنگ – ملیت یا ریشه – جنس

– کیفیت: *charming – lovely*

– اندازه: *small – huge*

– سن یا دما: *cold – young*

– شکل: *round – square*

– رنگ: *red – black*

– ملیت یا ریشه: *swedish – Iranian*

– جنس: *silver – wooden*

– *Some small round plastic papers.*

– *A lovely old red post – box.*

* تخته: تعدادی از ملیت‌های مهم و رایج در زیر آمده است:



American / German / Spanish / Polish / French
South African / Dutch / Greek etc.

– Adjectives : –ed or –ing

به دو صورت می‌توان *adj* ساخت.
 + – de
 + – ing

– از صفاتی که به *–ed* ختم می‌شوند برای توصیف حالت افراد استفاده می‌کنیم:

– Ann is very frightened.
 - subj

– از صفاتی که به *–ing* ختم می‌شوند برای صحبت در مورد فرد یا چیزی که باعث ایجاد

حس خاص در ما می‌شود صحبت می‌کنیم:

– The ghost was very frightening.
 - subject

ghost باعث احساس ترس شده است.

– We are all surprised by the news.

– The news is surprising.



Comparative adjective

–short adjective (صفات یک بخشی)

Adjective (صفت)	صفت تفضیلی (comparative)
Old	Older
Long	Longer
New	Newer
Big	Bigger

–I'm older than sara

–long adjective (صفات 2 بخش یا بیش تر)

Adj	Comparative
Famous	More famous
Careful	More careful

–Golzar is more famous than Mohamadzadeh.

– صفاتی که به y – ختم می شوند :

happy → happier

–she is happier than you.

– صفات بی قاعده

good → better

bad → worse

–This hottel is better than that one.

– برای مقایسه از than + Comparative adj استفاده می کنیم.

–Tam is richer than paul.

–The new car is better than my old one.



–Paris is more beautiful than london.

–Superlative adjective

صفات برتر (عالی):

–short adjective

(صفات یک بخشی)

Adj صفت	Superlative صفت برتر
Warm	The warmest
Tall	The tallest
Big	The biggest

– long adj

(صفات با 2 بخش یا بیشتر)

Adj صفت	Superlative صفت برتر
famous	The most/least famous
careful	The most/least careful

صفاتی که به y- ختم می شوند:

easy → the easiest

صفات بی قاعده -

good → the best

bad → the worst

* توجه

معمولاً قبل از صفات برتر از the استفاده می کنیم.



* نکته:

- برای بیان مکان بعد از صفات برتر از i استفاده می‌کنیم. (~~of~~)

—The richest man in England.

- همیشه بعد از صفات برتر از اسم استفاده نمی‌کنیم:

—which table did you buy ?

—The most expensive.

- بعد از صفات برتر معمولاً از حال کامل یا *ever* استفاده می‌کنیم:

—That was the best film I've ever seen.



– Adverbs:

همان طور که قبلاً گفته شد قیدها برای وصف و شرح افعال مورد استفاده قرار می گیرند. به عبارت دیگر توضیح این که یک فرد یا یک چیز (شی) چگونه کاری را انجام داده از قیود استفاده می کنیم. در ابتدا مقایسه ای بین *adv* و *adj* داریم:

صفت	قیود
<i>easy</i>	<i>easily</i>
<i>careful</i>	<i>carefully</i>

– He plays the violin beautifully. : *adverb*

– That violin is beautiful. : *adj*

– نحوه ی ساختن قیدها (*Adverbs*)

1- به حالت کلی با افزودن *-ly* به صفات، قید (*adv*) ساخته می شود.

slow → *slowly* *bad* → *badly*

* نکته:

– اگر *adj* به *-y* ختم شد برای تبدیل به صفت از *-ily* استفاده می کنیم.

happy → *happily* *easy* → *easily*

– اگر *adj* به *-ble* ختم شد برای تبدیل به *adv* از *-bly* استفاده می شود.

Comfortable → *Comfortably*



2- برخی قیودی بی قاعده هستند.

adj adv

good → well

– He is a ^{adj} good guitar player.

– He plays it guitar well.
adv

3- برخی کلمات فرم یکسانی در حالت adj و adv دارند:

fast → fast

hard → hard

– Jame is a ^{adj} hard worker.

– Jame works hard.
adv

(Comparative)

– برای مقایسه در مورد قیود باقاعده از less / more استفاده می‌کنیم.

carefully → more / less Carefully

– You should do your work more carefully.

– she does her mork less carefully than other people.

– حالت مقایسه‌ای قید well ، better است.

– she speaks Arabic better than me.

– حالت مقایسه‌ای قید fast و hard به ترتیب faster و harder می‌باشد.

– You will have to work harder in future.

(Suprelative)



* برای بیان حالت عالی قیود (Suprelative) در مورد قیده‌های باقاعده از *the most* و

the least استفاده می‌شود:

more efficiently → *the most efficiently*

In the office, Alan does his work the most efficiently

- حالت برتر *well* ← *the best* می‌باشد.

the worst ← *badly* و

– *Which member of the team played the best*

and who played the worst ?

- حالت برتر *fast* و *hard* به ترتیب *the fastest* و *the hardest* می‌باشد.

– *who works the hardest in your class?*

– *Adverbs of frequency:*

قیود تکراری

همان‌طور که از اسمشان مشخص است ما از قیود تکرار استفاده می‌کنیم تا بگوییم چند بار

کاری را انجام می‌دهیم:

<i>never</i>	0%	<i>always</i>	100%
<i>hardly ever</i>	5%	<i>usually</i>	90%
<i>rarely</i>	10%	<i>normally</i>	80%
<i>sometimes</i>	30%	<i>often</i>	70%

– *she always has a cup of tea at breakfast.*

– *she never walks to work.*



قیود تکرار بعد از یا افعال کمکی (*have, must* و ...) و قبل از فعل اصلی (*main verb*)

به کار می‌روند.

– He is always late.

– You must never swim after a big meal.

I usually walk to work.
main verb

– اگر بخواهیم به طور دقیق بیان کنیم چند وقت یکبار کاری را انجام دادیم از عبارات زیر استفاده خواهیم کرد: (در آخر جملات)

every ... once a ... twice – two times a ...

three times a ... four times a ...

– I play tennis once a week.

– She drinks coffee three times a day.

– He drives to London twice a month.

Adverbs: place, direction, sequence :

– قیود مکان، توالی

– here = این جا



– Come here , I want to speak to you.

– here = آن جا

– Stay there , I'll come and get you.

– over here و over there در حالت محاوره‌ای (غیررسمی) استفاده می‌شود.

– Come over here and sit down.

اسامی برخی از قیود مکان معروف در زیر نوشته شده است:

– abroad = (خارج از کشور) – ahead – away – back

– downstairs/upstairs – in/out – inside/outside

nearby – forward (s)/backward (s)/sideways

– He walked out , saying that he couldn't stay.

– the queue slowly moved forward (s).

* برای آدرس دادن از عبارات قیدی زیر استفاده می‌کنیم:

straight on/ahead – turn left/right

on the left/on the right – to the left/right – as far as

– Go straight on. when you come to the trafic lights, turn right. the first road on tle left is the one you want.

* وقتی می‌خواهیم در مورد چند رخدادی که یکی پس از دیگری (توالی) رخ داده‌اند صحبت

کنیم از قیود زیر استفاده می‌کنیم:

first (ly)/first of all , second (ly), third (ly)etc.

last (ly), finally



* می‌توانیم به جای استفاده از *second(ly)* و *third(ly)* از عبارات قیدی زیر برای بیان

توالی استفاده کنیم:

then, next, afterwards, after that

– *Firs of all I went to Tehran, after that I*
spent some time in Karaj.



– Adverb + Adjective

– قید + صفت

برای این که صفتی را به صورت قوی تر نشان دهیم می توانیم از یک قید قبل آن استفاده کنیم.

$$\left[\begin{array}{l} \text{adj} \\ \text{It was } \underline{\text{cold}}. \\ \text{It was } \underline{\text{very}} \underline{\text{cold}}. \\ \text{adv} \quad \text{adj} \end{array} \right.$$

قیودی که در این حالت استفاده می شوند مانند:

very, extremely, really.

– I'm really angry with you

خیلی عصبانی هستم

– ما هم چنین می توانیم با استفاده از همان ساختار بالا (استفاده از قیودی خاص قبل از

صفت) صفت را ضعیف تر نشان دهیم.

fairly, quite, rather

– Our car is fairly old.

ماشین قدیمی است اما نه خیلی قدیمی

– The meal was quite nice.

خوبه اما فوق العاده نیست.

Positions of adverbs in a sentence:

جایگاه قیود در جمله:

– 4 جایگاه برای قیود در جملات وجود دارد:

– Sometimes she gets very tired.

1– قبل از فاعل:

– I sometimes read biographies.

2– بین فعل و فاعل:

3– بین افعال *modal* و یا افعال کمکی و فعل اصلی جمله:

– I can sometimes play this game very well.



–He makes me angry Some times.

4- در انتهای عبارات و جملات:

–He makes me angry Some times.

* توجه:

همه‌ی انواع قیدها در 4 موقعیتی که در بالا گفته شد قرار نمی‌گیرند.

– قیدهایی مانند (definitely, certainly, probably) در موقعیت زیر استفاده

می‌شوند:

1- بین فاعل و فعل مثبت:

==

–Jane probably knows the answer.

2- بعد از افعال modal و کمکی مثبت:

==

–They'll probably win.

3- قبل از افعال modal و کمکی منفی:

==

–They probably won't win.

– قیدهایی (completeness) (مانند nearly, almost و...) را به‌صورت زیر استفاده

می‌کنیم:

– He almost died.

1- بین فاعل و فعل:

2- بعد از افعالی کمکی یا مدال modal :

– I've nearly finished.



- برخی قیدها که تأکید کننده‌ی عبارات هستند مانند (*also, only, just, even*) را در

2- موقعیت زیر به کار می‌بریم:

1- بین فاعل و فعل:

- *She was rude and she even laughed at me.*

2- بعد از افعال *modal* یا کمکی:

- *I'm only joking.*

* نکته:

توجه کنید که *just* را قبل از حالت منفی افعال *modal* و یا کمکی استفاده می‌کنیم:

- *I just don't understand why it happened.*

* نکته‌ی تکمیلی:

همه انواع قیدها بعد از افعال *be* می‌آیند.

- *She is probably at work now.*

- از *too* و *either* در انتهای جملات استفاده می‌کنیم:

بعد از 2 فعل مثبت بعد از 2 فعل منفی

- *Jack earns a lot and he spends a lot, too.*

- *I don't like dogs and I'm not keen on cats either.*



- قیدهایی که به توصیف چگونگی رخداد موردی می‌پردازند را در حالات زیر استفاده

می‌کنیم: (مانند: *carefully, quickly, badly, well* و...)

– Please drive carefully.
V

1- بعد از فعل:

– I read the letter carefully.
obj

2- بعد از مفعول:

- قیدهای زمانی مانند: (last Monday , in the morning , during the holidays)

در ابتدای جمله یا انتهای جملات و عبارات به‌کار می‌بریم:

– Last saturday I had a great time.

– I had a great time last saturday.

* نکته‌ی طلایی:

اگر در جمله بیش‌تر از یک قید داشتیم به‌ترتیب زیر را رعایت می‌کنیم:

حالت *manner* → *place* → *time*.

– He was working hard in his office last night.



–Too and enough:

← بیش از حد too

– The case is too heavy. He can't carry it.

1 – Too + adjective

کاربرد Too:

– I'm too tired.

2 – Too many + اسمی جمع

Too many people

3 – Too much + اسمی غیر قابل شمارش

Too much work

* برای بیان علت این که فردی نمی تواند کاری را انجام دهد از ساختار زیر استفاده می کنیم:

too+ — +to + infinitive

–She is too young to drive. او نمی تواند رانندگی کند چون خیلی کم سن است.

← اندازه ی کافی / به مقدار مورد نیاز enough

–This small case isn't big enough

کاربرد enough:

1 – Adjeative + enough

Is this room warm enough ?

2 – enough + اسمی جمع



enough potatoes

اسامی غیر قابل شمارش + *enough* – 3

enough time

* برای بیان عدم توانایی یک فرد در انجام کاری از ساختار زیر بهره می‌جوئیم.

not — enough + to + infinitive

she isn't old enough to drive.

او به اندازه‌ی کافی بزرگ نیست که رانندگی کند.



So and Such

برای تشدید کردن صفات از *So* و *Such* بهره می‌گیریم:

So -

So را قبل از صفت و قید به کار می‌بریم:

adj

—This tea is So sweet.

—They get up So late.

adv

— می‌توانیم *So* را با *many* و *much* نیز به کار ببریم:

—*So many* + اسمی جمع (*So many people*)

— *So much* + اسمی غیر قابل شمارش (*So much work*)

اسم مفرد + *such a/an*

such a/an

از *such* قبل از اسمی جمع و یا اسمی غیر قابل شمارش نیز استفاده می‌کنیم.

Adj + N

—It was such an amazing car.

—That was such excellent food.

—He has such big feet.

— می‌توانیم از *such* با *a lot of* استفاده کنیم.

1 — *such a lot of* + اسمی جمع

—*such a lot of people*



اسامی غیر قابل شمارش + *such a lot of* 2 –

– *such a lot of work*.

* نکته‌ی تکمیلی

گاهی اوقات با استفاده از *So* و *such* می‌توانیم نتیجه‌ی کاری را شرح دهیم:

نتیجه

– *It was such a dark night that we didn't see him.*

نتیجه

– *He arrived so late , he missed his plane.*



–Comparing things:

– مقایسه کردن:

–Comparing adjectives:

صفات مقایسه‌ای:

صفاتی که برای مقایسه استفاده می‌شوند به دو صورت صفات تفضیلی (comparative adj) و صفات عالی (superlative adj) هستند.

adjective (صفت)	comparative (صفت تفضیلی)	supralative (صفت برتر)
hard = یک بخشی	adj + -er = harder	the + adj + -est = the hardest
nice = یک بخشی مختوم به -e	adj - r = nicer	the + adj + -st = the nicest
fat = یک بخشی مختوم به حروف بی صدا و صدادار	adj (دو بل نشدن حرف بی صدا آخر) + er = <u>fatter</u>	the + adj (دو بل بی حرف صدا) + -est = the fattest
happy = دو بخشی مختوم به -y	adj - y + ier = happier	the + adj - y + iest = the happiest
enjoyable = دو بخشی یا بیشتر	more + adj = more enjoyable	the most + adj = the most enjoyable
good : بی قاعده‌ها bad far	better worse further/farther	the best the worse the furthest/farthest

– Comparative adj

– صفات تفضیلی:

از صفات تفضیلی برای مقایسه 2 یا تعداد بیش‌تری از اشیا و افراد و مکان استفاده می‌کنیم:



– Younger runners will always be faster than older runners.



همچنین از این صفات برای مقایسه دو چیز یا فرد یا مکان یکسان در بازه‌های زمانی مختلف استفاده می‌کنیم:

I'm much fitter than I was last year.

* نکته:

از واژه‌ی *than* پس از صفات تفضیلی برای نشان دادن این‌که ما

با چه چیزی در حال قیاس هستیم استفاده می‌کنیم.

* توجه:

گاهی اوقات عبارتی حاوی *than* قابل حذف است (وقتی از محتوای متن مشخص باشد با چه چیزی مقایسه می‌کنیم).

– Older athletes are getting faster and fitter.

(نسبت به گذشته *than in the past*)



Superlative adjective

صفات عالی

هنگامی که می‌خواهیم بگوییم یک فرد، مکان یا شی‌ای بالاتر، بهتر، قوی‌تر از اعضای یک گروه است از صفات عالی استفاده می‌کنیم.

– *The olympics is probably the most exiting sports event in the sport calendar.*

* می‌توانیم صفات عالی را به شکل زیر استفاده نماییم:

① اسم جمع + صفت عالی + *one of the / Some of the*

– *Tamsin is one of the most generous people I know.*

② صفاغت عالی + اعداد + ترتیبی

(ordinal number)

– *Our team was the third best in the competition.*

* نکته:

می‌توانیم به جای *the* از صفات ملکی (*possessive*) نیز استفاده کنیم:

my best friend / his greatest achievement.



Comparing adverbs:

قیده‌های مقایسه‌ای

- با استفاده از ترکیب زیر می‌توانیم چگونگی رخدادها را مقایسه کنیم:

more / most + adv

Women aged 60 to 68 improved the most markedly.

- همچنین در مورد قیدهایی که شکل یکسانی با فرم صفت دارند
er / -est (hard – fast – quick – late etc) را اضافه می‌کنیم.

- *Women aged 60 to 68 run on average four
 minutes faster each year.*

- و همچنین تعدادی قید بی‌قاعده هم وجود دارند مانند:

(best, better, well, little, furthest, further, far, worst, worse, badly, least, less.)

- *I did worse than I had expected in the exam, so I was disappointed.*

- روش‌های دیگر مقایسه کردن:

- از کلماتی مانند *less / the least* در مقابل *more / the most* برای مقایسه استفاده می‌کنیم.

- *That was probably the least enjoyable meal
 I've ever had !!*

- برای تأکید بیشتر می‌توان از ساختار زیر استفاده کرد.

1. *even, far, a great deal, a little, alot, much + comparative*

- *Older women showed much greater in creases in speed
 than expected.*



- در حالات رسمی

2. *sightly, considerable, significantly + comparative.*

– The figure for 2003 were significantly higher than those for the year 2000.

* توجه توجه:

هیچ‌گاه به همراه صفات تفضیلی *very* نمی‌آید.

~~Very lower~~

- برای نشان دادن این‌که دو چیز مانند هم هستند (شبیه) از فرم زیر استفاده می‌کنیم:

as + adj/adv + as

– My car is ^{adj} as old as yours. (دو ماشین یک سال تولید شدند)
//—————//

^{adv}
– Older athletes are as likely to achieve their peak fitness as younger athletes.
//—————//

- می‌توان به ساختار بالا کلمات *nearly, half, almost, just* و *twice* و

three times و... را هم اضافه نمود.

– He can run twice as fast as the others in his team.



– همچنین برای نشان دادن تفاوت بین دو چیز کافیست قبل از ساختار بالا not بیاوریم:

– *While they may not be as fast as their younger counterparts.*

– با تکرار کردن صفات تفضیلی می‌توانیم تغییر در رخداد یک اتفاق در طول زمان را نشان دهیم.

– *Each year athletes seem to be getting better and better.*

– برای نشان دادن عوض شدن و یا تغییر کردن 2 شیء در یک زمان مشخص از ساختار زیر استفاده می‌کنیم.

the + comparative + the + comparative

– *The sooner the better.*

– *Comparing quantities*

<i>Quantifier</i> صفات شمارشی	<i>Comparative</i> صفت تفضیلی	<i>Superlative</i> صفت عالی
<i>a lot / much / many</i>	<i>More</i>	<i>The most</i>
<i>a few</i>	(اسامی قابل شمارش <i>fewer</i> (+ جمع))	(اسم قابل شمارش <i>the fewest</i> (+ جمع))
<i>a little</i>	(اسامی غیرقابل <i>less</i> (+ شمارش))	(اسامی غیرقابل <i>the least</i> (+ شمارش))

– *Today's top sportspeople receive a lot more money than in the past.*

– *25 years ago few 60 – year – old men and even fewer women would have considered running a marathon.*



– There used to be less information available about fitness.

– برای تأکید بیشتر از ساختارهای زیر استفاده می‌کنیم:

1 – a lot / many + more / fewer + plural countable noun

اسامی قابل شمارش جمع

– Increased sponsorship has given today's athletes
many more opportunities to succeed.

2 – a lot / much + more / less + uncountable noun

کلمات غیرقابل شمارش

– Today's athletes need to do much more training than in the past.

3 – fewer / less / more

با تکرار کردن

– So much in our society is about making more and more money.

– برای بیان این‌که دو چیز به هم شبیه هستند و یا از هم متفاوت از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

(not) as many / much + plural / uncountable noun (+as)

– There aren't as many people doing sport at school.

(as there used to be)

(as) دوم به دلیل مشخص بودن ادامه‌ی جمله حذف می‌شود).



* نکته تکمیلی:

می‌توان برای نشان دادن شباهت دو چیز از کلمات *Similar to, the same (as), like* استفاده کرد.

–He swims like a fish.

–This film is Similar to this director's last one.



Demonstrative: *this, that, these, those*

ضمایر اشاره:

همان طور که می دانید ضمایر به صورت جانشینی برای اسم استفاده می شوند.
از ضمائر اشاره به جای اسامی افراد یا اشیاء ای که قبلاً ذکر شده اند استفاده می کنیم.
(و یا هنگامی که با دست به آن فرد یا شیء اشاره داریم).

حال بسته به این که $\left(\begin{matrix} \text{جسم} \\ \text{یا فرد} \end{matrix} \right)$ مورد نظر ما نزدیک یا دور است.

	جمع	مفرد
اشاره به نزدیک	$This (N) \rightarrow These (N)$	
اشاره به دور	$That (N) \rightarrow Those (N)$	

همان طور که مشاهده می کنید بعد از ضمایر اشاره، اسم (noun) می آید.

- *Thoes apples are delicious.*
- *This exercise is difficult.*
- *I like this painting.*

اما همان طور که در ابتدا اشاره شد ما از ضمایر اشاره بدون اسم هم استفاده می کنیم اما هنگامی که منظور ما روشن باشد.

- *A student has just finished his home work, and he says to
and he says to his friend.*



– That was easy.

به *homework* بر می‌گردد جا

* نکته:

در مورد اتفاقاتی که هم اکنون رخ داده‌اند از *this/these* استفاده می‌کنیم. (چون به ما نزدیک هستند).

John (at the concert)

– Some of these songs are beautiful.

ولی در مورد اتفاقاتی که به پایان رسیدند از *that / those* استفاده می‌شود.

John (after hearing the concert)

– Some of those songs were beautiful.



Possessives adjective

- صفات ملکی:

صفات ملکی نوعی دیگر از ضمایر انگلیسی هستند و جایگزین اسم می‌شوند. همان‌طور که از اسمشان مشخص است برای بیان مالکیت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ضمیر فاعلی	صفت ملکی
<i>I</i>	<i>My</i> مال من
<i>You</i>	<i>Your</i> مال تو
<i>He</i>	<i>His</i> مال او (مذکر)
<i>She</i>	<i>Her</i> مال او (مؤنث)
<i>It</i>	<i>Its</i> مال آن
<i>We</i>	<i>Our</i> مال ما
<i>You</i>	<i>Your</i> مال شما
<i>They</i>	<i>Their</i> مال آنها

* نکته:

possessive + اسم
adj Noun



مثال: $\overset{N}{\text{Our}} \text{ blue planet}, \overset{N}{\text{their}} \text{ children}$

نحوه‌ی دیگر نشان دادن مالکیت استفاده از (S) مالکیت (S') و (S') است.

Ali's book

* نکته:

باید توجه کنید که (S') فقط برای اسامی مفرد یا اسامی جمع می‌بی‌قاعده استفاده می‌شود.

– *Eroup's teclmalogical showpiece*

– *The children's toys*

* از ساختار (S') برای مالکیت اسامی جمع با قاعده استفاده می‌کنیم.

– *my parents' house.*

اما باید بدانید که ما بیشتر از ترکیب (noun + of) به جای (S') هنگامی که به چیزی غیر

از انسان و حیوان اشاره می‌شود استفاده می‌کنیم:

– *The price of the hotel* (~~the hotels's price~~)

$\underset{N}{\text{price}}$



possessive pronouns

– ضمایر ملکی:

همان‌طور که مشخص است برای نشان دادن مالکیت استفاده می‌شوند و به افراد کمک می‌کنند تا از تکرار جلوگیری نمایند.

ضمایر ملکی	ضمیر فاعلی
مال من	<i>I</i>
<i>Mine</i>	
مال تو	<i>You</i>
<i>Yours</i>	
مال او (مذکر)	<i>He</i>
<i>His</i>	
مال او (مؤنث)	<i>She</i>
<i>Hers</i>	
مال آن	<i>It</i>
<i>Its</i>	
مال ما	<i>We</i>
<i>Ours</i>	
مال شما	<i>You</i>
<i>Yours</i>	
مال آنها	<i>They</i>
<i>Theirs</i>	

– *This car belongs to me.*

It is my car / It is mine.

– *My flat is in the centre of town. where's yours?*

* نکته

معمولاً از ضمایر ملکی در جملات مقایسه‌ای استفاده می‌کنیم.

– *Our cat is smaller than theirs.*



- از ساختار زیر برای صحبت در مورد یک نفر از افراد یا اشیاء استفاده می‌کنیم:

a / some + noun + of + possissive pronoun

- *I went to the club with a friend of mine.*

(یکی از دوستان من)

* توجه:

قبل از ضمائر ملکی و صفات ملکی *a / an* یا *the* نمی‌آید:

It's ~~a~~ my bay. / They're ~~the~~ ours

* نکته‌ی طلایی

باید تفاوت *its* و *it's* دقت کنید:

- *I've got a new dog. Its nane is pluto.*

- *It's cold today.*

صفت ملکی

It is



Reflexive pronouns:

– ضمائر انعکاسی:

نشانه‌ی ضمائر انعکاسی *self* و *selves* می‌باشد.

ضمیر شخصی	ضمیر انعکاسی	
<i>I</i>	<i>Myself</i>	خودم
<i>You</i>	<i>Yourselves</i>	خودت
<i>He</i>	<i>Himself</i>	خودش (مذکر)
<i>She</i>	<i>Herself</i>	خودش (مؤنث)
<i>It</i>	<i>Itself</i>	خودش
<i>We</i>	<i>Ourselves</i>	خودمان
<i>You</i>	<i>Yourselves</i>	خودتان
<i>They</i>	<i>Themselves</i>	خودشان

– Jenny made herself a cup of coffee.



او برای خودش قهوه تهیه کرد.



1- برای اشاره به فاعل استفاده می‌شوند:

Subjeat
-Be careful. You might hurt yourself.

- I bought myself a new shirt.
فاعل

2- برای تأکید بر این نکته که خود فاعل کننده‌ی کار است نه فرد دیگری:

-He built the whole house himself.

خودش به تنهایی خانه را ساخته است (بدون کمک دیگران)

* کلمه‌ی *each other* :

-Tom and Sue were talking to each other.

(با یکدیگر صحبت می‌کنند.)

- تفاوت *each other* و *themselves* :

-Alan and Ruth took these photographs themselves.

(خودشان عکس گرفتند.)

-Alan and Ruth took photographs of each other.

(از یکدیگر عکس گرفتند.)



گرامر رو قورت بده !



– Most of the children at my school play football.

* نکاتی در مورد *all* :

1- برای اضافه کردن all به اسم نیازی به *of* نداریم اما برای اضافه کردن به ضمائر به *of* نیاز است.

[*All the children ...*
[*All of them ...*

2- هنگامی که all به قبل از یک اسم مفرد قرار می‌گیرد به زمان برمی‌گردد و معنای متفاوتی ایجاد می‌کند.

– *I worked hard all day.*

یک روز کامل سخت کار کردم.

– *I worked hard every day.*

هر روز سخت کار می‌کردم.



I and me (subject and object pronoun)

(فاعل و ضمائر مفعولی):

فاعل	ضمير مفعولی
<i>I</i> مفر	<i>Me</i>
<i>You</i>	<i>You</i>
<i>He</i>	<i>Him</i>
<i>She</i>	<i>Her</i>
<i>It</i>	<i>It</i>
<i>We</i> جمع	<i>Us</i>
<i>You</i>	<i>You</i>
<i>They</i>	<i>Them</i>

* ما در زبان انگلیسی در هر جمله یک فاعل داریم.

–Mary saw peter and paul.

–Mary saw them. ↪

–I saw Sherila yesterday , but she didn't see me.

–Why don't you come with us ?



* از *it* برای اشیا و، آبوهوا، زمان، روز، تاریخ، فاصله و حیوانات استفاده می‌شود:

—*It's a difficult subject*

—*It's hot today.*

—*It's 200 miles to New York.*

—*Look at the bird ! It's eating the bread.*

Subject and object pronouns:

ضمایر فاعلی و مفعولی:

در زبان ضمایر دو دسته فاعلی و مفعولی تقسیم می‌شوند.

<i>Subject</i>	<i>Pronouns</i>
<i>I</i>	من
<i>You</i>	تو
<i>He</i>	او (مذکر)
<i>She</i>	او (مؤنث)
<i>It</i>	آن
<i>We</i>	ما
<i>You</i>	شما
<i>They</i>	آن‌ها

ضمایر فاعلی

– کننده‌ی کار هستند.



–There Or it/they

هنگامی که در مطالعه در مورد چیزی برای بار اول صحبت می‌کنیم از *There is/are* استفاده نمی‌کنیم. و برای اشاره به همان چیز در بار دوم از *there* استفاده نمی‌کنیم. (they/it)

–There are two schools here ; They are both new.

–There's a good programe of sunday ; it gives all the sport news.

* نکته:

بعد از *There* انواع مختلف افعال *be* به کار می‌رود.

–*There* weren't any CDs thirty years ago.

–*There* used to be a park here.

–*There* may be some eggs in the fridge.

– از *thers is/are* برای صحبت در مورد تعداد افراد یا اشیاء موجود در یک جا بهره می‌گیریم.

A: How many people were there at your party ?

B: There were about twelve.

* نکته:

بعد از اعداد می‌توانیم از *of us* یا *of them* استفاده کنیم.

–*There* were about twelve of us.

* برای صحبت در مورد آب و هوا از *it* با فعل و صفت استفاده می‌کنیم و از *there* با اسم.



—It + verb

—It rained lot last year.

—It + adj

—It was sunny.

—There + noun

There was a lot of cloud.

* نکته:

← صحبت در مورد مدت زمان مورد نیاز برای انجام کاری: *it takes*

—It takes seven years to become a doctor.



–both, neither, either, none

<i>both</i>	= هر دو
<i>neither</i>	= نه این نه آن ، هیچ یک
<i>either</i>	= این و آن ، هر یک از دو تا
<i>none</i>	= هیچکدام

both, neither, either به 2 فرد یا 2 شیء اشاره دارد.

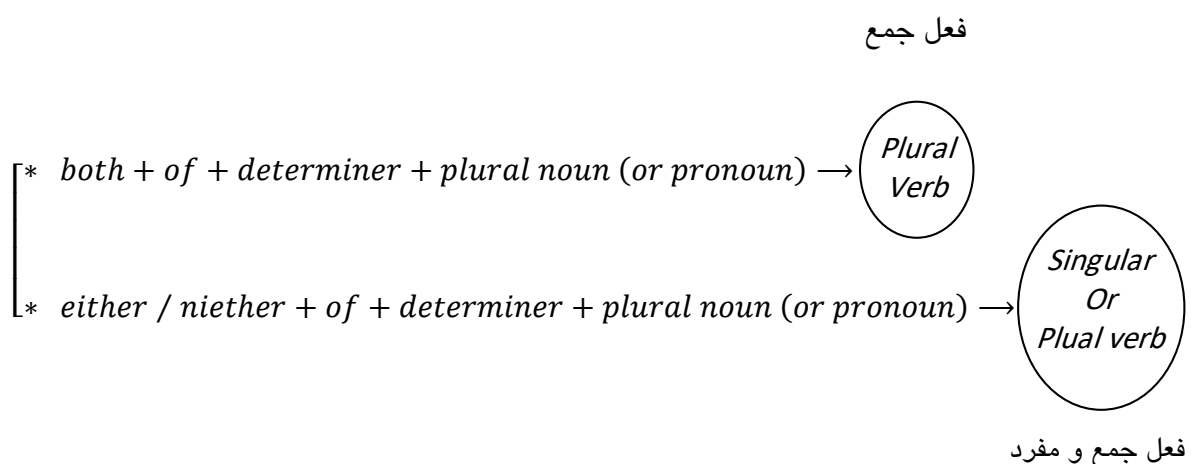
<i>both</i> +	اسامی جمع
<i>neither / either</i> +	اسامی مفرد

–Both satellites were launched in the 1990s.

–Neither person knew very much about Envisat before the conference.

–I don't mind where we go. Either restaurant is fine.

* توجه توجه:





– Neither of my sisters live / lives in the some town as me.
~~~~~

– Both of them are married.  
~~~~~

~~is~~

هیچیک، هیچکدام (برای noun فعل جمع یا مفرد می آید) * نکته: Not one = None

– None of our contries is / are able to ignore him.
~~~~~



## The naun phrase:

عبارات اسمی گروهی از کلمات هستند که اسم به عنوان بخش اصلی این گروه مطرح است.

اطلاعاتی که می‌خواهیم در مورد آن اسم بدهیم می‌توانند قبل یا بعد از اسم مورد نظر بیایند.

\* اگر بخواهیم اطلاعات را قبل از اسم بیاوریم از موارد زیر بهره می‌جویم.

N

– This horrible rubbish

– ضمیر یا صفت اشاره

– a rich habitat

N

– صفت یا قید

\* اگر بخواهیم اطلاعات را بعد از اسم بیاوریم به صورت زیر عمل می‌کنیم:

– an abundance of creatures.

– گروه قیدی (عبارت قیدی)

– عبارت past participle:

– The rubbish contained in the harbour.

– عبارت present participle (ing):

– The rubbish lying at the botton of the harbour.

– عبارات دارای مصدر با to:

– a decision to expand.



## –Prepositions

## – حروف اضافه:

از حروف اضافه برای بیان رابطه بین دو کلمه استفاده می‌شود.

حروف اضافه بعد از *verb* (فعل)، *(adjectives)* (صفت) و یا اسم *(noun)* می‌آیند و بسته به این‌که بعد از کدام یک می‌آیند متفاوت هستند.

### 1. *verb + preposition*

فعل + حرف اضافه

–V + (about)

پس از همه‌ی افعال زیر *about* می‌آید.

*Care, complain, hear, know, learn, say, something, talk, think, warn, wonder, worry, write + about*

–V + at

پس از افعال زیر حرف اضافه *at* به کار می‌رود:

–*aim, fire, laugh, look, point, shout, yell + at*

–V + between

–*choose, decide, differentiate, distinguish + between*

–V + for



–aim , apologise , apply , forgive , hope , long , prepare  
search , wait , watch , wish + for

–V + from

–learn , prevent , stop + from

–V + of

–assure , continue + of

–V + on

–concentrate , count , depend , insist , rely + on

–V + to

–apologise , explain , present , speak , talk , write + to

–V + with

–be , deal , go out , play , stay + with



ازدواج کردن

بعد از فعل marry حرف اضافه به کار نمی‌رود.

–She married him last year. (married ~~with~~ him)

\* نکته: برخی افعال مانند (*look , fire , aim* و...) در ساختار زیر به کار می‌رود برای نشان

دادن این که تمرکز فعل روی چه کسی یا چه چیزی است.

(V) + at + person / thing

If they shout at me in class , I'm not sure what I'll do.

\* توجه:

اگر بعد از افعال *hope , aim* و *long* فعل بیاید از to استفاده می‌کنیم.

–I'm hoping to get a better mark than last year.

□      ↘ V

## 2 – Adjective + prepositions

صفت + حرف اضافه

–Adj + about

*anxious , annoyed , concerned , depressed , excited ,*

*upset , worried + about*



–Adj + at

*amazed , annoyed , astonished , awful , bad , clever  
excited , good , skilled , suprised , terrible , useless + at*

–Adj + by

*amazed , annoyed , astonished , concerned , disturbed,  
excited , impressed , inspiied , shocked , suprised + by*

–Adj + for

*bad , concerned , good , responsible + for*

–Adj + in

*diappointed , interested + in*

–Adj + of

*frightened , scared , terrified + of*

–Adj + of

*aware , clever , cruel , generons , good , kind , mean  
nasty , nice , polite , rude , selfish , true , typical , unkind + of*

–Adj + to



*cruel , good , mean , nasty , nice , polite , rude , unkind + to*

–Adj + with

*annoyed , bored , concerned , disappointed , fed up*

*impressed , obsessed , pleased , satisfied , wrong + with*

\* نکات:

1- صفاتی که در مورد توانایی صحبت می کنند (*clever , bad , good* و...) معمولاً با at

می آیند:

–*I'm not very good at maths.*  
—————///

2- صفاتی که به توصیف ترس می پردازند (*terrified , scared* و...) می توانند با of

همراه شوند:

– *There are some aspects of the course that I am a bit scared of.*  
—————///

3- صفاتی که به توصیف رفتار می پردازند: (*good , clever , kind , rude* و...) معمولاً

با to می آیند:

–*I'm worried about the pupils being rude to me.*

### 3 – Nour + preposition

اسم + حرف اضافه

–N + about





—anything , information , nothing , something + about

—N + for

excuse , explanation , ideas , inreturn , need , reasons

reputation , responsibiliy + for

—N + in

change , decreas , drop , experience , fall , increase , rise + in

—N + of

—experience , knowledge , undrestandig + of

—N + on

effect , impact , influenc + on

—N + with

inassociation , experience + with



#### 4 – Prepositional phrases: *by , in , at , on , of*

– کاربردهای by : (به وسیله‌ی)

1- همان طور که در قسمت جملات مجهول بیان شد از *by* در انتهای جملات مجهول برای بیان این که کار به وسیله‌ی چه کسی صورت گرفته استفاده می‌کنیم. (به *passive* مراجعه می‌شود)

– *But you will be taught how to deal with Those things by the tutors on the course.*

2- برای توضیح چگونگی رخداد یک مورد:

– *You can remove any dirty marks by wiping it with a wet cloth.*

3- برای بیان استفاده از وسایل نقلیه و یا ارتباطات از طریق ایمیل:

– *We'll be in touch by email soon.*

4- برای صحبت در مورد شانس‌ها (*by mistake , by accident , by chance* و ...)

– *I saw the advertisement for the job by chance and decided to apply for it.*

– in

از *in* در اصطلاحات و ساختارهایی مانند *in touch , in pain , in love , in debt , in a rush , in the end* استفاده می‌شود. *in luck , in danger , in fashion , in private*

– *Don't forget to keep in touch while you're away!*



at -

– at peace / at large / at first –

– At first I was impressed by him.

at the airport, at school, at home, at work at University –

– I've just finished my first degree at Stamford University.

\* نکته‌ی تکمیلی:

ما می‌توانیم از اسم‌ها و ضمائر یا ing – بعد از حروف اضافه استفاده نماییم.

– well, I've always been interested in teaching. \* توجه:

\* در حالت منفی (*not*) بین حروف اضافه و *ing* – می‌آید.

– I'm worried about not being able to control a class.



## Relative clauses

### جمله‌واره‌های موصولی:

هنگامی که بخواهیم اطلاعات بیش‌تری در مورد اسم یا عبارات اسمی بدهیم و مفهوم و منظور خود را روشن نماییم از جمله‌واره‌های موصولی استفاده می‌کنیم.

جمله‌واره‌ها به وسیله‌ی ضمائر موصولی (*which, who* و ...) به اسم مرتبط می‌شوند.

ضمائر موصولی می‌توانند به عنوان فاعل یا مفعول عبارت بیایند و بعد از آن‌ها نباید از ضمیری دیگر استفاده کنیم.

– *Why not install lights which have a timer?*

R. C

(*which ~~they~~ have ...*)

\* توجه:

گاهی اوقات به جای *relative clause* از *participle clause* استفاده می‌کنیم:

– *The food kept in the fridge*

= (*The food which is kept in the fridge*)

– Relative pronouns

– در ابتدا باید در مورد ضمایر موصولی بدانیم:

|                  |      |   |
|------------------|------|---|
|                  | whom | و |
| ← اشاره به انسان | whom | – |



–Please welcome Mike Brower , who is going to talk to us.

← اشاره به اجسام

– which

–These are dangerous if you live in a flat which is in a large high – rise buildng.

← اشاره به انسان و اشیاء

– that

–Find some one that can cheak on your home.

–Store away any objects that could become damaging missiles.

\* توجه:

همان طور که در 2 مثال بالا دیدید *that* می تواند جایگزین دیگری برای *who* و *which* باشد. (خصوصاً در زبان محاوره ای)

اما در جمله وارده های غیرتعریف از that استفاده نمی کنیم (در ادامه توضیح داده می شود)

← non – definig relative cause



← اشاره به مکان where –

–This is your home , the place where you keep your most treasured possessions.

← اشاره به زمان when –

–Programme them to come at times when you would normally be home.

← برای نشان دادن مالکیت whose –

–You're a person whose job involves a lot travel.

–He lives in an old house , whose roof needs repairing.

← اشاره به دلیل و دلایل why –

–There are often very good reasons why one house is burgled and another is not.



- دو دسته *relative clauses* وجود دارد:

- |                                                                              |   |                                                                                       |
|------------------------------------------------------------------------------|---|---------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>1 - جمله‌واره‌های تعریف کننده</p> <p>2 - جمله‌واره‌های غیرتعریف کننده</p> | } | <p><i>Defining relative clauses</i></p> <p><i>Non - Defining relative clauses</i></p> |
|------------------------------------------------------------------------------|---|---------------------------------------------------------------------------------------|

1- جمله‌واره‌های تعریف کننده: *Defining relative clauses*

این دسته از جمله‌واره‌های موصولی اطلاعاتی در مورد اسم می‌دهند تا آن‌را برای ما مفهوم نمایند.

غیرقابل حذف هستند. چون با حذف آن‌ها مشخص نمی‌شود در مورد چه زمان، چه فرد یا

چه چیزی صحبت می‌کنیم. (نیاز به ، ندارد)  
کاما

–Find some one who can collect your mail for you.

\* نکته:

زمانی می‌توانیم ضمیر موصولی را در جمله‌واره‌های موصولی حذف نماییم که به مفعول

جمله‌واره‌های تعریف کننده برمی‌گردند.





– Maybe there's a neighbour (that) you can ask.  
object  $\curvearrowright$  *that* قابل حذف است

– In the evening, a house that's very dark can really stand out.  
subject

در اینجا *that* قابل حذف نیست چون *house* فاعل جمله است.

2- جمله‌واره‌های غیرتعریف‌کننده: *Non – defining relative clauses*

– این دسته از جمله‌واره‌های موصولی به بیان توضیحات اضافه و غیرضروری می‌پردازند.

جمله‌واره‌های غیرتعریف‌کننده بیشتر در زبان نوشتاری رواج دارند.

به 2 جمله زیر دقت نمایید تا هرچه بهتر متوجه تفاوت 2 نوع مختلف جمله‌واره‌های موصولی شوید:

1 – I applied to the University, which is located in the centre of the City. (*non – defining R.C*)



در اینجا فقط یک دانشگاه وجود دارد، پس توضیحات اضافه در مورد محل قرار گرفتن آن *non – defining R.C* محسوب می‌شود.

2 – I applied to the University, which is located in the centre of the City. (*defining R.C*)



در این مثال دانشگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که در مرکز شهر نیستند.

– نکاتی در مورد *non defining relative clauses*:



1- همان طور که در ابتدای بحث گفته شد هیچگاه ضمیر موصولی (*that*) را با آن‌ها به کار

نمی‌بریم.

–*The burglars got in through the kitchen window, which the owneres had forgotten to shut. (~~that~~)*

کاما

2- ما جمله واره‌ی موصولی را با (,) از عبارت اصلی جدا می‌کنیم. (گاهی اوقات به 2 ,)

هم نیاز داریم).

–*A letter box can become full of uncollected letters (,) which is a great help to a burglar.*

–*Mr Smith (,) who was my primary school teacher (,) got married.*

3- ضمایر موصولی در این جا غیرقابل حذف هستند.

–*My new house , which I have just redecorated , is much larger than my old house.*

↓

(*which*) قابل حذف نیست.

4- ضمایر موصولی می‌تواند به یک عبارت اسمی تکی یا به کل عبارت اشاره نماید.



– My neighbour , who lives upstairs , often look after my flat.

– Some people seem to think it's just a matter of locking all the doors , which is fine as long as there are no nasty storms while you are away.

\* نکته:

(informal غیررسمی)

در جمله‌واره‌های موصولی که نیاز به حرف اضافه دارند معمولاً در حالت زبان محاوره‌ای

حروف اضافه در آخر عبارت می‌آید.

– You may have a neighbour that you can rely on.

و باز هم در حالت غیررسمی حرف اضافه می‌تواند قبل از ضمائر موصولی *which* و *whom* قرار بگیرد.

My boss , for whom I have worked or , has



*decided to retire.*

\* نکته طلایی: (نکات اضافه):

\* ما معمولاً از عبارت the one با جمله‌واره‌های تعریف‌کننده استفاده می‌کنیم.

– *He's the one who suggested I become a teacher.*

\* where را بعد از عباراتی مانند *the situation* به کار می‌بریم  
*the stage*  
*the point*

– *I'm almost at the stage where I'm ready to quit my job.*

\* نکته:

تفاوت بین *who* و *whom*

همان‌طور که دیدید هر دوی این‌ها جزء ضمایر موصولی به حساب می‌آیند و از هر دو برای اشاره به افراد استفاده می‌شود اما who جایگزین فاعل جمله می‌شود ولی whom نقش مفعولی را برعهده می‌گیرد.

\* وقتی who جایگزین فاعل می‌شود پس بعد از آن فعل داریم (نه ضمیر یا اسم دیگر)

\* وقتی whom به جای مفعول قرار می‌گیرد پس بعد از آن به فاعل (ضمیر یا اسم) نیاز داریم.



–I have a friend who <sup>verb</sup> works for NASA.

–My friend is some one whom <sup>I</sup> can rely  
<sub>subject</sub>  
 on the most.



## Questions:

Yes / No Question

1- سوالات با پاسخ بله یا خیر

روش‌های ساختن Yes / No Q:

1. (be + subject + ...?)

-Are you hungry?

-Is he ready?

-was she here?

(be, have, will, shall, can, may, ...)

2 - (auxiliary verb + subject + verb ...?)

فعل کمکی

- Is Mark leaving?

- Can you sing?

- Have they gone?

- برای ساخت سوالات با پاسخ بله یا خیر در مورد زمان حال ساده از do و does قبل از

فاعل استفاده می‌کنیم.

- (do/does + subject + verb + ...?)

-Does she work in Paris? (does work)

-Do you play tennis?

- همچنین برای زمان گذشته‌ی ساده از did استفاده می‌کنیم.





(*did + subject + verb ...?*)

–*Did he go to Spain?*

همان طور که مشخص است پاسخ به سؤالات به صورت Yes/No است.

–*Are you hangry?*    *Yes, I am.*  
                                  *No, I'm not*

2- سؤالاتی که با کلماتی که در ابتدا آن (*wh*) است شروع می‌شوند.

## 2 – *wh* – Questions

|                 |                        |
|-----------------|------------------------|
| <i>Wh words</i> | <i>Where</i> (کجا)     |
|                 | <i>When</i> (چه زمان)  |
|                 | <i>Why</i> (چرا)       |
|                 | <i>What</i> (چه چیز)   |
|                 | <i>Who</i> (چه کسی)    |
|                 | <i>Which</i> (چه چیزی) |
|                 | <i>How</i> (چگونه)     |

– *where* ← پرسش در مورد مکان:

–*where's Mike? He is at home*

– *when* ← پرسش در مورد زمان و تاریخ





– when will you phone? – At Six O'clock

– why ← پرسش در مورد علت رخداد چیزی:

– why is Marry taking a taxi? Because her car isn't working.

– How ← پرسش در مورد چگونگی:

– How did you get to school? I went by taxi.

\* از how برای پرسش در مورد سلامتی افراد یا اتفاقات استفاده می‌کنیم.

– How are you? I'm fine.

– نحوه‌ی ساختن سؤالات با where و when و why و how:

1 –  $\left. \begin{array}{l} \text{why} \\ \text{when} \\ \text{where} \\ \text{how} \end{array} \right\} + \text{be} + \text{subject} + \dots ?$

– why is he here?

– where are they?

2 –  $\left. \begin{array}{l} \text{why} \\ \text{how} \\ \text{when} \\ \text{where} \end{array} \right\} + \left( \begin{array}{c} \text{auxiliary} \\ \text{verb} \end{array} \right) + \text{subject} + \text{main verb} ?$

– why are they leaving?



–when will you phone ?

3 – present Simple or past Simple

do/does + Subject + Verb ?

did

–where does she live ?

–why did you phone the police ?

← سؤال در مورد اشخاص

who

–who are you going to visit ? I'm going to visit  
my sister.

← پرسش در مورد اشیاء

which

و

what

–what film did you see at the cinema ?

– which newspaper do you want ?

را معمولاً در جایی که پاسخ‌های زیادی ممکن است داده شود. استفاده می‌کنیم.

what

\*

(برعکس which)

–what's your name ? Ali

Mark

Susan

Sara



$$\left[ \begin{array}{l} \text{who} \\ \text{what} \\ \text{which} \end{array} \right] + \text{be} / \text{auxiliary verb} + \dots ?$$

- who did you meet at party ?
- who is the presiden of Peru ?
- what is the capital of Indea ?
- what does your father do ?
- which car will you buy ?
- which shirt do you prefer ?
- How long / far / often ... ?

- How long ← پرسش در مورد مدت زمان

- How long have you been waiting ? About 20 minutes.

\* نکته: هنگام صحبت در مورد بازه‌های زمانی از ساختارهای روبه‌رو بهره می‌جویم:

$$\left[ \begin{array}{l} \text{from} - \text{to} - \\ \text{from} - \text{until} - \end{array} \right.$$

- She was a student from 1995 to 2000.
- Tomorrow I'm working from 8 until 6.

- How far ← پرسش در مورد مسافت (از یک مکان به مکان دیگر)

می‌توانیم از *from* و *to* استفاده کنیم:



– How far are the shops from here ? Not far.

– How far is it from Shiraz to Tehran ? 1000 kilometers.

– How often ← پرسش در مورد تعداد رخداد

پاسخ How often با عباراتی مانند *once a week , every day* و ... به کار می‌روند.

– How often do you play Squash ? Twice a week.

– How much ← پرسش در مورد قیمت

– How much did you pay for this car ?

\* نکته: می‌توانیم از How much با اسامی غیرقابل شمارش برای پرسش در مورد مقدار

استفاده کنیم.

– How much bread is there ?

– How much work have you done today ?

– How many ← پرسش در مورد تعداد (با اسامی جمع)

– How many people went to the party ?

– How many student are in your class ?

– How old ← پرسش در مورد سن

– How old are you? I'm 19.



از این دسته سؤال برای پرسش در مورد ظاهر افراد استفاده می‌کنیم. *What ... like ?*

(tall , short , pretty etc.)

—*what's Sara like ?*

—*she's pretty and she's very kind , but she is not very clever.*

همچنین می‌توانیم از (*what ... like*) برای مکان، کتاب، فیلم یا اتفاقی استفاده کنیم.

—*what's Spielberg's latest film like ? It's excellent.*

— *look like* ← برای صحبت در مورد ظاهر افراد

—*what does Julia look like ?*

—*she is tall with brown hair.*

\* از *like* به همراه *Sound , feel , taste* و *Smell* استفاده می‌شود:

—*what does that taste like ?*

—*It tastes like cheese.*

\* به کار بردن *like* به همراه *who* برای بیان شباهت استفاده می‌شود:

—*who's Julia like ? she's like her mother*

(شبییه مادرش است.)

\* توجه توجه:

در جمله‌ی *what's she like , like* حرف اضافه است.

اما در جمله‌ی زیر *like* به عنوان فعل استفاده شده است.

(v)

—*what music does he like ? He likes rock music.*



## –who and what (object and subject)

کلمات پرسشی *who* و *what* می‌توان در پرسش نقش فاعل یا مفعول را داشته باشد.

subject - **Who** told you? James told me.  
 - **Who** did you tell? I told Bill.  
 object ←

\* هنگامی که *who* به عنوان فاعل است نحوه‌ی قرار گرفتن بقیه‌ی کلمات مانند یک جمله‌ی عادی است.

- *who* is going to come with me ?
- *who* lives in that old house?

\* اما هنگامی که *who* به عنوان مفعول است از یک فعل کمکی قبل فاعل بهره می‌گیریم:

- *who* are you going to invite ?
- *who* have you told about this ?

و حالا *what* :

subject  
 - *what* is in this dish ?

subject  
 - *what* did you buy at the shops ?





–whose is this ? It's John's.

سؤال در مورد مالکیت:

همان طور که قبلاً بیان شد. 's و ' نشان دهنده ی مالکیت هستند.

*This is Mike's house.*

\* مروری بر قواعد 's و '

\* 's + اسامی مفرد –

–Where is Tom's bike ?

\* 's + اسامی بی قاعده جمع –

–Have you got the children's book ?

\* ' + اسامی جمع با قاعده –

–This is boys' bedroom.

\* نکته

ما از 's برای مالکیت افراد استفاده می کنیم و در مورد اجسام معمولاً از of استفاده می کنیم.

–The end of the film

(film's ~~end~~)

\* نکته ی طلایی:

ما از کلمات *backer's , newsagent's* و ... استفاده می کنیم.





*I'm going to newsagent's. (the newsagent's shop)*

حال برای سؤال در مورد مالکیت‌ها از whose استفاده می‌کنیم:

– whose car is that ? It's John's.

\* توجه:

کلمه‌ی whoes تغییر نمی‌کند.

– whose book is that ?  
~~~~~

– whose books are those ?
~~~~~

\* نکته:

ما معمولاً در سؤالات خود از کلماتی مانند *this* , *that* و *that* و *those* و در پاسخ از

*his* , *yours* , *mine* و... استفاده می‌کنیم.

– whose watch is that ? – It's Steven's.

– It's his

\* توجه: تفاوت *who's* و *whose*:

ممکن است *whose* شبیه *who's* به نظر بیاید. اما این دو در معنا متفاوت هستند:



- [ - who's coming ? (who is coming)
- [ - whose coat is this ?



## -Short answers:

به دلیل این که پاسخ کاملی به سؤال ما نمی دهند Short answers نامیده شدند.

-Is she sick ? Yes , she is.

کاربرد Short answers :

در پاسخ به سؤالات بلی یا خیر (Yes/NoQ) از Short answers استفاده می کنیم.

-Are you coming ?  $\left\{ \begin{array}{l} \text{Yes , I am} \\ \text{No , I'm not} \end{array} \right.$

\* نکته:

در پاسخ کوتاه هیچ گاه فعل اصلی جمله سؤالی به کار نمی رود.

-Have they gone ? ~~Yes , they have gone.~~

اما اگر فعل اصلی be باشد از be در پاسخ استفاده می کنیم.

-Are you tired ? Yes , I am.

\* اگر پاسخ No (منفی) است از حالت منفی افعال استفاده می کنیم.

-Will they win ? No , they won't.

-Are you cold ? No , I'm not.

\* نکته:

پاسخ کوتاه باید حداقل از (3) کلمه تشکیل شده باشد.



–Are you tired ? Yes , I am. (Yes , I'm)

\* توجه

Yes/No

برای پاسخ مثبت یا منفی دادن به عبارات هم می‌توانیم از پاسخ کوتاه استفاده کنیم.

He's working hard Yes , he is.

\* نکته:

همان‌طور که می‌دانید برای پاسخ کوتاه به سؤالات با زمان حال ساده و یا گذشته‌ی ساده از *do* و *does* و *did* بهره می‌جوئیم.

–She loves films Yes , she does

↑

–Did he like the look ? Yes , she did

↑

\* نکته‌ی تکمیلی:

در حالت نوشتاری در پاسخ بعد از *No* , *Yes* (,) می‌آوریم.



–*So am I, I am too, Neither am I etc.*

–*I am tired. ~ So am I.*

–*She was very angry. ~ So was I.*

–*They've been waiting. ~ So has I.*

–*I enjoyed the film. ~ So did I.*

\* نکته:

1- *So* را بعد از جملات مثبت به کار می‌بریم.

2- نوع فعل بعد از *So* بستگی به فعل جمله مثبت اصلی دارد.

– می‌توانیم به جای *So am I* از *I am too* نیز استفاده کنیم.

–*I tired. ~ I am too.*

–*He can drive. ~ she can too.*

– برای پاسخ به جملات با بار منفی از *Neither am I* استفاده می‌کنیم.

–*I 'm not tired. ~ Neither am I.*

–*I don't like this place. ~ Neither do I.*

\* نکته:

–*I'm not either = neither am I*

–*I 'm not tired. ~ I 'm not either.*

–*I don't like this place. ~ I don't either.*

–*His sister can't drive and he can't either.*



## - Direct and Indirect objects

1 – person (indirect obj) thing (direct obj)

–she gave her brother a shirt.

–I showed him my passport.

–I'll cook him a meal.

2 – Thing (direct obj) person (to + obj)

–she gave a shirt to her brother.

–I showed my card to the clerk.

–she lent some money to her friend.

\* توجه:

(دادن چیزی به کسی)

از ساختار *to + object* برای افعالی مانند *show, send, give* و

*lend* و *offer* استفاده می‌کنیم.

(انجام کاری برای دیگری)

و از ساختار *for + object* برای افعالی مانند *teach, cook, get, buy* و...

استفاده می‌کنیم.

1 – Thing (indirect obj) person (for + obj)

–We cooked a meal for everybody

–I'll get your book for you.

–She bought some toys for them.



## –Cardinal and Ordinal numbers

اعداد شمارشی و ترتیبی:

| Cardinal N<br>اعداد شمارشی | Ordinal N<br>اعداد ترتیبی    |
|----------------------------|------------------------------|
| 1 <i>one</i>               | <i>first</i> 1st             |
| 2 <i>two</i>               | <i>second</i> 2nd            |
| 3 <i>three</i>             | <i>third</i> 3rd             |
| 4 <i>four</i>              | <i>fourth</i> 4th            |
| 5 <i>five</i>              | <i>fifth</i> 5th             |
| ⋮                          | ⋮                            |
| 21 <i>twenty – one</i>     | <i>twenty – first</i> 21 st  |
| 22 <i>twenty – two</i>     | <i>twenty – second</i> 22 nd |
| 30 <i>thirty</i>           | <i>thirtieth</i> 30 th       |

– اعداد شمارشی 40 تا 4/000/000 :

40 *fourty* / 50 *fifty* / 60 *sixty* / 70 *seventy* / 80 *eighty* / 90 *ninety* /

100    *a hundred*

101    *a hundred and one*

1,000    *a thousand*

1,000,000    *a million*

200    *two hundred*

210    *two hundred and ten*

3,000    *three hundred*

\$ 4,000,000    *four million dollars*





13 or 13<sup>th</sup> June = *The thirteenth of june /  
june the thirteenth*

1994 = *Nineteen ninty – four*

26 or 26<sup>th</sup> March 1995(26/3/95)

= *the twenty – sixth of March ,ninteen ninety – five*



## Building Sentences

*And , but , So , both ... and , either etc.*

- برای ارتباط دادن ایده های شبیه هم در یک جمله از *and* و *both ... and* استفاده می کنیم.

*-she is tired. she is hangry*

*-she is tired and hangry.*

*-she is both tired and hangry.*

- برای مقایسه بین دو ایده متفاوت از *but* استفاده می کنیم.

*- He swims. He doesn't play tennis.*

*- He swims , but he doesn't play tennis.*

- از *So* برای بیان نتیجه استفاده می کنیم.

| <i>Situation</i><br>موقعیت                      | <i>result</i><br>نتیجه   |
|-------------------------------------------------|--------------------------|
| <i>-I'm tired</i>                               | <i>I'm going to bed.</i> |
| ↓                                               |                          |
| <i>-I'm tired , <u>So</u> I'm going to bed.</i> |                          |

- از *So* یا *either ... or* برای صحبت در مورد 2 توانایی (امکان) استفاده می کنیم.



*she's French      she's swiss*

└──────────────────┘  
↓

– *she is French or swiss.*

– *she is either French or swiss.*

– برای قرار دادن 2 جمله‌ی منفی کنار هم از *either ... nor* استفاده می‌کنیم:

*Peter didn't come      Joann didn't come*

└──────────────────┘  
↓

– *Neither Peter nor Joann come.*



\* توجه:

*Neither ... nor* جمله را به صورت منفی درمی‌آورند و نیازی به کار بردن فعل منفی بعد

از آن‌ها نداریم.

– به صورت‌های زیر نیز می‌توانیم از *either*, *both* و *neither* استفاده کنیم.



$$\left. \begin{array}{l} \text{both} \\ \text{neither} \\ \text{either} \end{array} \right\} \text{ of } \left\{ \begin{array}{l} \text{the} \\ \text{my} \\ \text{his} \\ \text{these} \end{array} \right\} \text{ اسامی جمع}$$

فعل جمع

– Both of these suitcase are heavy.

– I haven't seen either of the films.

– Neither of his sisters was / were there.

فعل جمع یا مفرد

و هم چنین می توانیم از ساختار روبه روی بهره بگیریم:

*both / either + Of + them/us*

– He has two cars , but neither of them works.





اگر علت قبلاً بیان نشده باشد معمولاً از because استفاده می‌کنیم. (و علت معمولاً در قسمت دوم جمله می‌آید).

—We stayed at home because Tom was ill.

— اما اگر قبلاً بیان شده بود که تام مریض بوده است به‌طور معمول علت را با *Since* یا *as* نشان می‌دهیم.

—Since / As Tom was ill , we stayed at home.

— از for برای توصیف و شرح اهداف و دلایل با ساختاری متفاوت استفاده می‌کنیم:

*for + N*

—We stopped for a drink.

—We stopped for the children to have a drink.

\* نکته:

*for + N / -ing* → بیان علت واکنش

—The teacher sent Jill home for cheating.

— گاهی اوقات از for در معنای *because* استفاده می‌شود. (رایج نیست)

—Jack was pleased to receive the books, for he was fond of reading.

— از due to و Owing to به‌همراه اسم برای بیان علت استفاده می‌کنیم.

—Due to / owing to the road repairs , we had to

take a different route.

— (the fact that) :



—The fact that the pianist had appendicitis.

\* نکته:

$N + be + due\ to + N$

—The delay was due to fog.

اما از *owing to* به این صورت نمی‌توانیم استفاده کنیم.





## **Although , while , However , despite , etc.**

- برای مقایسه دو عقیده یا موقعیت:

در جمله از *although* بهره می گیریم:

— Although the weather was very cold , we decided to go for a walk.

— The goverment passed the new law although many people apposed it.

در موقعیت های غیررسمی می توان *though* را در موقعیت های بالا به کار برد.

اما به کار بردن *while* در این جا امکان پذیر نیست.

- برای مقایسه 2 جنبه ی مختلف از یک چیز یا دو چیز مشابه از *while* استفاده می کنیم:

— While I agree with the idea , I don't think It's very practical.

— Some of my friends have found work while Others are still unemployed.

در موقعیت های بالا استفاده از *Although* نیز مجاز است.

- هنگام بیان تضاد در قالب جملات جدا از هم از *However* بهره می گیریم:

— The govermant passed the new law. However , many pepole wene against it.

— I agree with the idea. I don' think it's very practical , however.

\* نکته:

*though* هم مانند *however* می تواند در آخر جمله بیاید.



برای مقایسه می‌توان از *in spite of* و *despite* با یک اسم بهره بگیریم.

—In spite of / Despite the cold weather , we  
decided to go for a walk.

—The goverment passed the new laws in spite of  
/ despite the opposition.

نحوه‌ی دیگر بیان:

—The goverment passed the new laws in spite of / despite  
The fact that many people; e were against it.

# Appendix 1: Irregular verbs

## Verb Past simple Past participle

|         |          |           |
|---------|----------|-----------|
| be      | was/were | been      |
| beat    | beat     | beaten    |
| become  | became   | become    |
| begin   | began    | begun     |
| bend    | bent     | bent      |
| bet     | bet      | bet       |
| bite    | bite     | bitten    |
| bleed   | bled     | bled      |
| blow    | blew     | blown     |
| break   | broke    | broken    |
| bring   | brought  | brought   |
| build   | built    | built     |
| burn    | burnt    | burnt     |
| burst   | burst    | burst     |
| buy     | bought   | bought    |
| catch   | caught   | caught    |
| choose  | chose    | chosen    |
| come    | came     | come      |
| cost    | cost     | cost      |
| creep   | crept    | crept     |
| cut     | cut      | cut       |
| deal    | dealt    | dealt     |
| dig     | dug      | dug       |
| do      | did      | done      |
| draw    | drew     | drawn     |
| dream   | dreamt   | dreamt    |
| drink   | drank    | drunk     |
| drive   | drove    | driven    |
| eat     | ate      | eaten     |
| fall    | fell     | fallen    |
| feed    | fed      | fed       |
| feel    | felt     | felt      |
| fight   | fought   | fought    |
| find    | found    | found     |
| fly     | flew     | flown     |
| forbid  | forbade  | forbidden |
| forget  | forgot   | forgotten |
| forgive | forgave  | forgiven  |
| freeze  | froze    | frozen    |
| get     | got      | got       |
| give    | gave     | given     |
| go      | went     | gone      |
| grow    | grew     | grown     |
| hang    | hung     | hung      |
| have    | had      | had       |
| hear    | heard    | heard     |
| hide    | hid      | hidden    |
| hit     | hit      | hit       |
| hold    | held     | held      |
| hurt    | hurt     | hurt      |
| keep    | kept     | kept      |
| kneel   | knelt    | knelt     |
| know    | knew     | known     |
| lay     | laid     | laid      |
| lead    | led      | led       |
| lean    | leant    | leant     |
| learn   | learnt   | learnt    |
| leave   | left     | left      |
| let     | let      | let       |

## Verb Past simple Past participle

|            |               |               |
|------------|---------------|---------------|
| lie        | lay           | lain          |
| light      | lit           | lit           |
| lose       | lost          | lost          |
| make       | made          | made          |
| mean       | meant         | meant         |
| meet       | met           | met           |
| pay        | paid          | paid          |
| put        | put           | put           |
| read       | read          | read          |
| ride       | rode          | ridden        |
| ring       | rang          | rung          |
| rise       | rose          | risen         |
| run        | ran           | run           |
| say        | said          | said          |
| see        | saw           | seen          |
| sell       | sold          | sold          |
| send       | sent          | sent          |
| set        | set           | set           |
| shake      | shook         | shaken        |
| shine      | shone         | shone         |
| shoot      | shot          | shot          |
| show       | showed        | shown         |
| shrink     | shrank        | shrank        |
| shut       | shut          | shut          |
| sing       | sang          | sung          |
| sink       | sank          | sunk          |
| sit        | sat           | sat           |
| sleep      | sleep         | asleep        |
| slide      | slid          | slid          |
| smell      | smelt         | smelt         |
| speak      | spoke         | spoken        |
| spell      | spelt/spelled | spelt/spelled |
| spend      | spent         | spent         |
| spill      | spilt         | spilt         |
| split      | split         | split         |
| spoil      | spoilt        | spoilt        |
| spread     | spread        | spread        |
| spring     | sprang        | sprung        |
| stand      | stood         | stood         |
| steal      | stole         | stolen        |
| stick      | stuck         | stuck         |
| sting      | stung         | stung         |
| strike     | struck        | struck        |
| swear      | swore         | sworn         |
| swell      | swelled       | swollen       |
| swim       | swam          | swum          |
| swing      | swung         | swung         |
| take       | took          | taken         |
| teach      | taught        | taught        |
| tear       | tore          | torn          |
| tell       | told          | told          |
| think      | thought       | thought       |
| throw      | threw         | thrown        |
| understand | understood    | understood    |
| wake       | woke          | woken         |
| wear       | wore          | worn          |
| weep       | wept          | wept          |
| win        | won           | won           |
| write      | wrote         | written       |

## Appendix 2: Phrasal verbs

These are some useful phrasal verbs. Many phrasal verbs have more than one meaning. Check them in a good dictionary before using this list.

|                 |                |                 |                        |
|-----------------|----------------|-----------------|------------------------|
| account for     | cut down       | head for        | see through            |
| act as          | deal with      | hear from       | see to                 |
| agree to        | depend on/upon | help out        | send (off/away) for/to |
| aim at          | dispose of     | hold on         | send out               |
| allow for       | do up          | hold on to      | set aside              |
| amount to       | do without     | hold up         | set out                |
| aspire to       | draw up        | join in         | set up                 |
| attribute to    | eat out        | keep from       | settle down            |
| base on         | engage in      | keep on doing   | settle into somewhere  |
| be into         | enter into     | keep up (with)  | sort out               |
| believe in      | even out       | lay off         | speak out/up           |
| belong to       | fall apart     | lead to         | stand by               |
| break down      | fall back on   | lead up to      | stand for              |
| bring about     | figure out     | let down        | stand up to            |
| bring back      | fill in/out    | let off         | start afresh           |
| bring in        | find out       | live on         | start over             |
| bring out       | finish off     | live up to      | stay out of            |
| bring up        | fit in         | look after      | stick at               |
| build up        | focus on/upon  | look ahead      | stick out              |
| call for        | get across     | look at         | stick to               |
| call off        | get at         | look forward to | stick together         |
| call on         | get away with  | look into       | sum up                 |
| care for        | get back       | look up         | switch off             |
| carry on        | get in         | make up         | take after             |
| carry out       | get off        | make up for     | take away              |
| catch up        | get on         | miss out on     | take down              |
| cater for       | get out of     | name after      | take in                |
| check in        | get round to   | name for        | take off               |
| check out       | get through    | pass on         | take on                |
| cheer up        | give away      | pay back        | take out               |
| clear up        | give back      | pick out        | take over              |
| close down      | give in        | pick up         | take up                |
| come about      | give up        | play down       | think about            |
| come across     | go back        | point out       | think of               |
| come along      | go down        | put aside       | think over             |
| come around     | go into        | put forward     | throw away/out         |
| come back       | go off         | put off         | try out                |
| come down       | go on          | put on          | turn into              |
| come from       | go over        | put up          | turn out               |
| come out        | go through     | put up with     | turn to                |
| come up         | go together    | refer to        | use up                 |
| come up against | go up          | relate to       | wake up                |
| come up with    | hand in        | result in       | work at                |
| consist of      | hand out       | rule out        | work out               |
| count on        | have (got) on  | run out         | write up               |